

آنچه می بینیم آنچه نمی بینیم

با تک‌نرخ شدن ارز، صنعت لوازم خانگی در آستانه یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ خود قرار می‌گیرد؛ صنعتی که سال‌ها میان محدودیت‌های واردات مواد اولیه و قطعات خارجی، و نوسان‌های ارزی در نوسان بوده است. حذف چندگانگی نرخ ارز می‌تواند رقابت‌پذیری را تقویت کند، اما هم‌زمان افزایش هزینه مواد اولیه و فشار بر سرمایه در گردش تولیدکنندگان را به همراه دارد. حالا پرسش اصلی این است: ارز واحد، موتور نوسازی این صنعت خواهد شد یا ترازوی تولید را به سمت رکود سنگین‌تر می‌کند؟

ELEVIA

Life Moves on Smartly

ایویا، محصولات خانه هوشمند
هوشمندسازی خانه‌های قدیمی،
بی‌نیاز از تغییر زیرساخت برق



Powered by  PARLAR
تولید شده در شرکت صنایع صبح پارلار آسیا



Scan For Download App

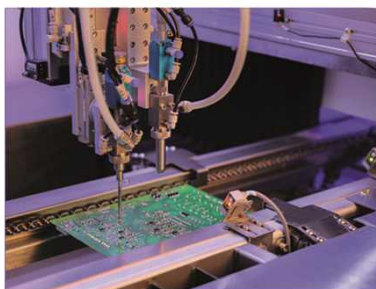


 ۰۲۱ ۵۱ ۶۱ ۰۰ ۰۰
 www.elevia.ir



PARLAR

SOBH PARLAR ASIA INDUSTRIAL CO.



ما بزرگترین تولیدکننده بردهای الکترونیکی
لوازم خانگی در منطقه هستیم

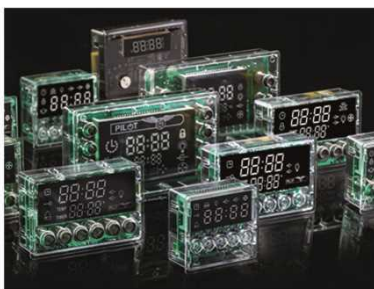
محصولات
انرژی پای



واحد برتر و نمونه دانش بنیان کشوری
در سال ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، و ۱۴۰۴

پارلار، طلوع نوآوری...

تایمر الکترونیکی و کنترلر اجاق گاز و فر



نمایشگر و کنترلر هود



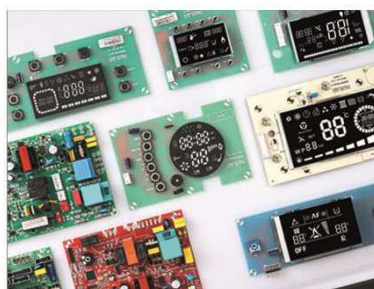
نمایشگر و کنترلر یخچال



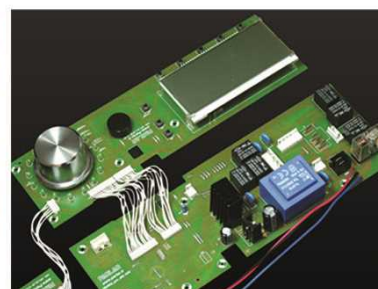
نمایشگر و کنترلر کولر آبی و گازی



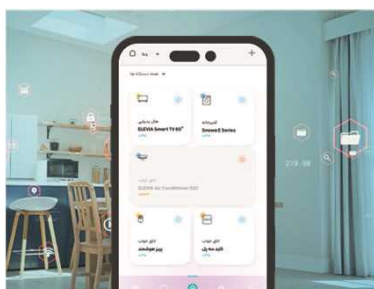
کنترل اتوماتیک پکیج های گرمایشی



نمایشگر و کنترلر ماشین لباسشویی



پلتفرم خانه هوشمند ELEHOME



محصولات خانه هوشمند ELEVIA



محصولات خودرویی



آدرس: پلیس راه تبریز - تهران، جاده باسمنج، شهرک صنعتی الکترونیک سهند آذران

تلفن: ۰۲۱ ۵۱۶۱ ۵۱۶۱۰۰۰ فکس: ۰۲۱ ۱۲۱۲ ۱۵۱۶۱۰۴۱ کدپستی: ۵۴۹۵۱۴۹۳۵۴

info@parlar.ir

www.parlar.ir





Twin Series | 30 Feet

EMERSUN
BEAUTIFUL | PIONEER | RELIABLE



Premium non-stick cookware

Since
1982



منارک پلاس
پوشش مناسب تمام گرانیته

Monarch Plus
Extera Nonstick Granite System



تاریخ ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

تاریخ ثبت: ۱۳۸۵/۰۵/۰۵

zarsab

۰۲۱-۸۸۵۰۰۰۹۵




contact



بانکه های شیشه ای درب دار

160 ML, 260 ML, 420 ML, 700 ML

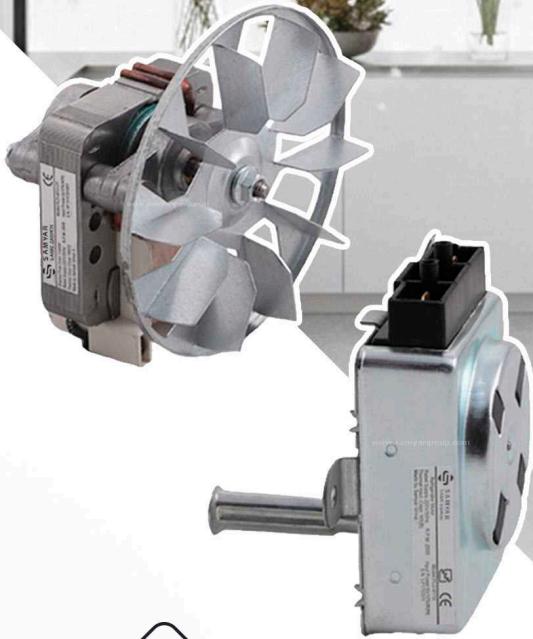
 limonware
www.limonware.com





METAL
BREAD BASKET

نمایشگاه دائمی : میدان شوش - خیابان صابونیان - خیابان کاخ جوانان - پاساژ الغدیر - طبقه پنجم - واحد ۵
تلفن : ۰۲۱-۵۵۰۴۴۲۲۰ تلفن دفتر فروش: ۰۲۱-۵۱۰۴۴۰۰۰
سامانه پیام کوتاه (SMS) شرکت برای دریافت پیشنهادات و انتقادات شما ۳۰۰۰۲۲۴۱



سامیار صنعت زاگرس



We bring you not only the motor But also the solution!

بزرگترین تولیدکننده موتور لوازم آشپزخانه



وبسایت ما:

02188800225



www.samyargroup.com



@samyarsanat



دفتر تهران

خیابان استاد نجات الهی کوچه نوید، پلاک 42، ساختمان سامیار

کارخانه

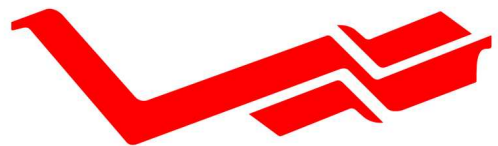
شهرکرد، شهرک صنعتی، فازدو، سروستان دوم



اینستاگرام ما:



CHARISMATECH
گروه صنعتی کاریزماتک



TISA

Kitchen Sink Accessories



@tisa.ir



www.tisa.ir



Air Fryer

8
PRESET
MODES



Capacity
7
liters



Nasa[®] electric





قطعات محصولات لوازم خانگی

با دمنده نفس بکشید ...
www.damandeh.com

- مناسب محیط با حرارت بالا
- دارای کلاس حرارتی H
- کم صدا با راندمان بالا



تولید کننده صفحات اجاق گازهای
رومیزی و مبله و قطعات فلزی اجاق گاز

Manufacturer of stainless steel
cooktop & freestanding hob surface and metal parts

🌐 www.samsuny.ir
✉ samsuny2008@gmail.com

📱 [samsuny.ir](https://www.instagram.com/samsuny.ir)
☎ 021-56 39 20 11



samsuny
Together at the top...



www.homara.ir

تولید کننده لوازم خانه و آشپزخانه |



| KITCHENWARE |

@homara_ir





www.homara.ir

| تولید کننده لوازم خانه و آشپزخانه |



| KITCHENWARE |

 @homara_ir





Trust and Safety | since 1974

NEW HIGH EFFICIENCY S⁺ GAS BURNER SERIES

RAPID | SEMI-RAPID

ESSENTIAL
AUXILIARY

63.5%

EFFICIENCY

PROFESSIONAL
WOK



S⁺

SERIES

طراحی متفاوت

دارای سند ثبت طرح صنعتی

گروه صنعتی اعتماد

www.vitally-group.com

☎ ۰۲۳ ۳۴۵۷۴۱۲۴-۶

کولان سل[®] 
سهامی عام

خنکی بیشتر

۴۸ ماه گارانتی

صادرات به اروپا

بزرگترین تولیدکننده پدسلولزی در خاورمیانه

 www.koolancel.com

 026 - 340 55 000



انجمن صنایع لوازم خانگی ایران
بزرگترین و قدیمی‌ترین تشکل ملی
صنعت پیشران لوازم خانگی کشور

آپروند سازان صنایع لوازم خانگی

ماهنامه عمومی صنعت لوازم خانگی

اولین و تنها نشریه تخصصی صنایع لوازم خانگی ایران

ماهنامه عمومی صنعت لوازم خانگی • سال چهارم • شماره سی و نهم • شماره پیاپی ۴۱۸ • بهمن ۱۴۰۴ • قیمت ۵۰۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: انجمن صنایع لوازم خانگی ایران

مدیر مسئول: علیرضا محمدی دانیالی

سر دبیر: قاسم مصطفوی

شورای سیاست‌گذاری:

علیرضا محمدی دانیالی، محمدحسین تهرانی، محمود قباری،

سام ادیب، داوود نوده فراهانی، قاسم مصطفوی و سرین اوجاقی،

حمیدرضا مهدیان

تحریریه: امیر فلاح، مرضیه نورعلی، امیر افتخاری

ویراستار: مسعود اسماعیلی

عکس: مرضیه نورعلی

گرافیک: یاسمن مجدزنگنه

امور مالی: لیلی گل محمدی

چاپ: مبرسان نقش افق

توزیع: محمد نیکنام

نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان شهید دکتر بهشتی، خیابان صابونچی

(مبنای سابق)، کوچه مبینی، پلاک ۸

کدپستی: ۱۵۳۳۶۶۵۵۹۴

تلفن: ۸۸۵۱۲۱۲۷ (خط ویژه)

شماره‌های اجتماعی: ۰۹۱۲۵۱۶۴۷۴۵

جذب آگهی: ۸۸۵۱۲۱۲۷ (داخلی ۱۰۴ و ۱۰۵)

نمابر: ۸۸۷۴۴۴۶۳

پیامک: ۱۰۰۰۰۲۴۲۶

مخاطبان گرامی نشریه می‌توانند در جهت ارتقاء جایگاه این رسانه‌ی مکتوب، پیشنهادات و نقطه نظرات سازنده‌ی خود را به روابط عمومی انجمن از طریق پست الکترونیکی منعکس فرمایند.

نقطه نظرات و تحلیل‌های اشخاص حقیقی و حقوقی به معنای دیدگاه این ماهنامه نیست.

حق جرح و تعدیل و انتشار مطالب دریافتی برای انجمن محفوظ است.



www.ahamiran.com



info@ahamiran.com



[ahamiran1361](https://www.instagram.com/ahamiran1361)



مجوز نشریه: ۹۱۴۴۶

۲ توسعه در ایران؛ چرا نسخه‌های آماده کار نمی‌کنند؟

۴ جرات دانستن داشته باش

۸ فصلی سرنوشت‌ساز میان جهش صادراتی و رکود تورمی عمیق

۱۲ مسئله ارز مشکل اصلی صنعت لوازم خانگی است

۱۵ صنایع لوازم خانگی زیر سایه سنگین جنگ و سیاست‌های ارزی

۱۹ مصائب سیاست‌گذاران ارزی

۲۶ رقص مبارز

۲۷ هوشمندسازی را باید از امروز جدی بگیریم

۲۸ واردات بی‌قاعده مخل تولید است

۲۹ تولید ملی تنها مسیر پایداری صنعت گرمایشی و سرمایشی کشور

۳۰ صنعت لوازم خانگی ایران به مرحله بلوغ رسیده است

۳۱ زن و شوهر

۳۴ شامخ کل اقتصاد در دی ماه ۴۳،۴

۴۳ اهمیت شبیه‌سازی عددی در طراحی مشعل‌های اجاق گاز خانگی

۴۷ نئوکلاسیک و نهادگرایی؛ دو روایت از توسعه

توسعه در ایران؛ چرا نسخه‌های آماده کار نمی‌کنند؟

مسئله توسعه در ایران بالغ بر صد سال است که کم و بیش میان اندیشمندان، فعالین اقتصادی و کارآفرینان بحث می‌شود. مسأله‌ای که برای برخی از افراد به سرابی می‌ماند و برخی دیگر با امید به روزهای آینده خوشبین‌تر به آن می‌اندیشند. اما فارغ از مسأله توسعه و دلایل توسعه نیافتگی که خود بحث مجزا و عمیقی را می‌طلبد، گاهاً در جلسات مختلف انجمن و سایر نشست‌ها، و یا نوشته‌های برخی از عزیزان به راهکارهایی مانند یکسان سازی نرخ ارز، معنی دار کردن نرخ بهره در اقتصاد (در مقایسه با نرخ تورم)، کوچک کردن حجم دولت و ... بعنوان "نسخه طلایی" یاد می‌گردد. گویی با اجرای چنین سیاست‌هایی تمامی مشکلات و موانع توسعه برطرف شده و سراب توسعه رنگ و واقعیت به خود می‌گیرد.



قاسم مصطفوی
سرمدبیر

را بیشتر شبیه زیست‌شناسی یا انسان‌شناسی می‌بیند که در آن زمینه تاریخی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه، رفتار بازیگران و نتایج اقتصادی را به طور منحصر به فردی شکل می‌دهد، دارای قدرت بیشتر در تبیین علل عقب ماندگی کشورها، و یا حل مسأله توسعه نیافتگی است.

مطابق دیدگاه نهادگرایی، نهادها و سازمان‌ها عامل کلیدی در عملکرد اقتصادی و سیاسی جوامع هستند. منظور از نهادها، همان "قواعد بازی جمعی" است، شامل قواعد رسمی مانند قوانین و مقررات، و قواعد غیر رسمی شامل عرف، سنت و فرهنگ. نهادها هستند که انگیزه‌ها را شکل می‌دهند.

منظور از سازمان‌ها، بازیکنانی هستند که در چارچوب قواعد شکل می‌گیرند و عمل می‌کنند. مانند شرکت‌ها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، ادارات دولتی و ...

نهادهای کارآمد، هزینه مبادله را کاهش داده و عدم قطعیت را کم می‌کنند، در حالی که نهادهای ناکارآمد، منجر به رانت‌جویی فساد و رکود می‌شوند. نورث بر اهمیت "قید و بندها" (Constraints) و "مسیر وابستگی" (Path Dependency) تأکید دارد. یعنی انتخاب‌های تاریخی گذشته، دامنه انتخاب‌های حال و آینده یک جامعه را محدود می‌سازد. به عبارت دیگر "تغییر نهادی" عمدتاً تدریجی و "مسیر-وابسته" است.

دسترسی باز در برابر دسترسی محدود: نورث و همکارانش، جوامع را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنند. در نظام‌های "دسترسی محدود"، رانت ابزار اصلی کنترل سیاسی و انسجام اجتماعی است و اقتصاد در خدمت حفظ ائتلاف حاکم قرار دارد. در نظام‌های "دسترسی باز"، رقابت سیاسی و اقتصادی واقعی وجود دارد و نهادها، حقوق و فرصت‌ها را برای همه شهروندان فراهم می‌کنند.

ویژگی‌های نهادهای ایرانی از منظر نویسنده:

- کوتاه‌مدت‌نگری: به دلیل عدم قطعیت سیاسی بالا و چرخه قدرت، افق برنامه‌ریزی برای بازیگران اقتصادی و سیاسی بسیار کوتاه است. این امر سرمایه‌گذاری بلندمدت و نوآوری را تضعیف می‌کند.
- شکل‌گرایی و فقدان محتوا: تأسیس نهادهای مدرن (مانند

سؤال این است که آیا واقعاً با نسخه‌هایی مانند آزادسازی و یکسان‌سازی نرخ ارز (که از آن به عنوان شوک درمانی نیز نام برده می‌شود)، یا با منطقی نمودن نرخ بهره به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست پولی مشکلات توسعه نیافتگی رفع می‌شوند؟ افرادی که بر این عقیده هستند (نئوکلاسیک‌ها)، باور دارند با اصلاح عوامل مهم قیمتی (شامل حذف قیمت‌گذاری دستوری، حذف سوبسید، عدم دخالت دولت و...) سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و انسانی بر اساس منطق بازار شکل گرفته، تلاش مؤثری در ایجاد بازارهای آزاد انجام می‌گیرد و تورم و بی‌ثباتی در پی رقابت از بین می‌رود. نهادهای قدرتمندی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی که در زمره این نوع تفکر قرار دارند، عمدتاً سیاست‌های کلیشه‌ای (مانند آزادسازی و خصوصی‌سازی) را ترویج می‌کنند.

اما گروه مقابل، که عمدتاً از اقتصاددانان نهادگرا هستند، استدلال می‌نمایند و باور دارند بازارها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند بلکه محصول نهادها هستند و چه بسا ذاتاً ناکارا باشند. برخلاف مکتب قبلی (نئوکلاسیک) که به دنبال قوانین جهان شمول اقتصادی، مانند عرضه و تقاضا هستند، نهادگرایان بر ویژگی‌های خاص هر کشور و مسیرهای تکاملی منحصر بفرد تأکید دارند. از همین روست که این عده برنامه‌های "تعدیل ساختاری" توسط صندوق بین‌المللی پول را به جد به نقد کشیده‌اند که چرا اجرای برنامه‌های تعدیل

ساختاری در کشورهای مختلف نتایج متناقض و اغلب ناموفقی داشته است؟ و یا چرا سرمایه‌گذاری در کشوری فاسد و ناامن جذب نمی‌شود؟ (به عبارتی نقد وارد شده بر این مدل این است که چرا یک سیاست واحد در دو کشور مختلف، نتایج کاملاً متفاوتی دارد) چند وقت قبل کتاب "اگر نورث ایرانی بود" اثر زنده یاد علی رضاقلی را مطالعه کردم. بر آن شدم که در این مختصر، مهم‌ترین نکات پیرامون این مسأله را ذکر کنم. البته در همین شماره، چند صفحه‌ای را با تشریح و جزئیات مفصل‌تر و با هدف آشنا سازی بیشتر با این مفاهیم تدوین کرده که تقدیم می‌گردد.

اگر چه از نظر کمی و رسمی مکتب نئوکلاسیک بر اساس قوانین جهان شمول مانند "عرضه و تقاضا در بازار" و با فرض "رفتار عقلانی" طرفداران بیشتری دارد ولیکن مکتب "نهادگرایی" که اقتصاد

چارچوب کلی را تعیین می‌کند، اما اقتصاد، فرهنگ، علم و ورزش از منطق نسبتاً خود مختار و تخصصی خود پیروی می‌کنند. در ایران، اما منطق سیاسی (با خوانش ایدئولوژیک-امنیتی) بر همه این عرصه‌ها حاکم است. دانشگاه، بانک، فرهنگ و ورزش تحت تأثیر این منطق، از کارکرد اصلی خود بازمی‌مانند، این "امتزاج قدرت سیاسی و اقتصادی" بزرگ‌ترین مانع شکل‌گیری نهادهای کارآمد است. لذا تا زمانی که "قواعد بازی" به سمت عقلانیت، شفافیت، پاسخگویی، تضمین حقوق مالکیت و تفکیک نهادهای اقتصادی از نوسانات سیاسی تغییر نکند، خروج از این محاق ممکن نخواهد بود. تغییر این قواعد نیز نیازمند یک "اجماع نخبگانی" و اراده سیاسی قدرتمندی است که منافع بلندمدت ملی را بر منافع کوتاه‌مدت جناحی و رانتی ترجیح دهد. کتاب نشان می‌دهد مشکل لزوماً افراد خوب یا بد نیستند بلکه "سیستم نهادی معیوب" است که حتی افراد با نیت خوب را نیز در خود حل و رفتارهای ناکارآمد را تشویق می‌نماید.

با توجه به این مختصر، و از طرفی آگاهی و اشراف از فضای سیاسی-اقتصادی حاکم بر کشور، حال به سوالات اولیه بازمی‌گردیم:

آزاد سازی نرخ دلار میتواند نقش موثری در هدایت سرمایه گذاری‌ها باشد و یا مجدداً در خدمت منافع گروه خاصی خواهد بود؟

• منطقی نمودن نرخ بهره، در شرایط کنونی به نفع سرمایه گذاری واقعی کشور است و یا در خدمت ایجاد و تقویت منافع گروه خاصی نقش ایفا می‌نماید؟ و

همانگونه که اشاره شد به نظر می‌رسد قدرت تبیین کنندگی مکتب نهادگرایی در چرایی توسعه یافتگی کشورها و عقب ماندگی سایر کشورها بسیار بالاست. تجربه زیسته شرکت‌های مختلف نیز مؤید همین نکته می‌باشد. در جاییکه اجرای یک سیاست خاص مثلاً نیروی انسانی، در دو شرکت با دو فرهنگ متفاوت، نتایج گاهاً متناقض و متفاوتی را ببار آورده است. همانگونه که مدیران شرکت‌ها همواره تلاش می‌نمایند، ایده‌های جذاب و ناب را با توجه به فضای حاکم بر شرکت‌های خود، سفارشی‌سازی نموده و سپس پیاده نمایند، به نظر می‌رسد در توصیه و بکارگیری سیاست‌های اقتصادی کشور نیز به قواعد بازی جمعی باید توجه کافی را نمود.

بورس، قوانین تجاری، دانشگاه‌ها) بدون کاربست قواعد عقلانی و جهان‌شمول مربوطه. در نتیجه، ظواهر مدرن باقی می‌مانند، اما عملکردها سنتی و غیرکارآمد است.

• غلبه قواعد غیررسمی بر رسمی: قواعد نانوشته، روابط شخصی، پارتی و فامیل‌گرایی اغلب بر قوانین مصوب مجلس و دولت ارجحیت دارند. این امر اعتماد عمومی به نظام قانونی را تخریب می‌کند.

• فقدان انباشت دانش و تجربه: به دلیل چرخش‌های سریع مدیریتی بر اساس معیارهای وفاداری ایدئولوژیک دانش و تجربه در نهادها انباشته نمی‌شود و هر مدیر جدید از صفر آغاز می‌کند.



بر اساس تحلیل نهادهای ایرانی در چهاردهه پس از انقلاب، نویسندگان کتاب معتقد است در ایران، نهادهای سیاسی بر نهادهای اقتصادی سیطره داشته و اولویت‌های ایدئولوژیک و امنیتی، کارایی اقتصادی را تحت الشعاع قرار داده‌اند. این امر منجر به شکل‌گیری یک "اقتصاد سیاسی رانتی" شده که در آن:

• دولت مرکز توزیع رانت است، نه تولید ثروت

• بخش خصوصی واقعی و مستقل به معنای مدرن آن شکل نمی‌گیرد، زیرا موفقیت در گرو ارتباط با منابع قدرت و رانت است، نه کارآفرینی و رقابت

• فساد سیستماتیک نه به عنوان انحراف فردی، بلکه به عنوان نتیجه طبیعی قواعد بازی نهادی، گسترش می‌یابد.

دلیل محوری: تفکیک‌ناپذیری اقتصاد از سیاست

نویسندگان استدلال می‌کنند که مشکل اصلی ایران "سیاسی شدن تمام عرصه‌ها" است. در یک سیستم توسعه یافته، سیاست

جرات دانستن داشته باش

کانت مقاله‌ای بسیار عمیق دارد با این مفهوم که "روشنگری برون آمدن آدمی است از نابالغی به تقصیر خویش، کشیش می‌گوید: شک نداشته باش ولی شعار روشنگری این است: جرات دانستن داشته باش"

من اگر بعد از تغییر پذیر بودن همه چیز، به یک اصل باور داشته باشم، ندانستن است. اینکه همه ما مجموعه‌ای از جهل‌های پذیرفته یا ناپذیرفته‌ایم و فقط تعداد محدودی از ما بر این ندانستن سرپوش نمی‌گذارند و جرات دانستن داریم.



نسرین اوچاقی
دبیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران

است و اینکه به هر روشی که بتوان بر بخش خصوصی فشار آورد، در نهایت تنش وارده به دولت را به نهایت خواهد رسانید. ندانستن یا خود را به ندانستن زدن سیاست مداران در سالیان متمادی، کار را به اینجایی رسانیده که مشاهده‌گر آن هستیم. حال بیابید در کنار هم جرات دانستن این را داشته باشیم که چرا تولید در ایران رو به نابودی و شکست است و اینکه آیا واقعا عامل اصلی این ورشکستگی جمعی، سیاستهای نادرست تصمیم گیران حاکمیتی ست؟

در مرحله نخست باید به این موضوع بپردازیم که در ایران چرا ممکن است تولید به صرفه باشد:

۱. قیمت پایین انرژی
۲. بازار مصرف پرتعداد
۳. رانت حاصل از تفاوت نرخ ارز
۴. قیمت پایین نیروی کار
۵. دلایل دیگر

در مورد بند اول چندی پیش در نشستی که با وزیر صمت آقای اتابک داشتیم ایشان به نکته ظریفی اشاره کردند که بیان آن خالی از لطف نیست: "عدم تامین گاز، سال گذشته ۱۷۳ همت به تولید آسیب رسانیده و این عدد در تامین برق، ۱۳۰ همت است، چنانچه این اعداد را در بین روزهایی که گاز و برق کشور تامین گردیده تقسیم کنیم، به این نتیجه میرسیم که انرژی در کشور ما ارزان نیست."

پس گزینه یک منتفی است. بازار پر مصرف و جمعیت ۸۰ میلیونی ایران اما گزینه جذابی به نظر میرسد؛ برای این گزینه باید به بررسی میزان درآمد سرانه مردم، قدرت خرید مردم، شاخص فلاکت و محصول تولیدی اعضا انجمن لوازم خانگی پرداخت.

در مورد لوازم خانگی که این نشریه تخصصا در این زمینه تهیه میگردد، این لوازم ماهیتا کالای مصرفی با دوام تلقی شده و خرید آن جز در مراحل تشکیل خانواده، نیازمند قرار گیری در یک دهک مشخص به بالای جامعه است که به طور مشخص یک باره تعداد مصرف کنندگان و خریداران لوازم خانگی را از ۸۰ میلیون به حدود ۴۰ میلیون تقلیل میدهد (بر اساس گزارش منتشره در سایت خبری انتخاب در دیماه سال چهارم، ۳۵ میلیون ایرانی در فقر مطلق به سر میبرند)

از میان این ۴۰ میلیون باقی مانده، دهک بالایی جامعه با جمعیتی حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر، قاعدتا خریدار کالای ایرانی و برندهای

این مقوله بیش از هرچیز مرتبط با عزت نفس است در پذیرش خویشتن و اعتماد به عمری که بیهوده صرف نشده و مفهوم آن دقیقا این است که بپذیریم چیزهای زیادی در جهان هست که نمیدانیم و برای دانستن برخی چیزها پافشاری بر عدم نیاز به دانستن، فرصت سوز است. کانت مقاله‌ای بسیار عمیق دارد با این مفهوم که "روشنگری برون آمدن آدمی است از نابالغی به تقصیر خویش، کشیش می‌گوید: شک نداشته باش ولی شعار روشنگری این است: جرات دانستن داشته باش"

من اگر بعد از تغییر پذیر بودن همه چیز، به یک اصل باور داشته باشم، ندانستن است.

اینکه همه ما مجموعه‌ای از جهل‌های پذیرفته یا ناپذیرفته‌ایم و فقط تعداد محدودی از ما بر این ندانستن سرپوش نمی‌گذارند و جرات دانستن داریم.

این مقوله بیش از هرچیز مرتبط با عزت نفس است در پذیرش خویشتن و اعتماد به عمری که بیهوده صرف نشده و مفهوم آن دقیقا این است که بپذیریم چیزهای زیادی در جهان هست که نمیدانیم و برای دانستن برخی چیزها پافشاری بر عدم نیاز به دانستن، فرصت سوز است.

هرچند در موضوعات و مسائل شخصی این مشکل، آسیبهای جدی به روند زندگی وارد میکند اما وقتی از مسائل شخصی به مسائل بزرگتر رجوع کنیم و موضوع سیاست‌گذار یا تصمیم‌ساز را در نظر بگیریم، ماجرا تفاوت عمده‌ای خواهد داشت و حوزه اثر ندانستن بسیار بزرگتر خواهد بود.

ندانستن و سرپوش نهادن بر ندانستن، در طولانی مدت بهای زیادی بر جامعه تحمیل خواهد کرد، در اینجا وامی می‌گیرم از صحبت‌های دکتر لشکر بلوکی که می‌گوید: "اگر سیاست‌مداری اشتباه کرد، اشکالی ندارد. بلاخره انسان است و جایز الخطا. ولی اگر به علتی از علت‌های سه گانه ۱. منفعت کثیف ذی‌نفعان ۲. هزینه روانی و سیاسی پذیرش اشتباه ۳. تصلب شناختی (سیاست‌گذار اصلا درک نمیکند که اشتباه کرده) حاضر به کنار گذاشتن سیاست شکست خورده نباشد، آنگاه مردم سیاست‌مدار را عوض میکنند تا سیاستها عوض شود"

سالیان متمادی است که در کسوت‌های مختلف در تشکلهای اقتصادی برای دولت به انحای مختلف مینوسیم که بخش خصوصی شریک دولت است و ضرر و زیان وارده بر بخش خصوصی در نهایت گریبان دولت را خواهد گرفت، دولت توانمند نیازمند مردم توانمند

از توان اجرایی و فکری خود را صرف حل مسأله‌های شخصی خود میکند و بهره‌وری پایین‌تری دارد.

به تمام موارد گفته شده در بالا اضافه کنید، رقابت نابرابر با تولیدات خارجی در اجرای قانون حمایت از مرزنشینان، نبود امکان دسترسی به ماشین‌آلات و فناوری‌های بروز، نبود امکان گردش اطلاعات آزاد، نبود امکان دسترسی به آمار و داده‌های واقعی تاثیرگذار در سیاست‌های کلان شرکتهای تولیدی، گرانتر بودن نرخ تهیه مواد اولیه داخلی عرضه شده در بورس به نسبت کشورهای منطقه به دلایلی مانند نادرستی مکانیزمهای عرضه کالا در بورس، نبود زیرساختهای درست مراودات تجاری با کشورهای طرف قرارداد، نبودن زیرساختهای لجستیک و ...

اگر سیاست‌گذار این موارد را نداند یا جرات دانستن نداشته باشد، سیاستهای شکست خورده خود در بخش تولید را تغییر نخواهد داد و شکست تولید، هم در بخش اقتصاد و در بخش اشتغال به شکست تمام شرکا از جمله دولت که شریک اصلی سود حاصل از تولید است، منجر خواهد گردید.

تنها در این مدل اقتصاد به کار می‌آیند، دو هزینه سنگین دیگر بر دوش تولیدکنندگان قرار داده است:

اول: هزینه جدایی از مردم و این همانی کردن صنعتگران تلاشگر تولید لوازم خانگی با رانت‌خواران بخشهای عمده اقتصادی مانند پتروشیمی‌ها و سازندگان خودرو و دوم: هزینه ساکت ماندن در برابر سیاستهای نادرست سیاست‌گذاران به علت نگرانی از حذف ارزش ترجیحی، فیلم دکتر استرانج‌لانو ساخته استنلی کوبریک بر اساس یک اصل اقتصادی ساخته شده است: هنر بازرنگی این است که در ذهن طرف مقابل ترس بیندازی تا حمله نکند این دو هزینه به حدی سنگین و غیرقابل جبران است که در نگاه کلان‌تر میتواند جز عوامل اصلی ضرر و زیان تولیدکنندگان باشد.

قیمت پایین نیروی کار هم در جای خود جای بحث مفصلی دارد که من در این گفتار کوتاه فقط از یک زاویه به آن نگاه میکنم، آن هم اینکه کارگری که درآمدش کم است و از نظر مالی تامین نیست، بخش طولانی از زمان کار خود و بخش بزرگی

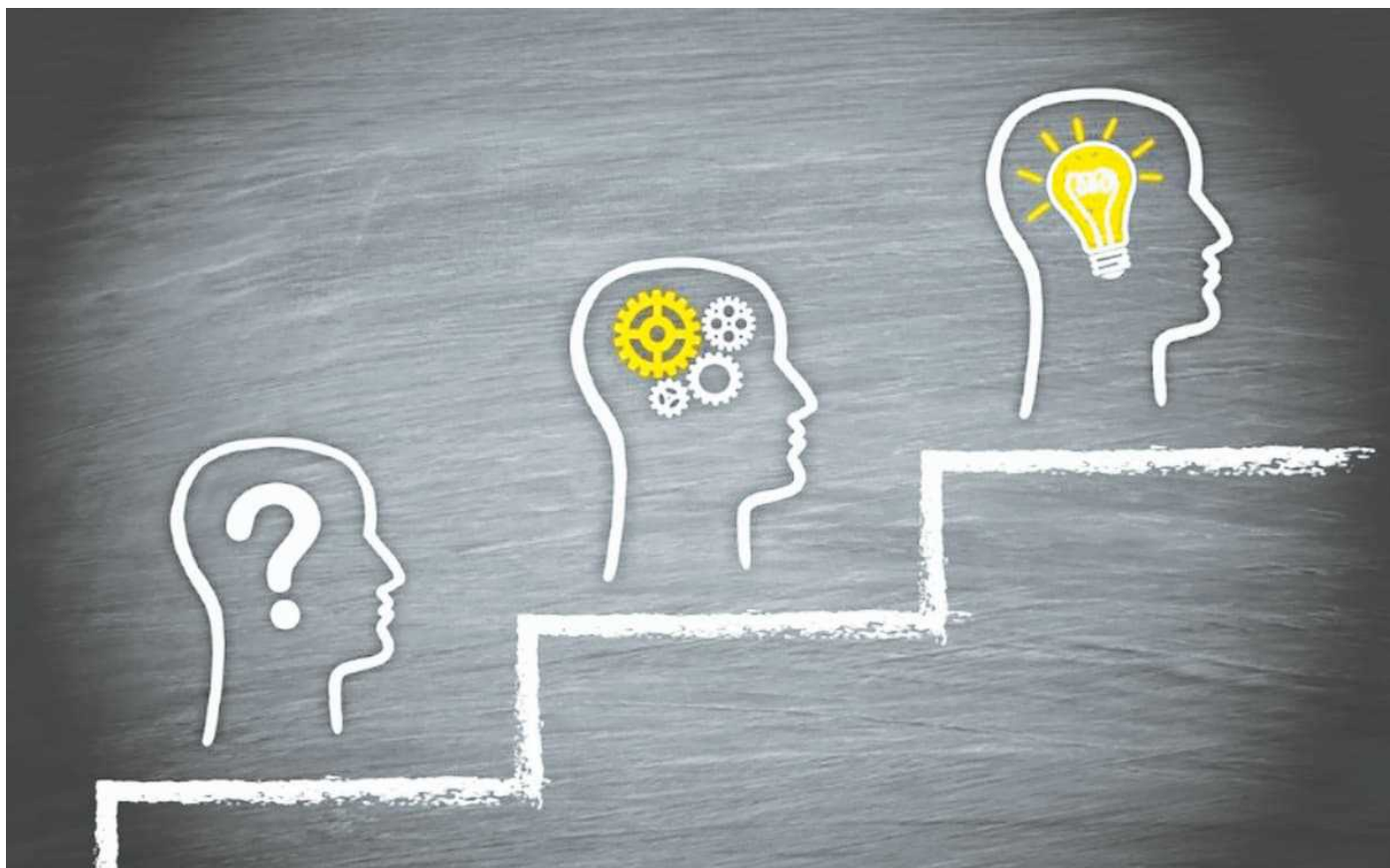
ایرانی لوازم خانگی نبوده و از جمعیت مصرف کنندگان تولیدی لوازم خانگی داخلی کسر خواهد کرد

پس عملاً بازار لوازم خانگی ایران مشتمل بر حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر بوده و جذابیت ۸۰ میلیونی نخواهد داشت.

در مقوله رانت حاصل از تفاوت نرخ ارز، در زمان نگارش این مقاله دیگر با تک نرخ شدن ارز این موضوع تقریباً از حیض انتفاع خارج شده است؛ اما لازم است توضیحی در این زمینه داشته باشیم:

من این رانت را به تجربه دردناک شرم‌آوری توصیف میکنم که در حافظه جمعی مردم، حتی خود تولیدکنندگان، مفهومی تحریف شده به نظر میرسد.

تفاوت نرخ ارز نیمایی با نرخ ارز بازار هرچند در ظاهر بخشی از هزینه‌های تولید را پوشش میداد اما در عوض، جدای از تحمیل هزینه طولانی شدن مدت زمان گردش سرمایه، هزینه منابع انسانی ستادی برای پوشش دهی دانش مترتب بر توان بهره‌گیری از این نرخ، هزینه تمام شده وقت مدیران ارشد سازمان در یادگیری و تسری بخشی مدلهایی که تنها و





توقف درمان قطع جریان زندگی است



من هم حمایت می‌کنم

محک

مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

☎ ۲۳۵۴۰

☎ *۱*۷۳#

ویژه



فشار ارزی!

صنعت لوازم خانگی ایران پس از تکرخی شدن ارز

فصلی سرنوشت ساز میان جهش صادراتی

و رکود تورمی عمیق

اجرای سیاست تکرخی شدن ارز در ایران، صنعتی را در معرض آزمونی کم سابقه قرار داده که ساختار هزینه آن به شدت به نرخ ارز وابسته است.

صنعت لوازم خانگی اکنون همزمان با جهش ارزی، افت قدرت خرید خانوارها، ناترازی انرژی و گره های مقرراتی در سامانه های تجاری روبه روست؛ مجموعه ای از فشارها که می تواند این بخش را به سمت جهش صادراتی یا رکودی فرساینده سوق دهد.

افت کم سابقه فروش در بازار داخلی

آمارهای موجود نشان می دهد فروش لوازم خانگی در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل حدود ۶۰ درصد کاهش یافته و تولید نیز با افتی حدود ۱۵ درصد مواجه شده است. این کاهش در شرایطی رخ داده که هزینه های تولید به طور قابل توجهی افزایش یافته اما امکان تعدیل قیمت فروش داخلی، به دلیل افت شدید قدرت خرید و نااطمینانی اقتصادی پس از تحولات نظامی سال جاری، محدود مانده است.

شاخص های بخش تولید حاکی از کاهش سفارشات جدید و رشد موجودی انبارهاست؛ وضعیتی که به طور معمول نشانه رکود تقاضا و قفل شدن سرمایه در گردش است.

آمارهای موجود نشان می دهد فروش لوازم خانگی در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل حدود ۶۰ درصد کاهش یافته و تولید نیز با افتی حدود ۱۵ درصد مواجه شده است.

افزایش موجودی در کنار کاهش جریان نقد، فشار بر ترازنامه بنگاه ها را تشدید کرده و خطر توقف خطوط تولید و تعدیل نیرو را بالا برده است.

اثر دوگانه نرخ ارز بر هزینه ها

در صنعت لوازم خانگی، نرخ ارز تنها بر واردات قطعات و مواد اولیه خارجی اثر نمی گذارد، بلکه بسیاری از مواد اولیه داخلی نیز با فرمول های وابسته به ارز قیمت گذاری می شوند. از این رو، جهش نرخ ارز به افزایش همزمان هزینه مواد اولیه داخلی و خارجی منجر شده است.

در عین حال، بخشی از تولیدکنندگان پیش از تغییر سیاست ارزی، مواد اولیه خود را با نرخ های قبلی ثبت سفارش و حتی تا ۹۰ درصد ترخیص کرده بودند. این مواد وارد چرخه تولید شد و کالاهای نهایی بر اساس همان مبنا قیمت گذاری و فروخته شد. اکنون با تغییر مبنا تأمین ارز و افزایش فاصله نرخ تخصیصی، هزینه جایگزینی موجودی بالا رفته، در حالی که محصولات فروخته شده قابل بازنگری قیمتی نیستند. این شکاف، حاشیه سود را به شدت تحت فشار قرار

داده است.

ناترازی انرژی؛ وقفه های پرهزینه تولید

در کنار فشار ارزی، قطعی های مکرر برق به یکی از چالش های ساختاری تبدیل شده است. توقف های پی در پی خطوط تولید، شرکت ها را ناچار به سرمایه گذاری در ژنراتورهای مستقل کرده است. با این حال، تنها حدود ۲۵ درصد سوخت مورد نیاز از سهمیه رسمی تأمین می شود و مابقی باید از بازار آزاد خریداری شود، موضوعی که هزینه تمام شده را افزایش داده و ریسک های حقوقی و نظارتی به همراه دارد.

توقف های برنامه ریزی نشده، علاوه بر هزینه مستقیم انرژی، موجب افزایش ضایعات تولید، کاهش بهره وری نیروی کار و بی ثباتی در زمان بندی تحویل سفارش ها شده است.

اختلال در سامانه های تجاری و افزایش نااطمینانی

همزمان، نقص و قطعی های مکرر در سامانه های ثبت سفارش و تجارت، به همراه تغییرات روزانه دستورالعمل ها و ناهماهنگی میان نهادهای مرتبط، پیش بینی پذیری تولید را تضعیف کرده است. انتقال تأمین ارز از یک تالار معاملاتی به تالار دیگر نیز موجب افزایش مبنای نرخ تخصیصی شده و فاصله آن با نرخ های پیشین را بیشتر کرده است.

این تغییرات در شرایطی اعمال شده که بنگاه ها بر اساس مقررات قبلی اقدام به واردات مواد اولیه کرده بودند. نتیجه، افزایش نااطمینانی در زنجیره تأمین و دشوار شدن برنامه ریزی تولید و صادرات است.

واردات غیررسمی و فشار بر بنگاه های کوچک

در کنار این چالش ها، واردات لوازم خانگی از مسیرهای غیررسمی و بدون پرداخت عوارض و مالیات، به ویژه از مسیر موسوم به «تهلنجی»، رقابت را برای بنگاه های کوچک و متوسط دشوارتر کرده است. این گروه از شرکت ها که حاشیه سود محدودتری دارند، بیش از سایرین در معرض خطر خروج از بازار قرار گرفته اند.

چهار سناریو برای آینده صنعت

بررسی مسیرهای محتمل نشان می دهد نتیجه شوک ارزی به نحوه مدیریت سیاستی وابسته است.

سناریوی نخست: شوک ارزی فرصت ساز

در این مسیر، جهش حدود ۵۰ درصدی نرخ ارز به عنوان اهرم تقویت صادرات تلقی می شود. اگر محدودیت استفاده از ارز صادراتی برای واردات مواد اولیه به طور موقت تعلیق شود و هماهنگی ارزی و گمرکی تسهیل گردد، تولیدکنندگان می توانند از مزیت قیمتی ۳۰ تا ۴۰ درصدی نسبت به رقبای منطقه ای بهره ببرند.

تخلیه موجودی انبار از مسیر صادرات، بهبود شاخص سفارشات جدید به بالای سطح ۵۲ و بازگشت تدریجی اشتغال از پیامدهای این سناریو خواهد بود. تحقق هدف صادرات ۱.۵ میلیارد دلاری حتی پیش از سال ۱۴۰۶ در این چارچوب دور از دسترس نیست.

سناریوی دوم: شوک ارزی تورمی فلج کننده

در صورت تداوم محدودیت های ارزی و گمرکی و تلقی نرخ ارز صرفاً

گرفتن از اهداف بهره‌وری و فناوری منجر می‌شود.

پنجره محدود سیاستی

جمع‌بندی داده‌ها نشان می‌دهد شوک ارزی به خودی خود نه مزیت قطعی است و نه تهدید اجتناب‌ناپذیر. آنچه مسیر نهایی را تعیین می‌کند، سرعت و کیفیت هماهنگی در حوزه‌های ارزی، گمرکی، انرژی و تجارت است.

در صورت آزادسازی استفاده از ارز صادراتی، کاهش اختلال سامانه‌های تجاری و مدیریت ناترازی انرژی طی سه ماه آینده، صنعت لوازم خانگی می‌تواند از فشار داخلی به‌عنوان سکوی پرش صادراتی استفاده کند. در غیر این صورت، ترکیب افت تقاضا، افزایش هزینه و محدودیت نقدینگی ممکن است این بخش را وارد دوره‌ای از رکود تورمی و بازاریابی اجباری ساختار بنگاه‌ها کند.

برای صنعتی که یک میلیون شغل مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کرده و سهم مهمی در تولید صنعتی کشور دارد، ماه‌های پیش‌رو می‌تواند تعیین‌کننده جایگاه آن در بازار داخلی و منطقه‌ای باشد.

به‌عنوان مسئله‌ای پولی، جهش بهای مواد اولیه در کنار ناتوانی در افزایش قیمت فروش داخلی می‌تواند اکتی ۲۰ تا ۲۵ درصدی در تولید رقم بزند. پیامدهای احتمالی شامل تعطیلی بنگاه‌های متوسط، فروش دارایی‌های صنعتی و تعمیق رکود تورمی خواهد بود.

سناریوی سوم: دویاره‌شدن صنعت

در این وضعیت، بنگاه‌های بزرگ و صادرات‌محور از مزیت ارزی بهره‌مند می‌شوند، اما شرکت‌های کوچک و متوسط زیان‌ده شده و از بازار خارج می‌شوند. تمرکز بازار افزایش می‌یابد، رقابت کاهش پیدا می‌کند و نوآوری آسیب می‌بیند. در بلندمدت، وابستگی زنجیره تأمین به چند بازیگر بزرگ، تاب‌آوری صنعتی را کاهش خواهد داد.

سناریوی چهارم: اقتصاد جنگی صنعتی شده

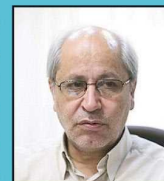
با تشدید ریسک‌های ژئوپلیتیکی و محدود شدن کانال‌های رسمی مالی، تجارت رسمی کاهش می‌یابد و مسیرهایی چون تهاتر، تولید سفارشی (OEM) و مونتاژ برون‌مرزی در کشورهای ثالث فعال‌تر می‌شود. این سناریو می‌تواند حداقل سطح تولید و اشتغال را حفظ کند، اما به قیمت افت شفافیت مالی، کاهش کیفیت برند و فاصله



چموش متغیر

چرا دولت‌ها نتوانستند نرخ ارز را به کنترل خود درآورند؟

دکتر مسعود نیلی درباره دامنه نوسان‌های ارز از ابتدای انقلاب محاسباتی انجام داده که هفته‌نامه تجارت‌فردا برای اولین بار منتشر می‌کند.



واقعیت‌های دوره اول

نرخ ارز در بازار آزاد در سال ۱۳۵۹ برابر ۲۰ تومان و نرخ ارز رسمی ۷ تومان بود.

۱۳۵۹
۲۰ تومان

تا پایان سال ۱۳۹۶، یعنی در یک بازه ۳۷ ساله، نرخ ارز ۲۰۰ برابر شد و از ۲۰ تومان به ۴ هزار تومان رسید.

۱۳۹۶
۴ هزار تومان

سطح عمومی قیمت‌ها در همین بازه ۵۰۰ برابر شده است. پس افزایش نرخ ارز بسیار کمتر از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بوده است. حجم نقدینگی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۹۶ ۳۴۰۰ برابر شده است. یعنی به طور متوسط سالانه نقدینگی ۵/۲۴ درصد، تورم ۳/۱۸ درصد و نرخ ارز ۲/۱۵ درصد رشد داشته که نشان می‌دهد در این میان نرخ کمترین نرخ رشد را داشته است.

واقعیت‌های دوره دوم

در بازه سال‌های ۱۳۹۷ تا پایان سال ۱۴۰۳ نقدینگی ۵/۶ برابر، سطح عمومی قیمت‌ها ۱۳ برابر و نرخ ارز تقریباً ۳۵ برابر شده است. یعنی نرخ رشد این متغیرها تغییر کرده و برعکس شده است.

۱۳۹۷
۱۲ هزار تومان

نرخ ارز که در دوره ۳۷ ساله اول آره‌ترین بود در این بازه هفت ساله سرکش‌ترین متغیر شد. در این بازه رشد متوسط سالانه نرخ ارز ۶۵ درصد، تورم ۴۴ درصد و نقدینگی ۳۱ درصد است. یعنی ترتیب کاملاً برعکس دوره قبل شد.

۱۴۰۳
۶۰ هزار تومان

واقعیت‌های دوره سوم

در ۹ ماهه اول سال ۱۴۰۴ متوسط سالانه رشد نرخ ارز ۷۰ درصد، تورم ۵۳ درصد و نقدینگی هم بالای ۴۰ درصد بوده است. یعنی در این بازه ۹ ماهه نسبت به فاصله هفت‌ساله ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ بر شدت رشد این سه متغیر مستلزم‌دار افزوده شده است.

۱۴۰۴
۱۴۰ هزار تومان



چند واقعیت درباره نرخ ارز

خطا تکرار

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که چندنرخ بودن ارز نه یک انحراف موقتی، بلکه یکی از ویژگی‌های تکرارشونده سیاست ارزی در ایران بوده است.



از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۶ نظام ارزی به تکنرخی تغییر کرد.

از ابتدای استفاده از ریال تا سال ۱۳۳۶، نرخ ارز در چهارچوب نظام‌های استاندارد طلا و پس از آن، برتون وودز تعیین می‌شد و ساختار ارزی کشور عمدتاً دو یا چندنرخ بود.

نظام ارزی تکنرخی

از سال ۱۳۵۰ و به دنبال قطع ارتباط طلا و دلار و فروپاشی برتون وودز، نرخ ارز که ۷۶ ریال بود، به حدود ۷ ریال کاهش یافت.

از سال ۱۳۵۷، در شرایطی که بسیاری از کشورها به سمت نظام‌های شناور یا شناور مدیریت شده حرکت کردند، سیاست‌گذار تصمیم به انتخاب نظام چند نرخ گرفت.

نظام چندنرخ

تلاش دولت برای یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲ به دلیل وقوع بحران ارزی، سرسید شدن بدهی‌های خارجی کشور، کسری‌های مزمن بودجه و نااطمینانی‌های اقتصاد کلان، با موفقیت همراه نشد.

تلاش برای یکسان‌سازی نرخ ارز

در سال ۱۳۸۱ دولت بر اساس قانون برنامه سوم توسعه، موفق شد نظام تکنرخی شناور مدیریت شده را اجرایی کند.

از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۸۱ نرخ ارز به نزدیک ۸ تومن رسیده بود اما نرخ ارز شناور روی عدد ۱۷۵ تومن ثابت مانده بود.

نظام تکنرخی شناور

در دوره سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ کشور ارز تعادلی تکنرخی داشت و خبری از ارز ترجیحی نبود. شوک بزرگ ارزی در سال ۱۳۹۱ به این دوره پایان داد.

ارز تعادلی تکنرخی

از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نرخ بازار آزاد مبنای مبادلات ارزی بود و تنها بخشی از واردات مشمول ارز ترجیحی می‌شد. تا اینکه در فروردین سال ۱۳۹۷ دلار ترجیحی با قیمت ۴۲۰۰ تومن وارد نظام اقتصادی کشور شد.

ارز ترجیحی ۴۲۰۰

دولت در ماه دی سال ۱۴۰۴ تصمیم گرفت با حذف ارز ترجیحی، سیاست جدیدی در پیش گیرد که تعابیر زیادی درباره آن وجود دارد اما چنان که رئیس‌جمهوری و مدیران اقتصادی دولت می‌گویند، چاره دیگری هم وجود نداشت، چون کفگیر دولت به ته دیگ خورده بود و دیگر منبعی برای اعطای ارز ترجیحی وجود ندارد.

حذف ارز ترجیحی



WWW.TEJARATEFARDA.COM

مسئله ارز مشکل اصلی صنعت لوازم خانگی است



مورد خاصی وجود دارد، صنعتگران می‌توانند اعلام کنند تا برای رفع آن اقدام شود.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به موضوع ترخیص کالا گفت: امکان ترخیص ۹۰ درصدی کالاها که پیش‌تر برای کالاهای اساسی اجرا می‌شد، به لوازم خانگی و برخی مواد اولیه صنایع نیز تسری یافت. با وجود انتقادات بانک مرکزی، این مجوز از شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا اخذ شد، اما این مصوبه در روزهای پایانی خود قرار دارد و صنعتگران باید در فرصت باقی‌مانده از آن استفاده کنند.

وی افزود: در مقابل، سازوکار جدیدی با عنوان «تخصیص اعتباری» جایگزین این روش شده است. در این مدل، امکان ترخیص حتی ۱۰۰ درصد کالا نیز وجود دارد و فرآیند تخصیص ارز ظرف حدود دو ماه انجام می‌شود. این روش می‌تواند کمک مؤثری به تداوم تولید کند و فعالان صنعت باید از این ظرفیت استفاده کنند.

شیخ با تأکید بر مزایای این سازوکار تصریح کرد: در تخصیص اعتباری، تولیدکنندگان می‌توانند پس از ثبت سفارش و ورود کالا به گمرک، نسبت به ترخیص اقدام کنند و تولید را ادامه دهند. این روش در ماه‌های اخیر توسط بسیاری از واحدهای تولیدی مورد استفاده قرار گرفته و نتایج مثبتی به همراه داشته است.

ابراهیم شیخ در نشست با اعضای انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با تسلیت اتفاقات دی ماه به فعالان صنعت و مردم و تأکید بر ضرورت عبور از شرایط دشوار اقتصادی، اظهار کرد: امیدواریم بتوانیم از این شرایط درس بگیریم و با اصلاح مسیر، آینده بهتری برای صنعت و کشور بسازیم.

وی ادامه داد: امیدوارم که به هر حال بتوانیم از این شرایط درس بگیریم یاد بگیریم و بتوانیم ایران آینده رو ایران بهتری بسازیم و اینطوری نباشد که برادر عزیز و بزرگوارم جناب دانیالی گفتند که پیر شدم و مشکلات بزرگتر شد و امید داشته باشیم و آرزو کنیم آینده بهتری داشته باشیم.

شیخ با اشاره به اقدامات انجام‌شده در حوزه ثبت سفارش و محدودیت‌های واردات افزود: در بخش بهینه‌سازی، محدودیت‌ها در بسیاری از حوزه‌ها، به‌جز برخی موارد خاص مانند پارچه و لاستیک، عملاً حذف شده است. در حوزه لوازم خانگی نیز مشکل اصلی مربوط به کد تعرفه‌ها بود که برطرف شده و در حال حاضر صنعتگران در این بخش مشکل جدی ندارند.

شیخ ادامه داد: بخشی از مشکلات مربوط به سقف‌های تعیین‌شده در دفاتر تخصصی است که در حال پیگیری و اصلاح آن هستیم. اگر

لوازم خانگی بتواند مسیر رشد و توسعه خود را ادامه دهد.

کمبود نقدینگی و رکود، تخصیص ارز به صنعت لوازم خانگی را محدود کرد

وی در ادامه نشست کمیسیون صنعت انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با اشاره به دلایل کاهش تخصیص ارز به صنعت لوازم خانگی اظهار کرد: بخش قابل توجهی از نیاز ارزی این صنعت تأمین نشد که یکی از مهم‌ترین دلایل آن، رکود بازار و آسیب دیدن جریان نقدینگی واحدهای تولیدی بود.

شیخ افزود: زمانی که صنعت با رکود مواجه می‌شود، جریان نقدینگی نیز دچار اختلال می‌شود و در نتیجه واحدهای تولیدی امکان ثبت سفارش و تأمین ارز در سطح مورد نیاز را از دست می‌دهند. این موضوع در نهایت منجر به کاهش میزان تخصیص ارز به صنعت می‌شود.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به محدودیت منابع ارزی کشور تصریح کرد: منابع ارزی کشور محدود است و تخصیص آن بر اساس اولویت بندی انجام می‌شود. در این شرایط، زمانی که سهم مشخصی برای یک صنعت تعیین می‌شود، در صورت عدم استفاده کامل، امکان بازگرداندن و تخصیص مجدد آن به همان بخش به سادگی وجود ندارد.

شیخ ادامه داد: مجموعه‌ای از عوامل شامل محدودیت منابع ارزی، کاهش تقاضای بازار و مشکلات نقدینگی، موجب شد میزان تخصیص ارز به صنعت لوازم خانگی کمتر از سطح مورد انتظار باشد. وی با اشاره به روند تخصیص ارز در طول سال افزود: بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان تخصیص ارز به صنعت لوازم خانگی در نیمه دوم سال افزایش یافته و روند تأمین ارز نسبت به ماه‌های ابتدایی سال بهبود یافته است. به عبارت دیگر، هرچه به ماه‌های پایانی سال نزدیک شدیم، حجم تخصیص ارز متناسب با شرایط صنعت افزایش پیدا کرد.

معاون وزیر صمت در پایان خاطرنشان کرد: با وجود همه محدودیت‌ها، تلاش شده است تا با مدیریت منابع و اصلاح اولویت‌ها، حمایت بیشتری از صنعت لوازم خانگی انجام شود و زمینه برای تداوم تولید و حفظ اشتغال در این صنعت فراهم شود.

افت ۴۰ درصدی تخصیص ارز لوازم خانگی نسبت به سال گذشته

در ادامه این نشست محمد وصالی، مدیرکل دفتر لوازم خانگی وزارت صنعت، معدن و تجارت، با تشریح آخرین وضعیت تولید این صنعت اظهار کرد: در ابتدای سال جاری، میزان تولید صنعت لوازم خانگی نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۸ درصد کاهش داشت که به دلیل شرایط رکودی بازار، این رقم در ادامه به منفی ۱۲ درصد رسید.

وی افزود: با بروز شرایط خاص و تشدید محدودیت‌ها، روند کاهش تولید ادامه یافت و این شاخص تا منفی ۲۳ درصد نیز کاهش پیدا کرد، اما از ماه ششم سال به بعد، روند تولید به تدریج بهبود یافت و در حال حاضر میزان کاهش تولید به حدود منفی ۷ درصد رسیده است.

وی همچنین با اشاره به اقدامات انجام شده برای مقابله با واردات غیررسمی گفت: در ماه‌های اخیر اقدامات جدی برای کنترل واردات غیررسمی و قاچاق انجام شده و محدودیت‌هایی برای واردات قطعات لوازم خانگی اعمال شده است که این موضوع در راستای حمایت از تولید داخلی بوده است.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به برنامه‌های ارزی سال آینده افزود: با افزایش نرخ ارز، اقدامات لازم برای مدیریت شرایط و حمایت از تولید در دستور کار قرار گرفته و تلاش می‌شود با اصلاح سیاست‌ها، شرایط مناسب‌تری برای ادامه فعالیت تولیدکنندگان فراهم شود.

مشکل اصلی صنعت لوازم خانگی کمبود ارز و کاهش تقاضاست

شیخ در ادامه نشست کمیسیون صنعت انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با اشاره به وضعیت بازار لوازم خانگی اظهار کرد: اصلاح منطقی قیمت‌ها موجب شد بازار به تدریج فعال‌تر شود و نشانه‌هایی از بازگشت تقاضا مشاهده شد. در بازدیدهای اخیر از بازار، مشاهده شد که مردم برای بررسی قیمت‌ها مراجعه می‌کنند و در برخی موارد خرید نیز انجام می‌شود.

وی با اشاره به رقابت میان محصولات داخلی و خارجی افزود: یکی از نکات قابل توجه، کاهش فاصله قیمتی میان محصولات داخلی و خارجی بود که این موضوع اهمیت تقویت برندهای داخلی و توسعه شبکه‌های فروش و خدمات پس از فروش را بیش از پیش نشان می‌دهد.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به بهبود نسبی شرایط تأمین انرژی گفت: در حوزه تأمین برق، وضعیت نسبت به سال گذشته بهتر شده و بر اساس گزارش‌های ارائه شده، محدودیت تأمین برق برای واحدهای صنعتی کاهش یافته است. همچنین افزایش ظرفیت تولید برق در کشور در دستور کار قرار دارد و طی ماه‌های اخیر ظرفیت قابل توجهی به شبکه برق کشور اضافه شده است.

شیخ ادامه داد: بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، انتظار می‌رود تا خردادماه محدودیت جدی در تأمین برق و گاز برای واحدهای تولیدی وجود نداشته باشد و این موضوع فرصت مناسبی برای افزایش تولید فراهم می‌کند.

وی در عین حال با اشاره به چالش‌های ارزی صنعت لوازم خانگی تصریح کرد: یکی از مهم‌ترین مشکلات این صنعت، محدودیت در تخصیص ارز بوده است. به دلیل محدودیت منابع ارزی کشور، بخشی از تخصیص‌ها به صنایع اولویت‌دار مانند صنایع غذایی و برخی حوزه‌های دیگر اختصاص یافت که این موضوع موجب کاهش سهم صنعت لوازم خانگی شد.

معاون وزیر صمت با اشاره به تأثیر رکود بازار بر تخصیص ارز افزود: کاهش تقاضا در بازار لوازم خانگی نیز عامل مهمی در کاهش میزان درخواست و تخصیص ارز بوده است. رکود در بخش‌هایی مانند صنعت ساختمان، به طور مستقیم بر کاهش تقاضا برای لوازم خانگی تأثیر گذاشته است.

شیخ با تأکید بر ضرورت حمایت از تولید داخلی خاطرنشان کرد: با بهبود شرایط تأمین انرژی و اصلاح سازوکارهای تخصیص ارز، تلاش می‌شود شرایط مناسب‌تری برای تولیدکنندگان فراهم شود تا صنعت

واحدها از ذخایر سال گذشته استفاده می‌کنند و اگر این روند ادامه یابد، سال آینده با بحران جدی مواجه خواهیم شد. برآوردها نشان می‌دهد در صورت تداوم شرایط فعلی، تولید صنعت لوازم خانگی ممکن است تا ۴۷ درصد کاهش یابد که این موضوع به معنای نصف شدن ظرفیت تولید خواهد بود.

رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنایع لوازم خانگی ایران همچنین خواستار اصلاح فرآیندهای ترخیص کالا شد و بیان کرد: اجرای کامل امکان ترخیص ۹۰ درصدی کالاها می‌تواند به تداوم تولید کمک کند، زیرا توقف حتی یک قطعه می‌تواند کل خط تولید را متوقف کند. دانیالی با اشاره به مشکلات استاندارد و ترخیص نیز گفت: تکرار فرآیندهای استاندارد برای واحدهایی که پیش‌تر تأیید شده‌اند، موجب توقف تولید، افزایش هزینه‌ها و کاهش رقابت‌پذیری می‌شود و لازم است این روند اصلاح شود.

وی با تأکید بر تأثیر افزایش نرخ ارز بر تولید افزود: افزایش شدید نرخ ارز و رشد هزینه‌های تأمین مالی، فشار مضاعفی بر واحدهای تولیدی وارد کرده و تأمین نقدینگی را با مشکل جدی مواجه کرده است. در این شرایط، تخصیص ارز به صنعت لوازم خانگی باید در اولویت قرار گیرد.

رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنایع لوازم خانگی ایران در پایان با تأکید بر ضرورت حمایت فوری از تولیدکنندگان گفت: صنعت لوازم خانگی با وجود همه محدودیت‌ها تلاش کرده تولید و اشتغال را حفظ کند، اما عبور از این شرایط نیازمند حمایت جدی‌تر دولت و اصلاح سیاست‌های ارزی و تأمین مالی است تا بتوان از این بحران عبور کرد.

حفظ تولید لوازم خانگی با وجود کاهش ۴۰ درصدی تخصیص

ارز

در ادامه نسرين اجاقی، دبیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران، با اشاره به شرایط دشوار تولیدکنندگان تصریح کرد: فعالان این صنعت از چندین زاویه تحت فشار هستند. میزان تخصیص ارز در سال ۱۴۰۴ حدود ۴۰ درصد کاهش داشته، اما به گواه تولیدکنندگان، میزان تولید تقریباً در سطح سال گذشته حفظ شده است. این موضوع حاصل تلاش و ایستادگی مردان و زنانی است که در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی مشغول فعالیت هستند.

اجاقی با بیان اینکه تغییر نرخ تالار ارز فشار مضاعفی بر صنعت وارد کرده است، ادامه داد: صنعت لوازم خانگی به سختی در حال تحمل تبعات تغییر نرخ ارز است و امکان انتقال این افزایش هزینه‌ها به قیمت مصرف‌کننده وجود نداشته است. در نتیجه، تولیدکنندگان بخش قابل توجهی از این فشار را به‌تنهایی متحمل شده‌اند.

وی همچنین با اشاره به پیامدهای ادامه این روند هشدار داد: تداوم این شرایط، توان و ظرفیت صنعت را به‌شدت تحلیل می‌برد و فعالان این حوزه را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

دبیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران در پایان با تأکید بر ضرورت انتقال مستقیم مشکلات صنعت به مسئولان، گفت: درخواست ما این است که فعالان صنعت بتوانند بدون واسطه مسائل و دغدغه‌های خود را مطرح کنند و انتظار داریم صدای جمعی تولیدکنندگان با قوت بیشتری به گوش دولت برسد، چرا که مشکلات موجود فشار سنگینی بر فعالان این صنعت وارد کرده است.

مدیرکل دفتر لوازم خانگی وزارت صمت با اشاره به وضعیت تأمین مواد اولیه تصریح کرد: فرآیند تأمین مواد اولیه و پشتیبانی از تولید با سرعت بیشتری در حال انجام است، هرچند در مجموع، تأمین ارز و مواد اولیه همچنان حدود ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته عقب‌تر است.

وصالی با ارائه آمار تفکیکی از محصولات مختلف گفت: در بخش یخچال، میزان کاهش تولید که در مقطعی به منفی ۲۸ درصد رسیده بود، اکنون به حدود منفی ۴ درصد کاهش یافته است. در حوزه ماشین لباسشویی نیز کاهش تولید از حدود منفی ۵۵ درصد به منفی ۲۳ درصد رسیده که نشان‌دهنده بهبود قابل توجه در روند تولید است.

وی ادامه داد: در بخش تلویزیون نیز میزان کاهش تولید که در برخی مقاطع به منفی ۴۲ درصد رسیده بود، اکنون در محدوده منفی ۱۷ تا منفی ۱۸ درصد قرار دارد که بیانگر بهبود نسبی شرایط تولید در این بخش است.

مدیرکل دفتر لوازم خانگی وزارت صمت با تأکید بر نقش تولیدکنندگان در بهبود شرایط صنعت خاطرنشان کرد: این آمار نشان می‌دهد با وجود همه محدودیت‌ها، تولیدکنندگان توانسته‌اند روند تولید را بهبود دهند و این مسیر باید با حمایت‌های بیشتر ادامه یابد تا صنعت لوازم خانگی به شرایط پایدار و رشد مثبت بازگردد.

هشدار انجمن لوازم خانگی درباره خطر کاهش ۴۷ درصدی

تولید

در ادامه علیرضا محمدی دانیالی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنایع لوازم خانگی ایران، با تأکید بر شرایط دشوار تولیدکنندگان اظهار کرد: خوشبختانه مسئولان همواره برای شنیدن مشکلات صنعت آمادگی داشته‌اند که این موضوع نکته بسیار مثبتی است، اما واقعیت این است که هر بار که گرد هم می‌آییم، مشکلات بیشتر شده و شرایط تولید دشوارتر می‌شود.

وی افزود: با وجود این شرایط، همه صنعتگران مصمم هستند اشتغال را حفظ کنند، تولید را ادامه دهند و حداقل نیروهای انسانی خود را برای سال آینده نگه دارند. این یک وظیفه بزرگ اجتماعی است و در شرایط فعلی، اولویت تولیدکنندگان سودآوری نیست، بلکه تمرکز اصلی بر حفظ اشتغال و تداوم فعالیت واحدهای تولیدی است.

رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با تأکید بر نقش صنعت در ثبات اقتصادی کشور تصریح کرد: اگر اشتغال حفظ نشود، امنیت اقتصادی و اجتماعی نیز به خطر می‌افتد و در نتیجه رشد اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم با چالش جدی مواجه خواهد شد. از این رو انتظار داریم دولت و حاکمیت حمایت بیشتری از این صنعت داشته باشند.

دانیالی با اشاره به مشکلات ارزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع تولید گفت: محدودیت‌های ارزی همچنان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های صنعت است و درخواست ما این است که حداقل برای مواد اولیه مورد نیاز تولید، این محدودیت‌ها کاهش یابد، زیرا ادامه این روند موجب کاهش رشد تولید و حتی منفی شدن شاخص‌های تولید شده است.

وی با هشدار نسبت به آینده تولید افزود: در حال حاضر بسیاری از

زبان شده ایم.

محمدی هشدار داد: اگر روند فعلی تخصیص ارز ادامه یابد، ناچار به برنامه ریزی برای کاهش تولید خواهیم بود. نمی توان یکباره تصمیم به تعدیل یا جذب صدها نیروی کار گرفت؛ تولید نیازمند ثبات و پیش بینی پذیری است.

وی تأکید کرد: از سیاست گذاران انتظار داریم وضعیت تخصیص ارز را شفاف اعلام کنند؛ اینکه چه میزان ارز و در چه بازه ای در دسترس خواهد بود. تولیدکننده با واقعیت کنار می آید، اما با ابهام نمی تواند برنامه ریزی کند.

محدودیت های ارزی و کاهش مهلت رفع تعهد، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است



قاسم مصطفوی، عضو هیأت مدیره گروه صنعتی بوتان در ادامه با اشاره به مشکلات دسترسی به ارز گفت: در شرایط فعلی، دسترسی به منابع ارزی برای همه تولیدکنندگان به صورت برابر فراهم نیست

و اختلاف قابل توجهی، به ویژه پس از انتقال به تالار دوم، موجب افزایش فشار بر واحدهای تولیدی شده است.

وی افزود: مهلت رفع تعهد ارزی که پیش از این چهار ماه بود، اکنون به سه ماه کاهش یافته است. با توجه به شرایط اقتصادی کشور، لازم است این بازه زمانی افزایش یابد تا تولیدکنندگان بتوانند تعهدات خود را بدون فشار مضاعف انجام دهند.

کاهش تخصیص ارز، چرخه تولید و برنامه ریزی

آینده را مختل می کند

شایامهر، مدیرعامل گروه صنعتی بوتان، فعال بعدی صنعت لوازم خانگی بود که به طرح مشکلات پرداخت.



وی با تأکید بر درک محدودیت های ارزی کشور اظهار کرد: تولیدکنندگان شرایط عمومی

کشور را درک می کنند، اما نیازمند چشم انداز مشخص برای برنامه ریزی هستند. کاهش دسترسی به ارز موجب افت تولید شده و به دنبال آن سهمیه ارزی واحدها نیز کاهش می یابد. شایامهر تصریح کرد: کاهش تولید هرگز جزو اهداف ما نبوده و با وجود فشارهای مالی، تلاش کرده ایم نیروی انسانی خود را حفظ کنیم. انتظار داریم با ارائه چشم انداز روشن از وضعیت ارزی، امکان برنامه ریزی مناسب برای تولید فراهم شود.

ابطال تخصیص ارز و افزایش نرخ تأمین مالی، صنعت را در معرض

خطر قرار داده است

علیرضا ریاضت، مدیرعامل شرکت تولیدی صنعتی صفاشیر پارس نیز در ادامه با اشاره به مشکلات اجرایی در تخصیص ارز گفت:



در برخی موارد، تولیدکنندگان تأمین مالی را انجام داده اند، اما تخصیص ارز از سوی بانک عامل باطل شده است، در حالیکه این موضوع

خارج از اختیار تولیدکننده است.

صنایع لوازم خانگی زیر سایه سنگین

جنگ و سیاست های ارزی

مدیران و فعالان صنعت لوازم خانگی با انتقاد شدید از سیاست های تخصیص ارز و بهینه سازی آن، هشدار دادند که ادامه روند فعلی تولید را به نقطه سر به سر رسانده و توان برنامه ریزی برای سال آینده را به شدت کاهش داده است. از محمدی به عنوان تولید کننده این صنعت گرفته تا شیخ، معاون وزیر صمت، همگی بر لزوم شفافیت در تخصیص ارز، حذف سهمیه بندی پیچیده و ایجاد چشم انداز مشخص برای تولیدکنندگان تأکید کردند. نشست بررسی مشکلات تخصیص ارز و وضعیت تولید در صنعت لوازم خانگی با حضور مدیران و فعالان این حوزه روز دوشنبه (۲۷ بهمن) برگزار شد. در این جلسه، نمایندگان تولیدکنندگان و مسئولان وزارت صمت به تفصیل مسائل فعلی و راهکارهای پیشنهادی را مورد بحث قرار دادند.

تأخیر طولانی در تخصیص ارز، سیاست «بهینه سازی» تخصیص ارز، اختلاف شدید نرخ ارز و تأثیر بر برنامه ریزی، محدودیت منابع ارزی و درآمدهای ارضی و مشکلات اجرایی و ساختاری بانک ها از مهمترین مشکلات مطرح شده در این جلسه بود.

هشدار درباره بحران تخصیص ارز؛

تولیدکنندگان لوازم خانگی در آستانه

کاهش تولید



در این نشست، مهرداد محمدی مدیرعامل شرکت صنعتی تکران مبرد (ایستکول) و عضو هیئت مدیره انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با انتقاد از نحوه تخصیص ارز به تولیدکنندگان، نسبت به پیامدهای ادامه این روند بر تولید و اشتغال هشدار داد.

محمدی با بیان اینکه برخی واحدهای تولیدی ماهانه تا یک میلیون دلار نیاز ارزی دارند، اظهار کرد: در حالی که بیش از دو ماه و نیم هیچ ارزی به تولیدکننده تخصیص داده نمی شود، ناگهان در یک بازه کوتاه پیام های تخصیص صادر و تنها یک ماه فرصت برای تأمین ریال تعیین می شود. بدیهی است هیچ واحدی توان تأمین نقدینگی سه ماه مواد اولیه را به صورت یک جا ندارد و این روند عملاً منجر به سوخت شدن ارز و افزایش هزینه تولید می شود.

وی این وضعیت را ناشی از سوءمدیریت در زمان بندی تخصیص ارز دانست و افزود: بارها اعتراض کرده ایم که تخصیص ارز باید مدیریت شده و مستمر باشد، نه مقطعی و فشرده. تولیدکننده نیاز به افق و برنامه ریزی دارد، نه تصمیم های ناگهانی.

عضو هیئت مدیره انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با اشاره به فروش محصولات بر مبنای نرخ های پیشین ارز گفت: ما کالا را با محاسبه ارز حدود ۷ هزار تومان فروختیم، اما پس از گذشت چهار ماه هنوز ارز تأمین نشده است. در این مدت از همه ظرفیت های داخلی و خارجی برای تأمین نقدینگی استفاده کرده ایم و متحمل

وی افزود: انتقال تأمین ارز از تالار اول به تالار دوم موجب افزایش قابل توجه هزینه‌های تأمین مالی شده، به گونه‌ای که نرخ ارز تأمین شده در مدت کوتاهی افزایش چشمگیری داشته و فشار سنگینی بر تولیدکنندگان وارد کرده است.

ریاضت تأکید کرد: در شرایط فعلی، بسیاری از تولیدکنندگان دیگر به سودآوری فکر نمی‌کنند و تمرکز اصلی آنها بر حفظ تولید و جلوگیری از تعدیل نیروی انسانی است.

سیاست «بهینه‌سازی» تخصیص ارز، تولید را به نقطه سر به سر رسانده است

همچنین سید سعید رضوانی، مدیرعامل شرکت تولیدی نیکسان با انتقاد از سیاست «بهینه‌سازی» در تخصیص ارز، گفت: تولیدکننده‌ای که ثبت سفارش انجام داده و برنامه تولید دارد، نمی‌تواند در انتظار طولانی‌مدت برای تأمین مواد اولیه باقی بماند و ادامه این وضعیت به هیچ‌وجه



قابل قبول نیست.

وی با اشاره به پیگیری‌های مستمر تولیدکنندگان از طریق سامانه‌ها و دفاتر تخصصی افزود: بارها در سامانه ثبت کرده‌ایم، تأییدهای لازم اخذ شده، اما همچنان تأمین ارز انجام نمی‌شود. انتظار داریم مشکلات اجرایی و اداری در سریع‌ترین زمان ممکن برطرف شود، زیرا تولید به این تصمیم‌ها وابسته است.

مدیرعامل شرکت تولیدی نیکسان با تأکید بر فشار شدید مالی بر واحدهای تولیدی تصریح کرد: تولیدکنندگان در شرایط فعلی عملاً در نقطه سر به سر فعالیت می‌کنند و امکان افزایش قیمت برای جبران هزینه‌ها نیز وجود ندارد، زیرا بازار کشتش افزایش بیشتر قیمت را ندارد. ما با وجود افزایش هزینه‌ها، تلاش کرده‌ایم قیمت‌ها را کنترل کنیم، اما ادامه این روند امکان‌پذیر نیست.

وی ادامه داد: اختلاف شدید نرخ ارز و تأخیر در تخصیص آن باعث شده توان برنامه‌ریزی برای تولید سال آینده به شدت کاهش یابد. این در حالی است که واحدهای تولیدی میلیاردها تومان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و علاوه بر تأمین نیاز داخلی، در حوزه صادرات نیز عملکرد قابل توجهی داشته‌اند.

رضوانی تأکید کرد: تداوم این وضعیت می‌تواند توان تولید صنعت لوازم خانگی را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد و انتظار می‌رود با اصلاح روند تخصیص ارز، شرایطی فراهم شود که تولیدکنندگان بتوانند با ثبات و اطمینان برنامه‌ریزی کنند.

تأخیر در تخصیص ارز، اعتبار بین‌المللی تولیدکنندگان را تهدید می‌کند

خزایی، عضو انجمن صنایع لوازم خانگی ایران نیز با انتقاد از تأخیرهای طولانی در تخصیص ارز گفت: وقتی تولیدکننده نتواند به‌موقع تعهدات خود را انجام دهد و کالا را در زمان مقرر تأمین کند، اعتبار خود را نزد تأمین‌کنندگان خارجی از دست می‌دهد و این موضوع در همکاری‌های آینده تأثیر مستقیم



خواهد داشت. وی افزود: در شرایط فعلی، تأمین‌کنندگان خارجی بر اساس زمان‌بندی مشخص اقدام به فروش کالا می‌کنند و انتظار دارند طرف ایرانی نیز به تعهدات خود پایبند باشد. زمانی که تخصیص ارز با تأخیرهای طولانی مواجه می‌شود، تولیدکننده با وجود ثبت سفارش و ترخیص کالا، امکان تسویه به‌موقع را ندارد و این موضوع باعث کاهش اعتماد طرف خارجی می‌شود.

این فعال صنعتی با اشاره به اهمیت مدیریت زمان در تجارت بین‌المللی تصریح کرد: در فضای رقابتی امروز، اعتبار تجاری و پایبندی به زمان‌بندی از مهم‌ترین اصول همکاری اقتصادی است. تأخیر در تأمین ارز باعث می‌شود تولیدکنندگان نتوانند تعهدات مالی خود را در موعد مقرر انجام دهند و در نتیجه اعتبار تجاری آنها آسیب می‌بیند.

وی ادامه داد: در برخی موارد، تولیدکنندگان حتی پس از انجام تعهدات قانونی و ترخیص کالا، همچنان در انتظار تخصیص ارز باقی می‌مانند، در حالی که تأمین‌کنندگان خارجی انتظار دریافت مطالبات خود را دارند. این روند موجب افزایش ریسک همکاری با شرکت‌های ایرانی و تحمیل شرایط سخت‌گیرانه‌تر از سوی طرف‌های خارجی می‌شود.

خزایی تأکید کرد: انتظار می‌رود با ایجاد نظم و ثبات در فرآیند تخصیص ارز، شرایطی فراهم شود که تولیدکنندگان بتوانند تعهدات خود را به‌موقع انجام دهند و اعتبار تجاری آنها در بازارهای بین‌المللی حفظ شود.

اعتراض به سیاست سهمیه‌بندی و تخصیص ارز در صنعت

همچنین سید حسین تهرانچی، رئیس هیئت‌مدیره کارخانه نانیوا، در این جلسه با انتقاد شدید از سیاست‌های سهمیه‌بندی و تخصیص ارز گفت: هنوز برای ما روشن نیست مبنای علمی این سهمیه‌بندی‌ها چیست و چه خدمتی به صنعت، مصرف‌کننده یا اقتصاد کشور می‌کند.



وی افزود: وقتی پول کالا را پرداخت می‌کنیم، باید بتوانیم مواد اولیه تولید را به‌موقع ترخیص کنیم، نه اینکه ۱۰ درصد تخصیص داده شود یا مجبور باشیم برای دریافت آن بارها مراجعه و التماس کنیم.

تهرانچی با تأکید بر اهمیت پیش‌بینی‌پذیری در مدیریت اقتصادی اظهار کرد: آیا یک صنعت می‌تواند با درآمدهای اتفاقی اداره شود؟ آیا حاکمان کشور نباید درآمدهای اتفاقی را به درآمدهای پیش‌بینی‌شده تبدیل کنند؟

وی افزود: تکرار سیاست‌های یکسان در طول ۴۷ سال نه تنها مشکلات را حل نکرده، بلکه شرایط را بدتر کرده است و نیاز به تجدیدنظر فوری دارد.

تهرانچی ادامه داد: پیشنهاد ما این است که ثبت سفارش صرفاً جنبه آماری داشته باشد و مسئله سهمیه‌بندی کاملاً برداشته شود. سیستم «بهینه‌سازی» نیز باید لغو شود، زیرا باعث کندی تولید و مشکلات جدی برای صنعتگران شده است. تولیدکنندگان

چشم‌انداز روشن و هماهنگی در تخصیص ارز، نیاز فوری

صنعت لوازم خانگی



همچنین خسرو ملا احمدعزو انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با تأکید بر لزوم ارائه چشم‌انداز روشن به تولیدکنندگان گفت: تولیدکنندگان نیاز دارند بدانند در صورت نتیجه‌بخش بودن مذاکرات و بهبود وضعیت تخصیص ارز، چه برنامه‌ها و راهکارهایی پیش‌بینی شده است تا بتوانند تولید خود را مدیریت کنند.

وی با اشاره به میزان سرمایه‌گذاری ۷۰۰ همتی در صنعت لوازم خانگی افزود: اگر پیگیری‌ها زودتر انجام نشود، تولید سال آینده ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش خواهد یافت.

ملاحمد خواستار راستی‌آزمایی تعداد واقعی واحدهای تولیدی و بررسی تخصیص ارز شد و گفت: برخی تولیدکنندگان واقعی در صف دریافت ارز نیستند و منابع به واحدهایی اختصاص یافته که خارج از صنف فعالیت می‌کنند.

این فعال صنعتی همچنین سه موضوع مهم را مطرح کرد و هماهنگی پرداخت هزینه‌های ترخیص گمرک، تأمین مالی و کاهش تولید و بازگشت ارز حاصل از صادرات را از مهمترین مشکلات صنعت لوازم خانگی دانست.

وی تأکید کرد: بخش تولید و انجمن‌ها باید در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند تا مشکلات اجرایی و اقتصادی به شکل مؤثری حل شود و سیاست‌های بهینه‌سازی فعلی که باعث رد شدن ثبت سفارش‌ها می‌شود، اصلاح شود.

وی افزود: صنعت لوازم خانگی نیازمند شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری و هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، بانک مرکزی و تولیدکنندگان است تا بتواند تولید، صادرات و اشتغال را حفظ کند و از بحران‌های احتمالی پیشگیری شود.

توضیحات در مورد تعرفه‌ها و تخصیص ارز در صنعت لوازم خانگی

محمد وصالی، مدیرکل دفتر لوازم خانگی وزارت صمت، در این جلسه در پاسخ بخ دغدغه فعالان این صنعت با اشاره به اقدامات معاونت خود گفت: قیمت‌گذاری تخصیصی از زمان ورود ما به این حوزه انجام شده و حتی جلسات ویژه با رئیس جمهور برگزار شده است.

وی افزود: افزایش پلکانی تعرفه‌ها طبق قانون انجام شده و امسال تعرفه‌ها تا سقف ۳۰ درصد اعمال شد، در حالی که این میزان باید در سال چهارم اتفاق می‌افتاد.

وصالی ادامه داد: در حال حاضر واردات لوازم خانگی بالغ بر ۸۰۰ میلیون دلار بوده و سقف مشخصی برای هر گروه کالایی تعیین شده است. به گفته وصالی، پنج محصول نیز از فهرست واردات حذف خواهند شد و ۱۱۳ ردیف تعرفه جایگزین شده است تا تولیدکنندگان بتوانند قطعات مورد نیاز خود را وارد کنند.

وی در مورد تخصیص ارز توضیح داد: برخی واحدهای تولیدی بیش از ۲۳۰ روز است که هنوز تخصیص ارز دریافت نکرده‌اند، اگرچه اولویت‌ها در سیستم مشخص شده است.

باید بتوانند بر اساس نیاز واقعی خود ثبت سفارش کنند و ارز تک‌نرخ به‌طور مستقیم بین صادرکننده و تولیدکننده جریان یابد، بدون دخالت مراکز غیرشفاف که روند تولید را کند می‌کنند. وی افزود: صنعت ما در شرایط سختی قرار دارد و ادامه روند فعلی، تولید و صادرات را با خطر جدی مواجه کرده است.

نگاه به صنعت و اقتصاد در ایران با کشورهای توسعه‌یافته تفاوت دارد



در ادامه، علیرضا عراقی، بنیانگذار شرکت تکبان کنترل انرژی، با انتقاد از سیاست‌های حمایتی و نگاه به صنایع در ایران گفت: در کشورهای توسعه‌یافته، اولین نگاه تصمیم‌گیرندگان به صنعت و اقتصاد است، اما

متأسفانه در کشور ما هرگز چنین نگاهی وجود نداشته است. وی افزود: حتی در سند راهبردی و چشم‌انداز کشور که بررسی کردم، هیچ اشاره مشخصی به توسعه این صنعت نشده است. عراقی ادامه داد: تجربه‌های بین‌المللی مانند مسیر ۲۰ ساله چین نشان می‌دهد می‌توان در زمان کوتاه‌تر به توسعه صنعتی رسید، اما این مسیر در ایران تاکنون اجرا نشده و فرصت‌ها از دست رفته است. وی اشاره کرد که پیش‌تر تلاش کرده این تجربیات و راهکارها را به مسؤولان ارائه دهد، اما به نتیجه عملیاتی نرسیده است.

لزوم نگاه متفاوت و ایجاد ستاد تخصصی برای صنعت لوازم خانگی



فراهانی، از پیشکسوتان صنعت لوازم خانگی ایران نیز با تأکید بر اهمیت نگاه علمی و پیش‌بینی‌پذیر در مدیریت صنعت گفت: کالاهای تولیدی ما مستقیماً امنیت زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به همین

دلیل نگاه به این صنعت باید متفاوت از سایر بخش‌ها باشد. وی افزود: با وجود شرایط جنگی و بحران‌های پیش‌بینی نشده، باید نظام حکمرانی و برنامه‌ریزی اقتصادی ارتباط نزدیکی با تولیدکنندگان و جامعه داشته باشد. تجربه هشت سال دفاع مقدس نشان داده است که هرگاه ارتباط و هماهنگی میان نظام حکمرانی و مردم برقرار باشد، مدیریت بحران به شکل مؤثرتری انجام می‌شود.

فراهانی ادامه داد: بسیاری از مشکلات موجود، ناشی از تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها و دستورالعمل‌هاست که باعث اختلال در تولید و کاهش قدرت رقابت صنایع کوچک می‌شود.

وی با اشاره به اشتغال مستقیم حدود ۴۰۰ هزار نفر در صنعت لوازم خانگی تأکید کرد: نیاز است که ستاد تخصصی و متمرکز برای حمایت از این صنعت ایجاد شود تا مسائل مربوط به تأمین اجتماعی، بانکی و تخصیص به‌صورت هماهنگ مدیریت شود و صنعتگران بتوانند با اطمینان برنامه‌ریزی کنند.

فراهانی در پایان اظهار کرد: ارتباط مستمر با تولیدکنندگان و انجمن‌ها، اطلاع‌رسانی شفاف و ایجاد ساختارهای حمایتی، می‌تواند به حفظ اشتغال و ارتقای توان رقابت صنعت کمک کند و جلوی مشکلات ناشی از تصمیم‌گیری‌های پراکنده و غیرشفاف را بگیرد.



شیخ با اشاره به محدودیت‌های منابع ارزی کشور اظهار کرد: بخش مهمی از منابع ارزی به درآمدهای حاصل از صادرات، به‌ویژه نفت، وابسته است و این منابع همواره با عدم قطعیت و نوسان همراه است. به همین دلیل برنامه‌ریزی و توزیع ارز با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود.

وی در پایان تأکید کرد: دغدغه تولیدکنندگان قابل درک است و وزارت صمت تلاش می‌کند با همکاری بانک مرکزی، روند تخصیص ارز را بهبود دهد، اما چارچوب فعلی به‌گونه‌ای طراحی شده که از هرگونه مداخله فردی جلوگیری شود.

تخصیص ارز و وضعیت صنعت لوازم خانگی

ابراهیم شیخ، معاون وزیر صمت، در ادامه در جمع فعالان صنعت لوازم خانگی گفت: وضعیت اقتصاد و سیاست فعلی کشور تحت تأثیر شرایط جنگ و عدم امضای معاهده پایان خصومت نظامی است و بنابراین برداشته‌ها و تحلیل‌های اقتصادی ما تا امروز بر اساس این واقعیت‌ها صورت گرفته است. وی افزود: درآمدهای ارزی کشور از جمله برای غذا و دارو تخصیص یافته و در نتیجه منابع ارزی محدود برای صنعت لوازم خانگی در دسترس است.

شیخ ادامه داد: برای سال ۱۴۰۵، صنعت باید خود را برای شرایط سخت و محدود آماده کند و اگر گشایشی ایجاد شود، به سمت بهبود حرکت خواهیم کرد. وی تأکید کرد: بانک مرکزی و بانک‌های تجاری موظف به اجرای مصوبه هیئت وزیران هستند، اما هنوز برخی دستورات عملی و ساختارهای اجرایی کامل نشده‌اند.

وی توضیح داد: فهرست ثبت سفارش‌ها استخراج شده و سهم هر واحد تولیدی مشخص شده است، اما برخی بانک‌ها هنوز تسهیلات لازم را اعمال نکرده‌اند. همچنین مواردی مانند بیمه، مالیات و تعهدات قبوض آب و برق و گاز نیز در دستور کار قرار دارد تا حقوق و تعهدات صنعتگران رعایت شود.

ابراهیم شیخ در پایان خاطرنشان کرد: با وجود محدودیت‌ها، تلاش می‌کنیم هماهنگی بین وزارت صمت، بانک مرکزی و دستگاه‌های مرتبط برقرار شود تا تولیدکنندگان بتوانند با ثبات و اطمینان برنامه‌ریزی کنند.

مدیرکل دفتر لوازم خانگی وزارت صمت افزود: با اقدامات انجام شده، برخی تخصیص‌ها به حدود ۱۵۰ روز کاهش یافته است. همچنین گروه‌بندی کالایی و شناسایی ملی شرکت‌ها در اولویت تخصیص قرار گرفته است، اما مشکلات مرتبط با بهینه‌سازی هنوز به صورت کامل رفع نشده است.

وصالی تأکید کرد: هماهنگی میان دفاتر و دستگاه‌های مرتبط و رفع مشکلات اجرایی برای ادامه تولید ضروری است و انتظار می‌رود که اقدامات انجام شده ادامه یابد تا تولیدکنندگان بتوانند با ثبات و اطمینان فعالیت کنند.

مشکل، سوءمدیریت فردی نیست؛ ساختار تخصیص ارز اجازه مداخله موردی نمی‌دهد

در این جلسه، ابراهیم شیخ معاون صنایع عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت در پاسخ به انتقاد تولیدکنندگان لوازم خانگی درباره نحوه تخصیص ارز، تأکید کرد که مشکل موجود ناشی از سوءمدیریت فردی نیست، بلکه به ساختار تعریف‌شده نظام ارزی کشور بازمی‌گردد.

شیخ با بیان اینکه امکان تخصیص ارز به صورت موردی برای بنگاه‌های مشخص وجود ندارد، گفت: ساختار سامانه ارزی به‌گونه‌ای طراحی شده که ما شناسه بنگاه‌ها را نمی‌بینیم و صرفاً بر اساس کد تعرفه ثبت سفارش‌ها اقدام می‌شود. سامانه به صورت خودکار درخواست‌ها را بر اساس تعرفه دسته‌بندی کرده و پس از تأیید، به بانک مرکزی ارسال می‌کند.

وی افزود: این ساختار عمده‌ا به این شکل طراحی شده تا از هرگونه مفسده و اعمال سلیقه جلوگیری شود. بنابراین دفتر تخصصی، مدیرکل، معاون وزیر یا حتی وزیر امکان این را ندارند که به صورت موردی برای یک شرکت یا تولیدکننده خاص میزان ارز تعیین کنند. معاون وزیر صمت با تأکید بر اینکه مدیریت منابع ارزی کشور بر عهده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است، تصریح کرد: بانک مرکزی مسئول تأمین و تخصیص ارز است و وزارت صمت صرفاً در چارچوب ساختار تعریف‌شده عمل می‌کند. با این حال تلاش می‌کنیم مشکلات مطرح‌شده از سوی تولیدکنندگان را پیگیری و شرایط را تعدیل کنیم.

مصائب سیاست‌گذاران ارزی



رضا طهماسبی

در دهه‌های اخیر که نوسان‌های عمده ارزی یکی از مشکلات همیشگی اقتصاد کشور بوده است، سیاست‌گذاران ارزی هم از این ناحیه دچار ریسک‌های جدی بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که اغلب روسای بانک‌های مرکزی و گاهی معاونان ارزی آنها، علاوه بر اینکه هدف انتقادات شدید مردم، رسانه‌ها، سیاستمداران و فعالان اقتصادی قرار گرفته‌اند، مجبور به حضور در نهادهای نظارتی شده و تا مدت‌ها بعد از پایان دوران خدمت باید در برابر سیاست‌هایی که اتخاذ کرده‌اند جواب پس بدهند. گاهی آنها را در برابر جهش نرخ ارز مقصر می‌دانند و زمانی برای نحوه تخصیص ارز. حتی مداخله آنها در بازار هم تیغ دولبه‌ای است که آنها را یا در معرض بی‌توجهی و عدم ایفای مسئولیت و تکالیف قرار می‌دهد یا متهم به از بین بردن منابع ارزی کشور می‌کند. ولی‌الله سیف، رئیس‌کل بانک مرکزی در سال‌های ۹۲ تا ۹۷، با اشاره به ضرورت تطبیق مسئولیت‌ها با اختیارات و همچنین رسیدگی تخصصی به مسائل فنی در مراجع قضایی، تاکید کرد که رویه کنونی به هراس مدیران از تصمیم‌گیری و بازگشت مدیران سالم از تصمیم‌های درست منجر می‌شود؛ یا اینکه حداقل بوروکراسی انجام کارها را به دلیل افزایش درخواست مجوز از مدیران بالادستی بسیار کند، کم‌نتیجه و پرهزینه می‌کند.

مرتبط با پرسش شما را برایتان بگویم. همین امروز تماسی گرفته شد و مرا برای دو هفته آینده به دیوان محاسبات فراخواندند. این در حالی است که از پایان کار من در بانک مرکزی در مرداد ۱۳۹۷، بیش از هفت سال و هفت ماه می‌گذرد. با این مقدمه به پرسش شما برگردم. اصولاً این‌گونه رفتارها در مورد مسئولیت‌های بسیار حساس و امور کاملاً فنی و علمی مشاهده می‌شود چون ارزیابی و اظهارنظر در مورد عملکرد این‌گونه مدیران نیازمند برخورداری از کارشناسان ذی‌صلاح و متخصص است که متأسفانه در کشور ما چنین مکانیسمی وجود ندارد. به همین دلیل در شرایط عادی قضاوت به افکار عمومی سپرده می‌شود. برخی دستگاه‌ها، اجرایی هستند و مراجعان مستقیم دارند و در نتیجه عملکرد مسئولان آنها متناسب با تحولاتی که در شیوه ارائه خدماتشان در دوره‌های مختلف مدیریتی ایجاد می‌شود به وسیله ارباب‌رجوع قابل بررسی،

در اقتصاد ایران برخوردهای قضایی و به پای میز رسیدگی کشاندن روسای کل بانک مرکزی و معاونان آنها دارد به یک روند عادی تبدیل می‌شود. درحالی‌که اساساً برخی سیاست‌گذاری‌ها در حوزه ارز مانند تعیین نرخ‌های متفاوت ترجیحی و دستوری برای نرخ ارز اساساً در اختیار بانک مرکزی نیست یا حداقل بانک مرکزی تنها مسئول آن نیست. آیا این رویه و نوع برخورد با سیاست‌گذار ارزی یک روال متعارف در دنیا است یا فقط مسئولان بانک مرکزی ما درگیر چنین مسائلی هستند؟ اصلاً چرا چنین نوعی از برخورد با روسای کل بانک مرکزی و معاونان آنها ایجاد شد؟
اجازه بدهید در همین ابتدای صحبت یک مصداق واقعی کاملاً

مقایسه و اظهار نظر است. ولی در مورد دستگاه‌های ستادی به‌ویژه بانک مرکزی که مسئولیت‌های بسیار سنگینی بر عهده دارد و در مقابل از اختیارات لازم برای انجام آن مسئولیت‌ها برخوردار نیست، وضع کاملاً متفاوت است. اظهار نظر و قضاوت در مورد این‌گونه امور نیازمند درک دقیق تخصصی از آن وظایف و مسئولیت‌هاست و نمی‌تواند از طریق ارباب‌رجوع ارزیابی شود. زیرا برخی از تصمیم‌ها در چنین نهادی ممکن است در کوتاه‌مدت تزییقاتی ایجاد و نتایج مثبت آن در بلندمدت مشاهده شود. علاوه بر این باید توجه داشت که نتیجه‌گیری از سیاست‌ها و تصمیم‌های اقتصادی منوط به هماهنگی و همکاری سایر نهادها و تصمیماتی است که اتخاذ می‌کنند. ممکن است بانک مرکزی دقیق‌ترین و مناسب‌ترین سیاست‌ها را در پیش بگیرد ولی به دلیل بی‌انضباطی‌های مالی دولت و عدم تعادل‌های بودجه‌ای یا تحولات بین‌المللی نتیجه مورد نظر حاصل نشود. حتی در برخی موارد اعضای دولت ممکن است در شرایطی که بانک مرکزی با دقت و به‌درستی وظایفش را انجام می‌دهد اظهار نارضایتی کنند که طبیعی است چون اصولاً بین اهداف بانک مرکزی و برخی از دستگاه‌ها تعارض وجود دارد. برای مثال وزارت صمت به دنبال تسهیلات از نظام بانکی برای واحدهای صنعتی است ولی بانک مرکزی مخالفت می‌کند و توجه اصلی‌اش بر رشد نقدینگی و آثار تورمی آن است. اگر رئیس بانک مرکزی مسئولانه و با احساس وظیفه کار بکند، قاعدتاً تصمیم‌هایی در جهت ایجاد انضباط در بانک‌ها، کنترل نقدینگی و اصلاح فرآیندهای ناسالم می‌گیرد، اما این‌گونه تصمیم‌ها با مخالفت‌هایی روبه‌رو می‌شود و رئیس بانک مرکزی باید یک‌تنه در مقابل آن بایستد. اعضای دولت قاعدتاً نظام بانکی را مطیع می‌خواهند به نحوی که هر وقت شرکت‌های زیرمجموعه آنها نیاز مالی داشته باشند، بتوانند از بانک‌ها وام بگیرند و اگر این تسهیلات معوق شد هم مشکلی برایشان به وجود نیاید. همچنین اشخاص حقیقی ذی‌نفعی وجود دارند که در کسوت سهامداران بانک یا مشتریان نظام بانکی، مدافع فرآیندهای ناسالم هستند و منافع خودشان را در ادامه وضع موجود می‌بینند. با چنین رویکردی هر چقدر رئیس بانک مرکزی در انجام اصلاحات مصمم‌تر باشد مخالفان بیشتری در دولت و در جامعه پیدا می‌کند. برخی برای حفظ دستگاهی و برخی برای حفظ منافع شخصی. این گروه‌ها در برابر تصمیم‌های بانک مرکزی مقاومت می‌کنند و برای حفظ وضع موجود و ادامه منافع دستگاهی یا شخصیشان شروع به فعالیت‌های مختلفی برای جوسازی، لابی‌گری و مکاتبه و مصاحبه برای وارد کردن فشار به رئیس بانک مرکزی می‌کنند. در مقابل تعداد متخصصان و اقتصاددانانی که در جریان منطق‌ها و تصمیم‌های بانک مرکزی قرار می‌گیرند و آنها را تایید می‌کنند، بسیار محدود هستند. متأسفانه در اغلب موارد اظهارنظرهای ذی‌نفعان مبنای قضاوت کلی در مورد عملکرد مسئول ذی‌ربط می‌شود و مکانیسم دقیقی برای ارزیابی و کارشناسی تخصصی به‌کار گرفته نمی‌شود. فضای منفی ایجاد شده در نهایت ابهامات و سوال‌هایی را در افکار عمومی و برخی رسانه‌ها به وجود می‌آورد و مرجع قضایی لازم می‌بیند که نسبت به موضوع ورود کند و با رسیدگی قضایی جواب مناسبی را

در رد یا تایید ابهامات و پرسش‌های ایجاد شده، بدهد. به‌طور طبیعی احتمال چنین شرایطی برای مدیرانی که در دوره مسئولیت حساسیت بیشتری نسبت به نتایج عملکرد و اصلاحات مورد نظرشان دارند، بیشتر است. ارتباطات شخصی و رفاقت‌های این مدیران معمولاً در دوره مسئولیت به دلیل همین حساسیت نسبت به نتایج عملکرد، به مشکلات و گله‌مندی‌های زیادی منجر می‌شود. برعکس مدیرانی هستند که با استفاده از موقعیتی که برایشان ایجاد شده، روابط شخصی و ارتباطاتی را برای آینده ایجاد می‌کنند. یعنی در حقیقت اولویت اول برای این مدیران راضی کردن دوستان و آشنایان قبلی و برقراری ارتباطات و روابط جدید برای آینده است.

بسیاری از این مدیران و مسئولان وظیفه‌شناس را می‌شناسم که به دلیل تصمیم‌ها و احساس مسئولیتی که نسبت به کار داشتند، نزدیک‌ترین دوستانشان از آنها رنجیدند، اما آنها از تصمیم درست خود برنگشتند. درحالی‌که بسیار مدیرانی هم هستند که برعکس از مقام و مسئولیتی که به آنها داده شده است، برای ایجاد و تقویت روابط شخصی خود استفاده می‌کنند. این یک مشکل بسیار جدی است که لازم دیدم در همین ابتدای گفت‌وگو به آن اشاره داشته باشم و توضیح بدهم، چرا که در مورد چنین افراد مسئولی که تن به خواسته‌های ذی‌نفعان قدرتمند نمی‌دهند، بسیاری صحبت‌ها، واکنش‌ها و گزارش‌های منفی به دستگاه‌های نظارتی می‌رود که در نهایت تبدیل به یک مسئله یا باور می‌شود؛ یا اینکه حداقل ضربی از صحت برای آن در نظر می‌گیرند و احساس وظیفه می‌کنند که به ابهامات و شبهات ایجاد شده رسیدگی کنند. اما در عمل به دلیل پیچیدگی‌ها و ابعاد تخصصی موضوع مورد نظر، بررسی به نحوی که مرجع رسیدگی‌کننده نسبت به مسئله اشراف کامل پیدا کند و به اقتناع برسد، نیازمند صرف وقت و زمان طولانی خواهد بود و مدیر متهم علاوه بر اینکه در این دوره طولانی بلاتکلیف می‌شود، در صورت رسانه‌ای شدن شرایط ناگواری در جامعه پیدا می‌کند.

به اعتقاد من مرجع قضایی در چنین شرایطی ناگزیر از ورود و رسیدگی به شبهات خواهد بود ولی درعین حال ضرورت دارد نکات و ملاحظات را مورد توجه قرار دهد. از جمله در چنین موارد پیچیده و تخصصی حتماً از کارشناسان ذی‌صلاح و متخصص استفاده شود. همچنین ترتیبی اتخاذ شود که ضمن دقت نظر کامل حتی‌الامکان در فرآیند رسیدگی تسریع شود و تا حصول نتیجه نهایی از انعکاس موضوع مخصوصاً با ذکر نام در رسانه‌ها خودداری شود و اگر موضوع رسانه‌ای شده بود رای نهایی مخصوصاً در صورت براءت متهم از سوی سخنگو اعلام عمومی شود. با اتخاذ چنین روشی ضمن اینکه ابهام مطرح شده با دقت به وسیله مرجع قضایی ذی‌صلاح مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و رای مناسب صادر می‌شود، از اعتبار و آبروی مدیران سالم و با احساس مسئولیت محافظت شده و نگرانی و تردیدی هم در روحیه مدیران فعال ایجاد نمی‌کند.

در اقتصاد ما سیاست ارزی به دلیل ذی‌نفعان گسترده و قدرتمند و البته اثرگذاری بالایی که روی زندگی عادی مردم دارد، مخاطبان بسیار زیادی هم دارد. از طرفی با توجه به التهاب

واقع مجبور بودیم اجازه بدهیم، حداقل بخشی از فشاری که روی قیمت ارز بود، تخلیه شود. به همین دلیل هم مسئولان و افراد مختلف از نمایندگان مجلس گرفته تا دولت و ریاست جمهوری و نهادهای دیگر، فشار زیادی روی بانک مرکزی و بنده گذاشته بودند که چرا جلوی افزایش نرخ ارز را نمی‌گیرید. ما دائم در حال روشننگری و توضیح دادن این مسئله بودیم که منابع ارزی کشور محدود است، اما همیشه جواب این بود که فعلاً شرایط بد نیست و احتمالاً در آینده هم همین وضعیت مناسب ادامه پیدا کند، شما که از فردا خبر ندارید. من بارها توضیح دادم که با این سیاست، تولید و صادرات دچار مشکل می‌شود و برای اشتغال کشور خطرناک است. در یک مقطعی در جلسات ستاد اقتصادی دولت کل موضوع روی قیمت ارز متمرکز بود و من دائم باید در این مورد بحث می‌کردم. دوستان معتقد بودند که قیمت ارز بالا رفته و دلیلش این است که بانک مرکزی وظایفش را به درستی انجام نداده است. من در نهایت مجبور شدم گزارشی تهیه کنم و بدون اینکه با رئیس‌جمهور هماهنگ کنم از دفتر مقام معظم رهبری برای دیدار با ایشان وقت بگیرم. این وقت داده شد و خدمت ایشان رسیدم و در مورد دو مسئله یکی ضرورت و اهمیت استقلال بانک مرکزی و دیگری حساسیت افراطی نسبت به نرخ ارز صحبت کردم. مورد استقلال بانک مرکزی را قبلاً در گفت‌وگو با شما برای خوانندگان تجارت فردا توضیح داده‌ام. اما در مورد ارز مسئله این بود که قیمت دلار در آن زمان، نسبت به شروع دولت یازدهم مقداری رشد کرده و از حدود سه هزار تومان به سه هزار و ۶۰۰ تومان رسیده بود. در مقابل قیمت یورو که در ابتدای دولت چهار هزار تومان بود، افت کرده و به ۳۸۰۰ تومان رسیده بود. من خدمت ایشان توضیح دادم و گفتم که حساسیت زیاد نسبت به نرخ ارز باعث می‌شود که نرخ را سرکوب کنیم و به تولید داخل ضربه بزنیم چرا که حساسیت زیاد نسبت به دلار باعث شده است که یورو ارزان‌تر شود، یعنی تولیدات داخلی قدرت رقابت خود را از دست داده‌اند. برای مثال همان لوازم خانگی که دو سال قبل با نرخ یوروی چهار هزارتومانی از اروپا وارد می‌کردیم امروز با نرخ ۳۸۰۰ تومان وارد می‌شود. درحالی‌که تولید داخلی طی همان دو سال با تورم بالا روبرو بوده و به هیچ وجه نمی‌تواند با کالای اروپایی رقابت کند و بالاجبار تعطیل می‌شود. ایشان با حوصله کامل توجه فرمودند و نگرانی بانک مرکزی را تایید و تاکید کردند آقای آقامحمدی مسئله را پی‌گیری کنند. با وجود این حساسیت نسبت به نرخ دلار هم چنان وجود داشت چون این رویا در ذهن رئیس‌جمهور وجود داشت که قیمت ارز در روزی که می‌آید و روزی که می‌رود، هیچ تغییری نکند. من و برخی دیگر از دوستان بارها توضیح دادیم که اقتصاد ما تورم بالایی دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و حداقل تفاوت تورم داخل و خارج باید با یک شیب ملایم صعودی روی نرخ خودش را نشان بدهد و اگر این کار را نکنیم، متأسفانه با جهش نرخ مواجه خواهیم شد.

یک اشکال دیگر این است که در جلسات سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، برخی از مسئولان و کارشناسان اقتصادخوانده با وجود اینکه موضوع از نظر کسی که به علم اقتصاد آشنایی دارد کاملاً روشن و واضح است، ابتدا توجه می‌کنند که ذهنیت

و بی‌ثباتی مزمون بازار ارز و کل اقتصاد کلان کشور، فضا سازی علیه مسئولان و سیاست‌گذاران ارزی ساده‌تر است. به محض اینکه نرخ ارز در مسیر صعودی قرار بگیرد، فشار شدیدی از سوی سیاسیون از جمله نمایندگان مجلس روی دوش رئیس‌کل بانک مرکزی وارد می‌شود. حتی گاهی خود مراجع قضایی هم اظهار نظر کرده و خبر از رسیدگی و تشکیل پرونده می‌دهند. چرا تا این اندازه فضای سیاست‌گذاری ارزی بستر مستعد و مساعدی برای منکوب کردن بانک مرکزی و رئیس‌کل آن شده است؟

یک دلیل اصلی آن تصور غالب بین مسئولان و سیاستمداران ماست که نرخ ارز و افزایش آن را علت تورم و دیگر مشکلات اقتصادی می‌دانند درحالی‌که اهالی اقتصاد می‌دانند افزایش و جهش نرخ ارز خودش معلول وضعیت اقتصادی کشور شامل شاخص‌های بنیادینی چون رشد نقدینگی، تورم، تولید ناخالص داخلی، تراز پرداخت‌ها و... است. دهه‌ها نسبت به این شاخص‌ها سهل‌انگاری و تلاش شده است که همه مشکلات از طریق پایین نگه داشتن و سرکوب نرخ ارز به طور موقت حل شود. طبیعی است که نمی‌توان برای همیشه نرخ ارز را سرکوب کرد. گاهی می‌توان برای مقاطع چندساله مانند دوره اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در دهه ۸۰ به دلیل آن فضای بسیار متفاوت و درآمدهای ارزی فراوان ناشی از صادرات نفت، از طریق مداخله و عرضه ارز در بازار، نرخ را سرکوب کرد، اما به محض محدودیت ارزی ناشی از تحریم بی‌ثبات شد، شوک بسیار بزرگی به بازار ارز وارد شد و تورم هم بسیار بالا رفت. نرخ ارز به پوششی برای پنهان کردن همه سوءمدیریت‌ها در اقتصاد تبدیل شده چون برای چند دهه مهم‌ترین ابزار در جلوگیری از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها با ارزان نگه داشتن واردات بوده است. اما این شیوه نمی‌تواند دائمی باشد و فشار تورمی در نهایت اثر خودش را با یک محرک مانند تحریم بر نرخ ارز می‌گذارد و فر فشارده ارز جهش می‌کند. اگر بانک مرکزی درک درستی از مسئله داشته باشد و رئیس بانک مرکزی بخواهد واقعاً انجام وظیفه کند، اولین کاری که باید برایش وقت و انرژی بگذارد این است که همه، به‌ویژه مسئولان و سیاستمداران را توجیه کند که سرکوب ارز نمی‌تواند به صورت دائمی جلوی تورم را بگیرد. او باید با تشخیص خودش سیاست‌گذاری کند، اما وقتی این تشخیص درک نمی‌شود، ذهنیت‌های منفی در سطح جامعه و مسئولان و بین مدیران سیاسی شکل می‌گیرد و روی آن فرد یک علامت سوال به وجود می‌آورد. اما اگر رئیس‌کل نسبت به این مسئله حساس نباشد می‌تواند همان روند و روال معمول را ادامه بدهد.

در دوره مسئولیت بنده در بانک مرکزی انتقادهای فراوانی از من می‌شد به این دلیل که به صورت جدی از افزایش قیمت ارز جلوگیری نمی‌کردیم و به‌رغم فشار بسیار زیادی که از طرف رئیس‌جمهور و مجلس وجود داشت در طول زمان به تدریج بخشی از فشار انباشته روی قیمت ارز تخلیه شد البته ناگفته نماند که منابع ارزی کشور هم اجازه سرکوب بیشتر قیمت ارز را نمی‌داد. در

رئیس‌جمهور را بفهمند و بعد حرفشان را با حرف رئیس‌جمهور هماهنگ می‌کنند. این یک آسیب جدی است. درحالی‌که به نظر یکی از حداقل وظایف ما این است که احساس مسئولیت حرفه‌ای داشته و اجازه ندهیم گمراهی ایجاد شود.

به نظر می‌رسد بانک مرکزی در کشور ما بسیار بیشتر از سایر همتایان خود در دنیا، یا حتی بالاتر از استانداردهای عرفی درگیر مسئله ارز است. در وظایف بانک‌های مرکزی به کاهش ارزش پول ملی اشاره شده است، اما این کار باید از طریق کنترل تورم انجام شود، نه تلاش برای پایین نگه داشتن نرخ ارز خارجی. اساساً مسئله ارز در سبب فعالیت بانک‌های مرکزی چه اولویتی دارد؟

کاملاً درست است. این سوال را هم سعی می‌کنم با یک خاطره جواب بدهم. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری کشورهای تازه استقلال یافته، به‌عنوان مدیرعامل بانک صادرات به چند کشور مانند ترکمنستان و ازبکستان سفر کردم که شرایط را برای افتتاح شعبه بررسی کنم. در این کشورها هنوز حکومت به‌طور کامل شکل نگرفته و مستقر نشده بود، اما یک مدل جالبی برای فروش ارز داشتند. به این صورت که درآمدهای ارزی دولت ربطی به بانک مرکزی نداشت و دولت این منابع ارزی را بر حسب نیاز در بازاری بورس از طریق حراج عرضه می‌کرد. پس بانک مرکزی اصلاً درگیر مسئله ارز نبود و اگر خودش هم ارز نیاز داشت در مراسم حراج شرکت می‌کرد و ارز می‌خرید. بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز مسئولیت داشت، اما دولت ارز استحصالی خودش را در بازار عرضه می‌کند و به هر کسی که با قیمت بالاتری بخرد، می‌فروشد. بانک مرکزی هم یک پشتوانه ارزی برای خودش ایجاد می‌کند تا صرفاً زمانی که نرخ ارز با متغیرهای بنیادین اقتصاد تناسب ندارد و نرخش بدون منطق اقتصادی نوسان می‌کند، وارد بازار شود و از ارز خودش به بازار عرضه می‌کند تا بازار را به کانال قیمتی مورد تایید خودش هدایت کند. برعکس اگر ببیند نرخ ارز در بازار بالاتر از حد طبیعی نوسان دارد و رو به پایین می‌رود، آنجا هم در بازار ورود کرده و ارز می‌خرد و اجازه نمی‌دهد که قیمت از کف کانال مورد تاییدش پایین‌تر بیاید. در این کشورها به این ترتیب ثبات در بازار ارز و کل اقتصاد حفظ می‌شود دولت خود را به حراج می‌گذارد تا به بالاترین قیمت بفروشد و بانک مرکزی هم هیچ الزام و اجباری ندارد که ارز دولت را بخرد؛ بنابراین وظیفه‌اش در مدیریت بازار ارز تصمیم می‌گیرد که این کار را بکند یا خیر. درحالی‌که در کشور ما همه درآمدهای نفتی به حساب بانک مرکزی واریز می‌شود و همه مسئولیت‌ها بر عهده بانک مرکزی است. جالب است که در بسیاری از موارد، به‌خصوص بعد از تحریم، هنوز شرکت خریدار به دلایل مشکلات و موانع تحریم، ارز را واریز نکرده است اما دولت معادل ریالی آن را از بانک مرکزی مطالبه می‌کند.

به نظر شیوه مورد عمل در آن کشورها بسیار پیشرفته و منطقی است و توصیه می‌کنم در کشور ما هم به همین شیوه اقدام شود. بانک مرکزی هیچ الزامی به خرید ارز دولت نداشته و صرفاً

وظیفه‌اش مدیریت بازار ارز باشد که می‌تواند برای این کار، حدی از موجودی را برای خودش نگه دارد که بتواند در مواقع ضروری تنظیم‌کننده بازار باشد و زمانی که نرخ مورد تاییدش نیست برای خرید یا فروش به بازار وارد شود و به این ترتیب تعادل را به بازار برگرداند.

اما مسئولیت‌های بانک مرکزی در حوزه ارز، به‌ویژه در سال‌های اخیر، به قدری وسیع و سنگین شده که روی بقیه وظایف و مسئولیت‌هایش هم سایه انداخته است. برای نمونه یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی نظارت بر عملکرد بانک‌ها است. بانک مرکزی باید از اقتدار لازم برای انضباط بخشی در بانک‌ها برخوردار باشد، اما تاکنون بانک مرکزی به کار نظارتی‌اش نرسیده و بدتر اینکه از اقتدار لازم برای این کار هم برخوردار نیست. نتیجه‌اش هم همین ناترازی‌های نظام بانکی است که اقتصاد کشور را به‌صورت جدی با چالش روبه‌رو کرده است.

علاوه بر درگیری بانک مرکزی در کلیت سیاست ارزی، تخصیص ارز برای واردات هم در سال‌های گذشته به فهرست بلندبالای وظایف بانک مرکزی افزوده شده و سیاست‌گذار پولی و ارزی باید وظیفه سیاست‌گذاری تجاری را هم بر عهده بگیرد.

در دوره‌ای که من در بانک مرکزی بودم، وزارت صنعت، معدن و تجارت به‌شدت به ما فشار می‌آورد که ثبت سفارش را حذف کند و هر کسی که می‌خواهد کالا وارد کند، برای خرید ارز به نظام بانکی مراجعه کند. دوستان صمت به محدودیت‌های مربوط به منابع ارزی کشور توجه نداشتند. تاکید ما در این جلسات این بود که با توجه به محدودیت‌های ارزی ما باید روشی را بکار بگیریم که به تخصیص بهینه منابع محدود ارزی کشور منجر شود و در مصرف آن اولویت‌های کالایی را مورد توجه و دقت قرار دهیم. وزارت صمت قاعداً مسئول تشخیص این اولویت‌هاست و باید این تشخیص را با ثبت سفارش به اطلاع نظام بانکی و بانک مرکزی برساند و از این‌رو به‌هیچ‌وجه در شرایط حاضر نباید ثبت سفارش حذف شود. وزارتخانه‌های مربوطه باید بدانند، نیاز کشور در یک سال چقدر است و متناسب با این نیازها ثبت سفارش کند. وقتی در حد کافی برای یک کالا مانند کنجاله ثبت سفارش صورت گرفت، دیگر اجازه تداومش داده نشود. این وظیفه از گذشته در حوزه مسئولیت‌های وزارت بازرگانی بود و اکنون باید متولی آن وزارت صمت باشد که متأسفانه همواره تلاش می‌کرد که از این کار شانه خالی کند. درحالی‌که بانک مرکزی هیچ تخصصی در این رابطه ندارد و نمی‌تواند هم داشته باشد. در نتیجه برای اینکه بانک مرکزی حداقل از این بابت بتواند منطقی رفتار کند باید از طرف نهاد مربوطه اطلاعاتی در مورد اینکه کدام قلم‌ها اولویت اول، کدام‌ها دوم و سوم هستند و از هر کدام چقدر ارز لازم است، در اختیارش قرار گیرد که این اطلاع‌رسانی از طریق ثبت سفارش انجام می‌شود. نه اینکه ناگهان مشخص شود یک شرکت کوچک و متوسط طی یک مدت کوتاهی مقادیر بسیار زیادی ارز به بهانه واردات چای و ماشین‌آلات تولید آن به جیب زده است.

از سال ۱۳۹۷ تا به امروز منابع ارزی ما کمتر و شرایط

که نظارت روی نهادهایی مانند بانک مرکزی تخصصی تر، عمیق تر و محدودتر باشد تا شرایطی به وجود بیاید که نهاد ناظر بتواند دید روشن و واضحی نسبت به کارکرد دستگاهها داشته باشد. نظارت تخصصی یعنی اینکه دستگاههای تحت نظارت بتوانند با اطمینان، اطلاعات لازم را در اختیار ناظر قرار دهند بدون اینکه نسبت به درز آنها، به دلیل محرمانه بودن برخی اطلاعات، نگرانی داشته باشند.

آیا شکل مواجهه و برخوردی که با سیاستگذار ارزی صورت

می‌گیرد، استقلال بانک مرکزی را زیر سوال نمی‌برد؟

حتماً همین‌طور است. ببینید برابر روال قانون، بانک مرکزی به مقوله تخصیص ارز برای واردات کالا ورود نمی‌کند مگر اینکه مرجع قانونی دیگری تایید کرده باشد که واردات این کالا با توجه به موجودی آن و نیاز کشور، ضروری است. میزان واردات و قیمت کالا و مباحثی از این دست هم در حوزه وظایف و مسئولیت‌های بانک مرکزی نیست. همان ثبت سفارش تاییدشده از سوی دستگاه مربوطه، مجوز بانک مرکزی برای تخصیص ارز است. بانک مرکزی زمانی ارز را تخصیص می‌دهد که متقاضی به یک بانک تجاری که قاعدتاً عملکرد پولی و بانکی‌اش در آنجا متمرکز است، مراجعه کرده و نظر موافق آن بانک را گرفته یا حتی تسهیلاتی هم دریافت کرده است. یعنی از یک فیلتر دوم هم بعد از ثبت سفارش گذشته است. بعد از این مراحل، متقاضی به بانک مرکزی مراجعه می‌کند و بانک مرکزی باید ارز تخصیص بدهد و تنها عذر موجهش در ندادن ارز می‌تواند فقدان منابع باشد. پس اگر ارز دارد، برابر وظیفه قانونی‌اش باید تخصیص بدهد. در مرحله بعد از تخصیص، بررسی اینکه آیا بعد از مهلت مقرر قانونی کالا به کشور وارد شد یا خیر، بر عهده بانک مربوطه است. یعنی اگر بعد از مهلت قانونی، مشتری جواز سبز گمرکی را ارائه نداد، که به معنای عدم واردات کالا است، بانک باید بلافاصله گزارش کند، مشتری را دعوت کند و از او در مورد فرآیند واردات کالا سوال کند. اگر جواب مشتری منطقی و قانونی نبود، باید پرونده تشکیل شود. یعنی مسئول پیگیری اطمینان از ورود کالا به کشور هم باز بانک مرکزی نیست. پس بانک مرکزی از منظر تخصیص ارز نسبت به پرونده‌ای که مجوزهای لازم را دریافت کرده است، هیچ مسئولیتی ندارد. فقط باید ارز داشته باشد که تخصیص بدهد. اگر برای مثال میزان ثبت سفارش‌های تاییدشده ارسالی به بانک مرکزی بیش از منابع در دسترس باشد، به این صورت که بانک مرکزی لازم باشد انتخاب کند و براساس اولویت‌ها خودش برای تخصیص ارز انتخاب و گزینش انجام دهد، آنجا باید پاسخگو باشد که با چه مبنایی انتخاب کرده است. اینجا اگر نتواند پاسخ درستی به نهاد ناظر بدهد، مقصر است. وگرنه در بقیه موارد هیچ توجیه ندارد که بانک مرکزی به‌عنوان مسئول و مقصر معرفی شود.

هدف نهایی ما باید این باشد که با توجه به تجربیاتی که حاصل شده، مباحثی را که زمینه کند کردن روند جاری فعالیت‌های اقتصادی را ایجاد کرده است، مخصوصاً در زمینه ارز و واردات کالا، شناسایی کنیم و برایش راه‌حل پیدا کنیم. در نتیجه امیدوارم که همه این مباحث به بهبود روند سیاست‌گذاری ارزی و اجرای سریع‌تر و دقیق‌تر عملیات ارزی منجر شود.

تخصیص ارز سخت‌تر شده است. دخیل کردن بانک مرکزی در مسئولیت تخصیص ارز تا حدودی هم می‌تواند معلول نظام ارزی چندگانه باشد. اما به نظر می‌رسد راه را برای متهم کردن بانک در مسئله رانت تخصیص فراهم کرده است.

بله، مشکل هم از نظام چندنرخ ارز و هم از نظام تخصیص آن است. وقتی نظام ارزی چندنرخ است و ما یک نرخ ترجیحی داریم، قطعاً ولع زیادی هم برای دسترسی به آن ایجاد می‌شود. نکته دوم اینکه حداقل اگر قرار است که ارز ترجیحی بدهیم، مسئولیت آن را به نهادی واگذار کنیم که بیشترین اطلاعات و داده‌های بازرگانی کشور را در اختیار دارد. بانک مرکزی به هیچ عنوان موظف نیست که ببیند مثلاً در سال جاری ما چه اندازه برای بخش تولید کشور به نهاد نیاز داریم و چقدر از آن تاکنون وارد شده و چقدر باقی مانده است. این مسئله ربطی به بانک مرکزی ندارد. این موضوع مسئولیت قطعی وزارت صمت است که باید بسنجد و با اقدام به ثبت سفارش هم صلاحیت فعال اقتصادی و هم نیازش به کالاهای وارداتی را تایید کند. بانک مرکزی صرفاً باید هر آنچه از سوی وزارت صمت تایید می‌شود بپذیرد.

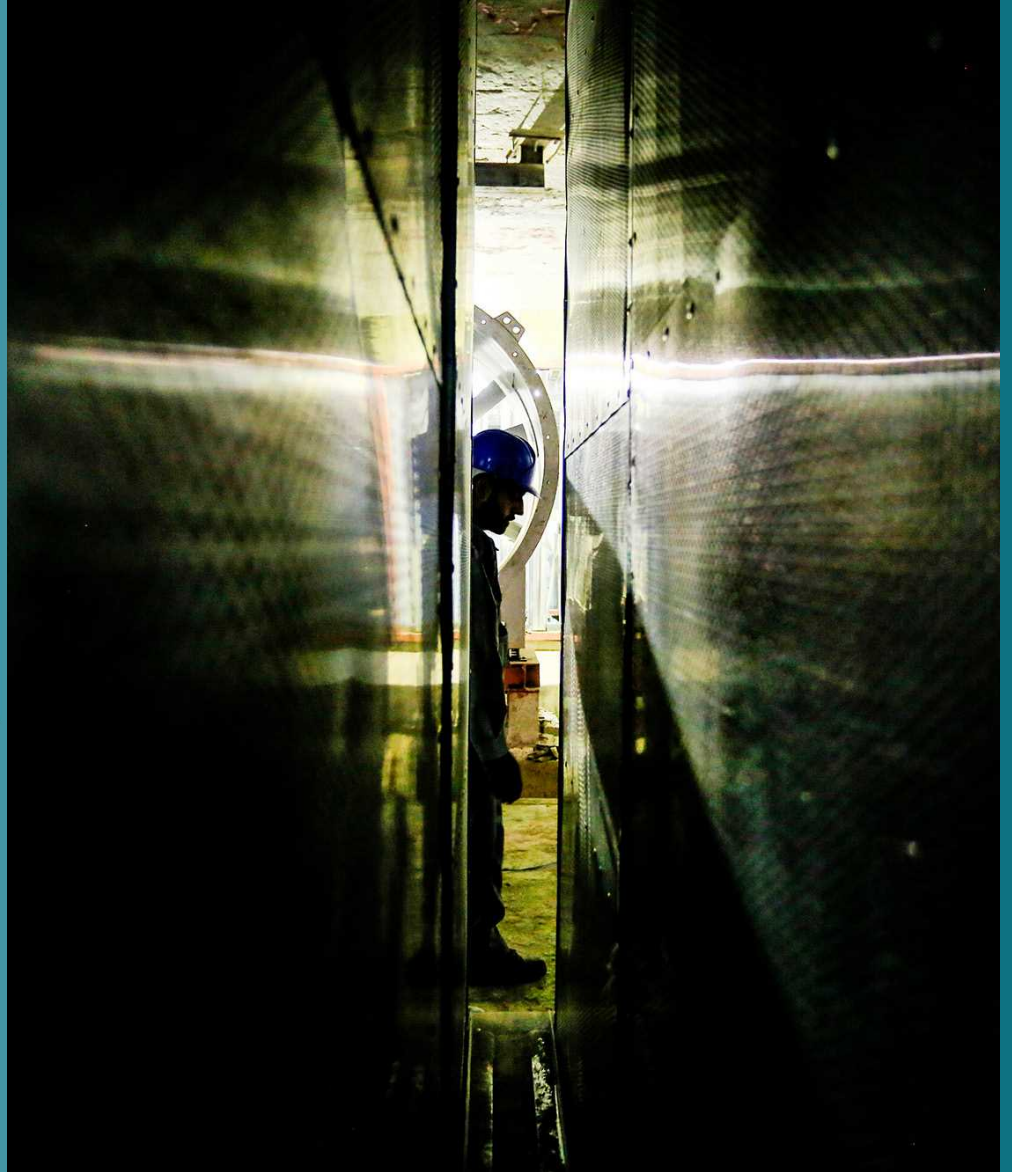
علاوه بر جهش‌های ارزی و تخصیص ارز، همکاری با صرافی‌ها برای توزیع ارز هم به نظر گلوگاه مهم است؛ حتی معاون ارزی خودتان به دلیل مداخله در بازار ارز و استفاده از برخی افراد مورد پرسشگری قرار گرفت.

مسئله‌ای که بابت آن به معاون ارزی بانک ایراد وارد شد، این بود که ایشان با استفاده از اختیاراتش، با مقادیری ارز به منظور مدیریت بازار و جلوگیری از تلاطم در بازار مداخله کرده بود. واقعاً هم چنین اختیاری داشت و درنهایت هم رای پرونده برائت بود. اما در آن زمان این فرض شکل گرفته بود که بانک مرکزی چنین اختیاری نداشته و باید از طریق صرافی‌ها کار را انجام می‌داده است. در مجموع من معتقدم که اصولاً مفهوم مدیریت بازار ارز در کشور برای مرجع رسیدگی‌کننده به‌طور کامل روشن و شفاف نبود. ببینید ما در کشور تعداد زیادی دستگاه نظارتی داریم و بودجه قابل توجهی را برای نظارت از طریق دستگاه‌های موازی هزینه می‌کنیم. تعداد این نهادهای ناظر موجب کند شدن کار فرآیند ارائه خدمات در دستگاه‌ها می‌شود. به نظر من اگر ما یک مرجع رسیدگی‌کننده داشته باشیم که عمیق، تخصصی و با درک درست و روشن به مسائلی که پیش می‌آید رسیدگی کند، شرایط بهتری رقم خواهد خورد. اصولاً روی اصل مفهوم نظارت هیچ مشکلی وجود ندارد، چون هر دستگاهی از جمله بانک مرکزی باید نسبت به عملکردش پاسخگو باشد. هیچ‌کس معتقد نیست که چون گفته می‌شود بانک مرکزی باید مستقل باشد پس نظارتی هم نباید باشد. در همه دنیا روی کار بانک‌های مرکزی نظارت تخصصی صورت می‌گیرد اما به شکلی که جلوی سرعت طبیعی امور را نگیرد تا سیاستگذار بتواند عکس‌العمل به‌موقع داشته باشد، نه اینکه به دلیل احتیاط‌های افراطی و از روی ترس و نگرانی وظیفه‌اش را انجام ندهد و مشکلات متعدد دیگری بروز کند. در نتیجه من معتقدم بهترین کار این است



WWW.AHAMIRAN.com

نیم نگاه



درون بحران!



صنعت لوازم خانگی در شرایط بحران چه باید کند؟

رقص مبارز

محمد مهدی اردبیلی در کتاب «اصول مبارزه در زمانه نیهیلیسم» تمثیلی استفاده میکند به نام «رقص مبارز» و معتقد است زمانی وجود دارد که گویی قرار است از رودخانه‌ای عبور کرده و به طرف دیگر برسیم و تنها چند تکه چوب بر روی آب وجود دارد و به محض اینکه پای روی چوب‌ها قرار میگیرد غرق می‌شود و در این شرایط یا باید خطر غرق شدن را پذیرفت و یا آنکه روشی با توجه به شرایط چوب‌ها یافت تا به سلامت از این رودخانه عبور کرد و او این تعبیر رقص چوب‌ها را به کار میگیرد که به محض آنکه پای روی چوب گذاشتیم باید برداریم و به این صورت از روی رودخانه عبور کرد.

وضعیت امروز صنعت لوازم خانگی ایران نیز چنین است گویی باید همچون مبارز رودخانه رقصید تا به سلامت از این ورطه عبور کرد؛ از سویی ناترازی انرژی که تا دیروز تنها خلاصه در برق بود در گاز نیز تسری یافته است و از سوی دیگر مسئله رکود، نفس صنعت را به شماره انداخته است.

در حالی که نمایه‌ها نشان از کاهش بیش از ۶۰ درصدی فروش را می‌دهد، اجرای قانون حمایت از مرز نشینان نیز مزیدی بر علت شد تا فروش واحدهای تولیدی بازهم کاهش یابد اما باید پرسید در شرایط رکود با تورم سرسام‌آور تولید به چه سویی حرکت خواهد کرد؟

صنعت لوازم خانگی، صنعتی پیشران است یعنی در طول زنجیره آن صنایع دیگر نیز با حرکت آن شروع به رشد خواهند کرد اما وقتی بحران به بالا دست این صنعت می‌رسد پایین دست نیز از این قاعده مستثنا نیست. کلان اقتصاد نشان می‌دهد که وضعیت کلی صنعت وضعیت مناسبی ندارد و در آخرین گزارش شامخ نیز بیانگر رکود و کاهش در تولید صنعتی است.

امروز با توجه به وضعیت ارزی کشور و کسری بودجه بی‌سابقه دولت، تامین مواد اولیه با مشکل مواجه شده است به قسمی که طبق گزارش شامخ موجودی مواد اولیه در صنعت رکورد بیش

از ۶۰ ماهه خود را شکسته است و این نشان از فشار بیش از پیش بر روی تولید است.

همزمانی سیاست تک‌نرخی شدن ارز که سیاستی درست اما دیر بود با کاهش چشم‌گیر موجودی ارزی کشور به علت تحریم‌ها باعث شده است که هزینه‌های تولید نیز به شدت افزایش یابد و این مهم خود را در قیمت تمام شده محصول نشان می‌دهد و این در حالی است که همانطور که در بالا بیان شد بازار لوازم خانگی توامان با رکود و پدیده قانونی شدن قاچاق به نام حمایت از مرز نشینان مواجه است و در حالی که وضعیت اقتصادی کلی خانوارها در فشار قرار دارد خرید لوازم خانگی در اولویت قرار ندارد و همین امر سرمایه در گردش تولید را نیز به طرز فاحشی کاهش داده است.

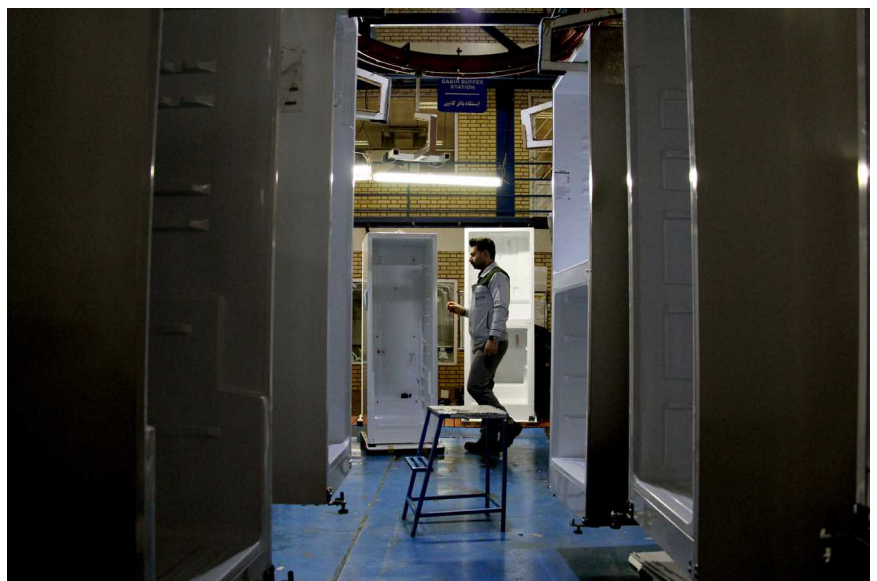
حال اگر در کنار این عوامل صحبت‌های اخیر رئیس سازمان بهزیستی را قرار دهیم که آمار ۴۴ درصدی جمعیت را می‌دهد که در هزینه روزمره خود عاجز مانده‌اند عمق فاجعه مشخص می‌شود و گویی تولید کننده در مقابل دریایی از مسائل در حال جنگیدن و مبارزه است.

آنچه واضح و مبرهن است آن است که در چنین شرایطی صنایع و به خاص صنعت لوازم خانگی با کمترین میزان ظرفیت خود فعالیت خواهد کرد و این بدان معناست که تعدیل نیرو برای کاهش هزینه‌ها نیز لاجرم باشد و همین امر باعث افزایش تنش‌های اجتماعی خواهد شد و باید یادآور شویم که صنعت لوازم خانگی به تنهایی ۳۰۰ هزار شغل مستقیم و یک میلیون شغل غیر مستقیم دارد و تعدیل در این صنعت مسئله‌ای بفرنج برای کشور خواهد بود.

آنچه گفته شد پوسته‌ای در مسائل صنعت است و در کنار این موضوعات اگر به وضعیت تحریم‌ها و قانون جدید امریکا مبنی بر تعرفه‌گذاری بر روی تجارت هر کشوری با ایران نگاه کنیم بازهم متوجه خواهیم شد که تولید در وضعیت قرمز قرار دارد لذا به نظر می‌رسد با توجه به آنکه دولت نیز توانایی انجام وظایف خود را نیز از دست داده است صنعت باید به سمت اتخاذ سیاست‌های انقباضی حرکت کند یعنی نه تنها در هزینه‌ها بلکه در نحوه تولید نیز بازنگری جدی داشته باشد.

در این شرایط دولت نیز موظف است برای جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی از برنامه‌های تولیدی ارائه شده با دیدی اغماضگونه نگرسته و در مالیات ستانی نیز با احتیاط عمل کند تا صنعت بتواند با کمترین میزان ظرفیت به حیات خود ادامه دهد.

در پایان اگر بخواهیم در میان مسائل متعدد صنعت راه حلی را عنوان کنیم باید بار دیگر به بدایه این نوشته بازگشت و گفت برای عبور از بحران باید چیزی شبیه به رقص چوب‌ها را برگزید تا از خطر غرق شدگی نجات یافت.



زمینه کیفیت، در حد رقابت با شرکت‌های مطرح جهانی هستیم و حتی در برخی شاخص‌ها عملکرد بهتری داریم. صبحی ادامه داد: با این حال، تحریم‌ها باعث شده حتی صادرات به کشورهای نزدیک مانند ازبکستان نیز با دشواری انجام شود. در حالی که ما ظرفیت صادرات به اروپا را هم داریم، اما چون مبدأ تولید ما ایران است، محدودیت‌ها مانع این حضور بین‌المللی می‌شوند.

نوآوری در پلتفرم هوشمندسازی ایرانی

وی درباره اقدامات شرکت صنایع صبح پارلار آسیا در زمینه فناوری‌های نو توضیح داد: در سه سال گذشته توانستیم یک پلتفرم هوشمندسازی کاملاً ایرانی ایجاد کنیم که از نظر امکانات با شرکت چینی «تویا» (TU YA) که یکی از بازیگران بزرگ این حوزه است، قابل مقایسه است. ما نرم‌افزار، اپلیکیشن، سرور و زیرساخت امنیتی این پلتفرم را به‌طور کامل در داخل کشور طراحی کرده‌ایم.

مدیرعامل شرکت صنایع صبح پارلار آسیا افزود: این بستر امکان اتصال همه لوازم خانگی از پکیج و لباسشویی گرفته تا یخچال، اجاق، فر، کلیدهای روشنایی، کنترل پرده، ریموت‌های بی‌سیم و سنسورهای مختلف را در یک سیستم واحد فراهم می‌کند. هدف ما این است که این فناوری در دسترس همه تولیدکنندگان داخلی قرار گیرد تا بتوانند محصولاتشان را هوشمند کنند.

صبحی ادامه داد: ما این سرویس را حتی به شرکت‌هایی که بردهایشان را از ما خریداری نمی‌کنند هم ارائه می‌دهیم. یعنی اگر تولیدکننده‌ای از ماژول ما استفاده کند، می‌تواند از سرور، اپلیکیشن و خدمات پلتفرم ما بهره‌مند شود. در واقع خدمات هوشمندسازی ما یک سرویس باز برای کل صنعت لوازم خانگی کشور است.

چشم‌انداز صادرات و رفع موانع تحریم

وی با اشاره به ظرفیت بالای صادراتی صنعت لوازم خانگی اظهار کرد: اگر مشکل تحریم‌ها حل شود، لوازم خانگی ایران ۱۰۰ درصد قابلیت صادرات به بازارهای مختلف جهان را دارد. از نظر کیفیت و فناوری، هیچ کمبودی نسبت به رقبا نداریم. تنها نیاز ما، بستر صادراتی شفاف و ارتباطات بین‌المللی پایدار است.

مدیرعامل شرکت صنایع صبح پارلار آسیا درباره اهمیت نمایشگاه‌های بین‌المللی بیان کرد: برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی لوازم خانگی نقش بسیار مؤثری در رشد صنعت دارد، چون محلی است برای ارائه محصولات جدید، معرفی فناوری‌های نو و برگزاری نشست‌های B2B بین شرکت‌های داخلی و خارجی. اگر شرکت‌های بیشتری از کشورهای دیگر در این نمایشگاه‌ها حضور یابند، فرصت‌های صادراتی و همکاری بین‌المللی ایران نیز افزایش پیدا می‌کند.

صبحی در پایان گفت: صنعت لوازم خانگی ایران امروز به سطح رقابت جهانی رسیده است. ما از نظر کیفیت، فناوری و نوآوری چیزی از شرکت‌های بزرگ دنیا کم نداریم. اگر محدودیت‌های اقتصادی و تحریم‌ها برداشته شود، بدون تردید می‌توانیم یکی از بازیگران اصلی بازار منطقه و حتی جهان باشیم. مهم این است که از فرصت امروز برای توسعه هوشمندسازی و تثبیت جایگاه جهانی خود استفاده کنیم.

هوشمندسازی را باید از امروز جدی بگیریم

مدیرعامل شرکت صنایع صبح پارلار آسیا با بیان اینکه صنعت لوازم خانگی ایران در حوزه الکترونیک و فناوری هوشمند به بلوغ رسیده و اکنون زمان آن است که شرکت‌های داخلی



با تکیه بر دانش بومی وارد رقابت جهانی شوند، گفت: ما از نظر کیفیت و فناوری از بسیاری از برندهای خارجی عقب نیستیم؛ اما تحریم‌ها و نبود بستر صادرات منظم، مانع اصلی رشد جهانی صنعت لوازم خانگی کشور است.

وی افزود: شرکت صنایع صبح پارلار آسیا تولیدکننده بردهای الکترونیکی لوازم خانگی است و بخش عمده‌ای از بازار ایران را در حوزه لوازم خانگی بزرگ مانند لباسشویی، پکیج، هود، اجاق گاز و سایر محصولات پوشش می‌دهد. ما در سال‌های اخیر تمرکز ویژه‌ای بر تولید بردهای هوشمند داشته‌ایم تا بتوانیم سهم بیشتری از بازار داخلی و صادراتی به دست آوریم.

گام بلند به سوی هوشمندسازی

مدیرعامل شرکت صنایع صبح پارلار آسیا با تأکید بر اهمیت هوشمندسازی در آینده صنعت لوازم خانگی گفت: هدف ما این است که فرهنگ استفاده از محصولات هوشمند را هم در بین مصرف‌کنندگان و هم در میان تولیدکنندگان جا بیندازیم. اگر امروز برای این مسیر برنامه‌ریزی نکنیم، دو یا سه سال دیگر شرکت‌های اروپایی و کره‌ای پیشرو خواهند شد و ما باید دنباله‌رو آن‌ها باشیم. الان بهترین زمان است تا در این حوزه حرفی برای گفتن داشته باشیم و تفاوت محصولات ایرانی و وارداتی را به‌واسطه هوشمندسازی ایجاد کنیم. صبحی با اشاره به اینکه در حوزه عمق ساخت داخل، پیشرفت‌های قابل توجهی داشته‌ایم، اظهار کرد: امروز در مقایسه با کشورهای مانند ترکیه، در زمینه تولید محصولات بزرگی مانند هود، فر، اجاق گاز و حتی یخچال، کیفیت تولیدات ما در بسیاری از موارد بهتر است. اما متأسفانه بازار صادراتی منسجمی که ترکیه دارد، در اختیار شرکت‌های ایرانی نیست.

وی تصریح کرد: به جرأت می‌گویم کیفیت لوازم خانگی ایرانی از بسیاری از محصولات ترکیه‌ای بالاتر است، اما به دلیل تحریم‌ها و مشکلات داخلی، صادرات ما محدود مانده است.

چالش‌های تحریم و رقابت بین‌المللی

مدیرعامل شرکت صنایع صبح پارلار آسیا گفت: در شرایطی که برندهای بزرگی مانند ال‌جی، سامسونگ یا شرکت‌های اروپایی به دلیل تحریم در بازار ایران حضور ندارند، تولیدکنندگان داخلی با یکدیگر رقابت می‌کنند. اما در واقع ما باید خود را با برندهای بزرگ جهانی مقایسه کنیم. خوشبختانه آمارهای ما نشان می‌دهد که در

واردات بی قاعده محل تولید است



از کشور؛ و سوم، ناپایداری سیاست‌های اقتصادی. نیروی متخصص امروز به‌جای کار تولیدی به سراغ کارهای واسطه‌ای می‌رود چون سود بیشتری دارد. اگر این روند ادامه پیدا کند، صنعت ما در آینده با بحران مهارت روبه‌رو می‌شود.

واردات، عامل اصلی ناامیدی تولیدکننده‌ها و بی‌انتقاد از رویکرد واردات کالاهای خارجی گفت: برخی تصور می‌کنند با باز شدن درهای واردات رقابت ایجاد می‌شود، اما در واقعیت، همین واردات باعث نابودی تولید می‌شود. تولیدکننده داخلی تازه داشت جان می‌گرفت، سرمایه‌گذاری می‌کرد، خط تولید می‌خرید و محصولش را بهبود می‌داد، اما وقتی کالای خارجی با تعرفه پایین وارد شود، انگیزه تولید از بین می‌رود.

مدیرعامل شرکت لایونزا افزود: چین زمانی رشد کرد که ۸۰ سال مرزهای اقتصادی خود را بست و کاملاً درون‌زا عمل کرد. ما هم اگر درهای کشور را ببندیم و به تولیدکننده خودمان تکیه کنیم، مطمئن باشیم رشد می‌کنیم. دنیا امروز چیزی ندارد که ما نتوانیم بسازیم؛ فقط هزینه تولید در ایران بالاست و باید روی آن کار شود.

موفقیت صنعتگران مستقل

علوی با اشاره به تجربیات موفق برخی همکاران گفت: من صنعتگرانی را می‌شناسم که در نبود واردات، از اجاره یک سوله شروع کردند و امروز صاحب کارخانه، خط تولید و برند معتبرند. این یعنی اگر فضا سالم بماند، می‌شود رشد کرد.

وی افزود: وقتی می‌گویند تبریز چین کوچک ایران است، واقعاً بی‌راه نمی‌گویند. آنجا می‌توانید هر قطعه‌ای را با هزینه پایین پیدا کنید، مثل چین که تولیدکننده‌ها به هم نزدیک‌اند. این نزدیکی زنجیره تولید را کامل می‌کند و هزینه‌ها را پایین می‌آورد. ما باید به جای تخریب، از این اتفاقات استقبال کنیم.

مدیرعامل شرکت لایونزا درباره تلاش‌های خود در صادرات بیان کرد: من برای صادرات تلاش زیادی کردم، حتی در نمایشگاه‌های اکسپو شرکت کردم و کالا فرستادم. در کشورهای اسکاندیناوی هم محصول دادم، اما

مشکل خدمات پس از فروش و قیمت تمام‌شده بالاست. مثلاً در نمایشگاه دیدم جاروبرقی خارجی ۶۰ دلار است، در حالی که محصول ما ۹۰ دلار تمام می‌شود. تا زمانی که نتوانیم قیمت تمام‌شده را اصلاح کنیم، صادرات دشوار است.

علوی در پایان گفت: آینده روشن است، به شرطی که نگاه‌مان را عوض کنیم. باید باور کنیم کالای ایرانی اگر کامل نباشد در حال رشد است. حمایت کنیم، بخریم و به آن فرصت بدهیم تا در مسیر پیشرفت بماند. اگر چنین شود، ایران در ۳۰ تا ۴۰ سال آینده می‌تواند در بازار جهانی لوازم خانگی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.

من صنعتگرانی را می‌شناسم که در نبود واردات، از اجاره یک سوله شروع کردند و امروز صاحب کارخانه، خط تولید و برند معتبرند. این یعنی اگر فضا سالم بماند، می‌شود رشد کرد.

مدیرعامل شرکت لایونزا با تأکید بر لزوم حمایت از تولید داخلی و جلوگیری از واردات بی‌رویه، گفت: اگر درهای واردات باز شود، کارخانه‌های داخلی یکی‌یکی تعطیل خواهند شد. اما اگر اجازه دهیم صنعت مسیر طبیعی رشد خود را طی کند، می‌توانیم در آینده نه‌چندان دور در بازار خاورمیانه و حتی آفریقا حرفی برای گفتن داشته باشیم.

سید محمد مهدی علوی با اشاره به موقعیت ایران در میان کشورهای منطقه افزود: در کشورهای اطراف ما حتی ساده‌ترین لوازم خانگی مثل جاروبرقی یا مخلوط‌کن تولید نمی‌شود. این در حالی است که ایران از نظر توان فنی و زیرساخت صنعتی در جایگاه بسیار بالاتری قرار دارد. اگر مشکلاتی مثل تأمین ارز و مواد اولیه حل شود، ما به راحتی می‌توانیم صادرکننده اصلی لوازم خانگی در خاورمیانه باشیم.

مدیرعامل شرکت لایونزا در ادامه گفت: شرکت ما تقریباً ۸۵ درصد ساخت داخل دارد. مهندسان، بردسازان و تیم فنی همه ایرانی هستند. مواد اولیه هم از پتروشیمی‌های داخلی تأمین می‌شود. فقط در موارد خاص سراغ واردات می‌رویم. این یعنی ما توان تولید کاملاً مستقل را داریم، اگر سیاست‌گذاری‌ها پشتیبان باشد.

علوی درخصوص مهم‌ترین چالش‌های فعلی تولیدکنندگان اظهار کرد: اول، تأمین ارز و مواد اولیه؛ دوم، خروج نیروی انسانی متخصص

نوآوری در خدمت بهره‌وری انرژی

وی در توضیح نوآوری‌های جدید مجموعه بیان کرد: در پکیج‌های چگالشی جدیدی که تولید کرده‌ایم، تلاش شده تا بالاترین بازده انرژی به دست آید. این سیستم‌ها طوری طراحی شده‌اند که بیشترین میزان گرمایش را از حداقل مصرف گاز تولید کنند و عملاً هدررفت انرژی به حداقل برسد.

مسئول مارکتینگ شرکت ایران رادیاتور تصریح کرد: توسعه فناوری‌های به‌روز و طراحی مهندسی داخلی باعث شده محصولات ما با استانداردهای اروپایی قابل رقابت باشند و در عین حال با شرایط اقلیمی کشور نیز هماهنگی کامل داشته باشند.

فخاری با اشاره به نقش داده‌ها و تحلیل بازار در تصمیم‌گیری‌های کلان گفت:

ما با بررسی مداوم نیاز بازار داخلی، الگوهای مصرف و بازخورد مشتریان، تولیدات خود را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنیم که پاسخگوی واقعی تقاضای مردم باشد. در حال حاضر در بخش گرمایشی بزرگ‌ترین تولیدکننده کشور هستیم و در حوزه سرمایه‌گذاری نیز سهم بازارمان رو به افزایش است.

وی با تأکید بر اهمیت عدالت در قیمت‌گذاری افزود: تمام تلاش ما این است که ضمن حفظ کیفیت، قیمت محصولات را به‌گونه‌ای تعیین کنیم که قدرت خرید مردم حفظ شود. حمایت از مشتری و رضایت مصرف‌کننده برای ما اولویت اصلی است و باور داریم تولید ایرانی باید هم‌زمان با کیفیت بالا و قیمت منطقی عرضه شود.

چشم‌انداز آینده؛ حرکت به سوی خاورمیانه

مسئول مارکتینگ شرکت ایران رادیاتور با نگاهی امیدوارانه به آینده گفت: هدف ما این است که در سال‌های آینده به بزرگ‌ترین تولیدکننده سیستم‌های گرمایشی و سرمایه‌گذاری در خاورمیانه تبدیل شویم و بتوانیم صادرات گسترده‌تری به کشورهای منطقه داشته باشیم. مسیر دشوار است، اما با تکیه بر نیروی متخصص ایرانی و برنامه‌ریزی دقیق، دستیابی به این هدف دور از دسترس نخواهد بود.

تولید ملی تنها مسیر پایداری صنعت گرمایشی و سرمایشی کشور

مسئول مارکتینگ شرکت ایران رادیاتور با تأکید بر اهمیت تولید ملی و نقش نیروی انسانی ایرانی در توسعه صنعتی گفت: تمام تلاش ما بر این است که محصولی در سطح استانداردهای جهانی، اما با تکیه بر توان داخلی تولید کنیم.

سپهر میرفخاری با اشاره به فعالیت چندساله مجموعه تحت مدیریت خود در تولید محصولات گرمایشی و سرمایشی اظهار کرد: ما در سال‌های اخیر توانسته‌ایم بخش عمده‌ای از محصولات سرمایشی و گرمایشی را به‌صورت کامل در داخل کشور تولید کنیم. امسال نیز با معرفی نسل جدید کولرهای گازی ایستاده در ظرفیت‌های ۳۶، ۴۸ و ۶۰ هزار و پکیج‌های گرمایشی چگالشی، توانستیم سبد محصولات خود را به‌روزتر و کامل‌تر کنیم.

وی تأکید کرد که تولید ملی تنها یک شعار نیست، بلکه راهبردی برای حفظ اشتغال، کاهش وابستگی به واردات و ارتقای جایگاه صنعتی ایران در منطقه است.

از تحریم تا رقابت با کالای قاچاق

مسئول مارکتینگ شرکت ایران رادیاتور درباره چالش‌های پیش‌روی تولیدکنندگان گفت: تحریم‌ها موجب شده فرآیند واردات مواد اولیه و حتی صادرات محصولات با مشکلات متعددی روبه‌رو شود. در کنار آن، ورود کالای قاچاق یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای تولیدکنندگان داخلی است. ما در مجموعه خود با تمام تلاش می‌کنیم تا با حفظ کیفیت و کاهش قیمت، امکان رقابت واقعی با کالای قاچاق را فراهم کنیم تا مردم بتوانند کالای ایرانی را با اطمینان انتخاب کنند.

میرفخاری افزود: هماهنگی با وزارت صنعت، معدن و تجارت و همکاری نزدیک با انجمن‌های صنفی لوازم خانگی از جمله اقداماتی است که می‌تواند بخشی از این چالش‌ها را کاهش دهد.



صنعت لوازم خانگی ایران به مرحله بلوغ

رسیده است



مدیر کالای شرکت صنایع لوازم خانگی مادیران گفت: صنعت لوازم خانگی ایران امروز به سطحی از بلوغ و فناوری رسیده که توان رقابت با برندهای جهانی را دارد. بزرگترین چالش فعلی تولیدکنندگان، تأمین ارز و مقابله با قاچاق کالا است. مدیر کالای شرکت صنایع لوازم خانگی مادیران با اشاره به

نقش مهم این صنعت در اقتصاد کشور بیان کرد: صنعت لوازم خانگی پس از خودروسازی، دومین صنعت بزرگ ایران است. عمق تولید در این حوزه طی سالهای اخیر افزایش چشمگیری داشته و شرکتهای داخلی اکنون در زمینه تولید محصولات پیچیده‌ای مانند یخچال، ماشین لباسشویی، ظرفشویی، کولر گازی و تلویزیون به فناوری روز دنیا دست یافته‌اند.

الهامیان تأکید کرد: امروز در بسیاری از بخش‌ها، تولیدکنندگان ایرانی نه تنها از نظر کیفیت، بلکه از نظر فناوری و طراحی نیز قابل رقابت با برندهای بین‌المللی هستند.

نقش فناوری و ورود هوش مصنوعی

وی با اشاره به روند جهانی تحول دیجیتال گفت: ورود فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیا (IoT)، لوازم خانگی هوشمند و هوش مصنوعی (AI) مسیر صنعت لوازم خانگی را در ایران نیز تغییر داده است و دیگر دوران محصولات ساده گذشته است. امروز در مادیران و سایر شرکتهای داخلی، ما شاهد تولید محصولات هوشمند هستیم که قابلیت اتصال، کنترل از راه دور و مصرف بهینه انرژی دارند. این اتفاق یک جهش فناورانه برای صنعت ایران محسوب می‌شود.

چالش‌های تولید؛ از اعتماد مصرف‌کننده تا بحران ارز

مدیر کالای شرکت صنایع لوازم خانگی مادیران درباره چالش‌های فعلی صنعت اظهار کرد: در گذشته مشکل اصلی، بی‌اعتمادی مردم به برندهای ایرانی بود، اما خوشبختانه این مشکل برطرف شده است. امروز مردم به برندهای داخلی اعتماد دارند و به صورت گسترده محصولات ایرانی را می‌خرند. اما حالا چالش بزرگ ما، مسئله منابع ارزی است. برای بخشی از قطعات و مواد اولیه نیاز به واردات داریم و وقتی تخصیص ارز به موقع انجام نمی‌شود، روند

تولید با مشکل روبه‌رو می‌شود. الهامیان درباره فعالیت‌های صادراتی مادیران گفت: این شرکت دو برند اصلی دارد: ایکس ویژن (X.VISION) به‌عنوان برند ایرانی و تی‌سی‌ال (TCL) به‌عنوان برند بین‌المللی که مادیران نماینده رسمی آن در ایران است. در چند سال گذشته توانستیم محصولات ایکس ویژن را به کشورهای مختلف از جمله عراق صادر کنیم و اکنون در آنجا دفتر رسمی داریم. سایر شرکتهای فعال در این صنعت نیز صادرات خود را به کشورهای همسایه، حوزه خلیج فارس و حتی اروپا آغاز کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که برندهای ایرانی توانسته‌اند اعتماد بازارهای خارجی را هم جلب کنند.

داخلی‌سازی قطعات و حمایت از تولیدکنندگان داخلی

وی با اشاره به روند داخلی‌سازی در مادیران اظهار کرد: بخش زیادی از قطعات و مواد اولیه مورد نیاز در داخل کشور تولید می‌شود. ما امروز قطعاتی مثل ورق، ABS و ایزوپولی را از تولیدکنندگان داخلی تهیه می‌کنیم. کیفیت این محصولات کاملاً قابل رقابت با نمونه‌های خارجی است و ترجیح ما همیشه خرید از بازار داخلی بوده تا از رشد صنعت ملی حمایت کنیم. البته اگر تخصیص ارز برای واردات قطعات خاص به موقع انجام شود، دیگر مشکلی در روند تولید نخواهیم داشت.

قاچاق؛ تهدید جدی برای صنعت لوازم خانگی

مدیر کالای شرکت صنایع لوازم خانگی مادیران یکی از چالش‌های جدی این صنعت را پدیده قاچاق دانست و گفت که با وجود اقدامات دولت، هنوز بخش بزرگی از بازار در اختیار کالای قاچاق است.

الهامیان تصریح کرد: در بازار کولر گازی حدود ۶۰ درصد کالاها قاچاق است و در بخش ماشین لباسشویی این رقم بین ۳۰ تا ۴۰ درصد است. بیشتر این کالاها اورجینال نیستند، گرید انرژی پایینی دارند و باعث می‌شوند اعتماد مردم به برندهای واقعی خدشه‌دار شود. اگر دولت بتواند به‌طور جدی جلوی قاچاق را بگیرد، بزرگ‌ترین کمک را به تولیدکنندگان داخلی کرده است.

وی با بیان اینکه لوازم خانگی تنها یک صنعت تولیدی نیست بلکه مستقیماً با زندگی و رفاه خانوارها در ارتباط است، گفت: لوازم خانگی یک کالای اساسی است. حتی بر نرخ ازدواج و تهیه جهیزیه هم اثر دارد. به همین دلیل از مسئولان وزارت صمت و بانک مرکزی انتظار داریم با نگاه ویژه‌تری به این حوزه بنگرند. اگر مشکل تخصیص ارز حل شود، تولیدکنندگان ایرانی می‌توانند سهم بسیار بیشتری در بازار داخلی و صادراتی داشته باشند.

مدیر کالای شرکت صنایع لوازم خانگی مادیران بیان کرد: صنعت لوازم خانگی ایران امروز به سطحی از رشد و بلوغ رسیده که می‌تواند به یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد غیرنفتی کشور تبدیل شود.

الهامیان تأکید کرد: اگر دولت حمایت هدمندتری از تولیدکنندگان داشته باشد، منابع ارزی به موقع تخصیص پیدا کند و قاچاق کنترل شود، بدون شک صنعت لوازم خانگی ایران در منطقه حرف اول را خواهد زد.

زن و شوهر

فرانتس کافکا

و به نوعی رقیب است، افتاد. پس او قبل از من خودش را به اینجا رسانده بود! انگار که پزشک معالج باشد، راحت چسبیده به تخت بیمار جا خوش کرده بود. پالتوی زیبای گشاد دکمه نشده ای پوشیده و با ابهت نشسته بود. پررویی اش نظیر ندارد.

احتمالاً مرد بیمار هم که با گونه های اندک از تب سرخ دراز کشیده بود و گاهی نگاهی به او می انداخت، همین نظر را داشت. آنقدرها هم جوان نیست، پسر را می گویم، مردی به سن و سال من با ریشی پر و کوتاه و به خاطر بیماری، نامرتب. «ن» پیر، مردی بلند و چهارشانه که با شگفتی متوجه شدم از فرط ناراحتی لاغر و خمیده و پریشان شده است، هنوز همانطور که از راه رسیده بود، پالتوی پوست به تن ایستاده و به نجوا به پسرش چیزی می گفت.

زنش کوچک اندام و ظریف اما پرتحرک، - گرچه حواسش به «ن» بود و به هیچ یک از ما توجهی نداشت - سعی می کرد تا پالتوی پوست را از تن «ن» درآورد که به خاطر اختلاف قدشان با اشکال مواجه شده بود، اما

سرانجام موفق شد. شاید هم مشکل اصلی این بود که «ن» قرار نداشت و مدام با دست هایش دنبال صندلی می گشت که بالاخره پس از کندن پالتو زنش به سرعت به طرفش کشید. خود زن پالتوی پوست را برداشت و در حالی که تقریباً زیرش گم شده بود از اتاق بیرون رفت. به نظر می آمد که بالاخره نوبت من رسیده بود. به عبارت دیگر نرسیده بود و اوضاع نشان می داد که هرگز هم نمی رسید.

اگر می خواستم تلاش کنم باید درجا می کردم، چون

حس می کردم شرایط برای مذاکره ای تجاری مدام بدتر می شد؛ اهلش هم نبودم تا ابد سرچایم بنشینم، مثل آن دلال که انگار چنین قصدی داشت؛ تازه من که اصلاً خیال نداشتم ملاحظه او را بکنم. بنابراین با وجودی که متوجه شدم «ن» دلش می خواست کمی با پسرش صحبت کند، بی معطلی شروع کردم به حرف زدن. بدبختانه عادت دارم وقتی مدتی هیچان زده حرف می زنم - که اغلب اوقات پیش می آید و در اتاق آن بیمار زودتر از همیشه پیش آمد - بلند شوم و همان طور که حرف می زنم، اینور و آنور بروم. در دفتر خودم عادت بدی نیست، ولی در منزل دیگران کمی اسباب زحمت است. ولی نتوانستم جلوی خودم را بگیرم، به خصوص که

کسب و کار به طور کلی آنقدر خراب است که گاه گذاری وقتی در دفتر وقت زیاد می آورم، کیف مستوره ها را برمی دارم تا شخصاً سراغ مشتری ها بروم. از جمله مدت ها بود قصد داشتم یک بار هم سراغ «ن» بروم که قبلاً با هم رابطه تجاری مستمری داشتیم که سال پیش به دلایلی برای من نامعلوم، تقریباً قطع شد.

برای ناپایداری هایی از این دست هم حتماً نباید دلیل ملموسی وجود داشته باشد؛ در شرایط بی ثبات امروزی بیشتر وقت ها یک هیچ و پوچ یک حالت روحی کار خودش را می کند؛ بعد هم یک هیچ و پوچ، یک کلمه می تواند کل موضوع را دوباره سروسامان بدهد. اما ملاقات با «ن» کمی دست و پاگیر است، پیرمردی است این اواخر بسیار رنجور و گرچه هنوز خودش امور کسب را در دست دارد، اما، کمتر به مغازه می آید؛ برای ملاقات با او باید به منزلش رفت و آدم بدش نمی آید این نوع انجام معامله را هرچه بیشتر



عقب بیندازد. غروب دیروز اما بعد از ساعت ۷ راه افتادم؛ البته دیگر ساعت مناسبی نبود اما مسئله کار بود نه دید و بازدید. شانس آوردم. «ن» منزل بود؛ وارد که شدم گفتند تازه با زنش از قدم زدن برگشته و به اتاق پسرش رفته که ناخوش احوال و بستری بود. به من هم گفتند به آن اتاق بروم؛ اول این پا آن پا کردم اما بعد دیدم بهتر است هر چه زودتر این دیدار ناخوشایند را تمام کنم. در همان هیبتی که بودم با پالتو، کلاه و کیف مستوره ها به دست از اتاق کوچکی رد شدم و به اتاقی که در آن چند نفری در نوری مات دور هم نشسته بودند و محفلی کوچکتر درست شده بود، رفتم. لابد گریزی بود که اول نگاهم به دلایلی که خیلی خوب می شناسمش

که انگار تمامی نداشت به گوش می رسید؛ دلال به سردی وزغی در دو قدمی «ن» و روبه رویش نشسته بود و جم نمی خورد. معلوم بود مصمم است جز اینکه منتظر گذشت زمان باشد، کاری انجام ندهد. پس من، فقط من مانده بودم که باید کاری می کردم و در آن لحظه هم مشکل ترین کار را یعنی دادن خبر به زن به روشی قابل قبول به روشی که در دنیا وجود نداشت. در همین لحظه گام های تند و پرشتابش را در اتاق کناری شنیدم. زن - هنوز لباس بیرونش را به تن داشت، وقت نکرده بود تا عوض کند - لباس خوابی را که روی بخاری گرم کرده بود، آورد و می خواست تن شوهرش کند. وقتی دید ما آنقدر ساکتیم، لبخندی زد و سری تکان داد و گفت: «خوابش برده» و با معصومیتی بی نهایت همان دستی را که من با انزجار و چندی به دست گرفته بودم، گرفت و - انگار که بازی می کند - بوسید و - خدا می داند که ما سه نفر چه قیافه ای داشتیم - «ن» تکان خورد، خمیازه بلندی کشید، زن پیراهن را تنش کرد، «ن» نق های پرمحبت زنش به خاطر خسته شدن از پیاده روی بسیار طولانی را با دلخوری ساختگی گوش کرد و عجیب بود که از بی حوصلگی هم حرف زد. بعد هم به خاطر اینکه به اتاق دیگری نرود تا مبادا بین راه سردش شود، موقتاً کنار پسرش در تخت خواب دراز کشید. کنار پای پسرش سرش را روی دو بالش گذاشت که زن با عجله آورده بود. این دیگر با توجه به آنچه که گذشته بود، به نظرم عجیب نیامد.

بعد هم گفت که روزنامه عصر را بیاورند، بی توجه به مهمان ها روزنامه را به دست گرفت، اما نمی خواند. نگاهی سرسری به صفحه ها می انداخت و با تیزبینی شگفت انگیز کاسبکارانه ای کلمات ناخوشایندی در جواب پیشنهادهای ما می گفت، دست آزادش را مدام به طور تحقیرآمیزی تکان می داد و زبانش را پرسروصدا در دهن می گرداند و به رخ ما می کشید که از حرف های کاسبکارانه ما حالش به هم می خورد. دلال نتوانست جلوی خودش را بگیرد، چند کلمه نامناسب پرازد؛ حتی او هم با تمام خرفتی حس کرده بود که پس از آن اتفاق باید تعادلی به وجود بیاید که البته به روش او امکان نداشت. من دیگر به سرعت خداحافظی کردم، در واقع از دلال ممنون بودم؛ بی حضور او قادر نبودم تصمیم به رفتن بگیرم.

کنار در خانم «ن» را دیدم. درماندگی اش را که دیدم، بی اختیار گفتم که مرا کلی یاد مادرم می اندازد و وقتی حرفی نزد، اضافه کردم: «شاید دیگران باور نکنند، اما مادرم معجزه می کرد. هر چه را که ما خراب می کردیم، او درست می کرد. در همان کودکی از دستش دادم.» به عمد آرام و شمرده حرف می زدم، حدس زده بودم که گوش پیرزن سنگین بود. اما از قرار معلوم اصلاً نمی شنید. چون بی هیچ ربطی از من پرسید: «ظاهر شوهرم چی؟» بعد هم از کلماتی که برای خداحافظی گفت، فهمیدم مرا با دلال عوضی گرفته بود؛ دلم می خواست قبول کنم که در موارد دیگر آنقدر حواسش پرت نیست. بعد از پله ها پایین رفتم. پایین رفتن سخت تر از بالا رفتن بود که تازه این هم ساده نبود. وای که چه راه های بی سرانجامی هست و چه باری را باید همچنان با خود بکشیم.

سیگارم را هم همراه نداشتم. خب هر کسی عادت های بدی دارد، تازه در مقایسه با عادت های آن دلال از عادت های خودم بدم نمی آمد. مثلاً همین عادتش که هی کلاهش را که به دست گرفته و آرام تکان می دهد ناگهان و غیرمنتظره سرش می گذارد و بلافاصله انگار که اشتباه کرده باشد، برمی دارد؛ اما به هر حال لحظه ای کلاه به سر می نشیند و این کار را هم می تکرار می کند. واقعاً که چنین حرکتی اصلاً شایسته نیست. کاری به کارش ندارم، اینور و آنور می روم، حواسم کاملاً جمع حرف هایی است که می زنم و توجهی به او ندارم.

اما حتماً کسانی هستند که کلاه بازی او حواسشان را حسابی پرت می کند. البته وقتی دارم تلاش می کنم این کارشکنی ها را که نمی بینم هیچ، اصلاً هیچ کس را نمی بینم. طبیعتاً متوجه ام که چه می گذرد ولی تا وقتی که حرفم تمام نشده و یا تا وقتی که اعتراضی نشنوم، برایم اهمیتی ندارند. مثلاً متوجه شدم که «ن» اصلاً حال و حوصله گوش کردن نداشت؛ دست ها را روی دسته صندلی گذاشته بود بی حوصله اینور و آنور می شد، نگاهش به من نبود بلکه بی هدف در خلا پرسه می زد و در صورتش آنچنان بی توجهی دیده می شد که انگار کلمه ای از گفته هایم حتی حس حضور من در آنجا راهی به وجودش پیدا نمی کرد.

تمام این رفتار بیمارگونه و نومیدکننده را می دیدم، اما باز هم حرف می زدم، انگار که قصد داشتم با حرف هایم با پیشنهادهای مناسب - خودم هم از امتیازاتی که می دادم بی آن که کسی طلب کرده باشد، وحشت برم داشته بود - هر طور شده توازنی ایجاد کنم. از این هم که متوجه شدم آن دلال بالاخره کلاهش را روی پا گذاشت و دست ها را به سینه زد، احساس رضایت خاصی کرده بودم.

به نظر می رسید توضیحات من که در مواردی با توجه به حضور او بیان می شد، برنامه هایش را تا حدی به هم ریخته بود. شاید هم با آن احساس رضایتی که در من به وجود آمده بود، بی وقفه به حرف زدن ادامه داده بودم اگر که پسر که تا آن لحظه برایم اهمیتی نداشت و توجهی به او نکرده بودم دفعتهاً سر از بالش برداشته و با مشت تهدیدم نکرده و به سکوت وادارم نکرده بود. معلوم بود که می خواهد حرفی بزند، چیزی نشان بدهد اما توان کافی نداشت. اول فکر کردم دچار پریشانی ناشی از تب شده، اما وقتی بی اختیار و بلافاصله به «ن» پیر نگاهی انداختم، متوجه منظورش شدم. «ن» نشسته بود با چشم های باز یخ زده، بیرون زده و بی رمق می لرزید و به جلو خم شده بود، انگار که پس گردنش را گرفته باشند یا پس گردنی خورده باشد؛ لب پائین حتی فک زیرین با آن لثه لخت، بی اختیار آویزان بود تمام صورتش به هم ریخته بود؛ گرچه به سنگینی اما هنوز نفس می کشید. بعد هم انگار رها شده باشد روی پشتی صندلی افتاد. چشم ها را بست، ردی از تقلایی عظیم در صورتش کشیده شد و سپس تمام شد.

به سرعت به طرفش رفتم، دست سرد و بی جان آویزان را که به چندشم انداخت، گرفتم؛ نبض نمی زد. پس تمام کرده بود. خب پیر بود. خدا کند که مرگ برای ما هم آسان باشد. چند کار بود که باید می کردیم. کدامش واجب تر بود؟ در پی کمک به دور و برم نگاه کردم، ولی پسرک روانداز را روی صورتش کشیده بود و هق هقش

چشم انداز



آمار چه می‌گوید؟

شامخ کل اقتصاد در دی ماه ۴۳,۴

نتایج کلیدی

بیشترین مقدار ۳۳ ماهه از اردیبهشت ۱۴۰۲ را به ثبت رسانده است.

شامخ بخش صنعت

تعدیل فصلی نشده ۳۹,۳

• شاخص مدیران خرید صنعت ایران تعدیل شده) در دی ماه کمترین مقدار هفت ماهه خود را از خرداد ماه به ثبت رسانده است.
• شاخص مقدار تولید محصولات شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان و شاخص میزان فروش محصولات در دی ماه، کمترین مقدار هفت ماهه خود را از خرداد ماه به ثبت رسانده است.
• شاخص میزان صادرات کالا کمترین مقدار هفت ماهه خود را به ثبت رسانده است و برای پانزدهمین ماه متوالی کاهش داشته است.

• شاخص قیمت محصولات تولید شده بالاترین سطح خود را طی ۸۸ دوره از ابتدای شروع طرح در مهرماه سال ۱۳۹۷ تاکنون به ثبت رسانده است.

• شاخص انتظارات تولید در ماه آینده کمترین مقدار خود را طی ۸۸ دوره اجرای طرح تاکنون به ثبت رسانده است.

شاخص مدیران خرید کل اقتصاد

شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد از جمله شاخصهایی است که برای نشان دادن شرایط کلی سرمایه گذاری مولد و توسعه کسب و کار کشور محسوب شود زیرا که نگرش و انتظارات فعالان اقتصادی و تجاری کشور در شرایط موجود و آینده در این شاخص نمایان می شود. بر اساس آخرین نظرسنجی میدانی مرکز پژوهشهای اتاق ایران در دی ماه ۱۴۰۴ تداوم رکود تورمی در اقتصاد بر اساس شاخص مدیران خرید کل اقتصاد ایران پس از تعدیل فصلی است. مقدار این شاخص برای دی ماه برابر با ۴۳,۴ برآورد شده و نسبت به ماه قبل آن با شدت بیشتری کاهش داشته است به طوری که کمترین میزان ۷ ماهه خود از خرداد پس از جنگ ۱۲ روزه و دومین کمترین مقدار از آبان ماه سال ۱۳۹۹ را به ثبت رسانده است. روند شاخص طی سه ماهه قبل آن نشان از بهبود نسبی روند حرکتی این شاخص بوده است که در دی ماه این روند را برعکس نموده است و حاکی از آن است که وضعیت کل کسب و کارهای کشور در این ماه برای بیست و دومین ماه متوالی، روندی رکودی و کاهشی داشته است. افت همزمان هر پنج مؤلفه اصلی تشکیل دهنده شامخ کل اقتصاد شامل میزان تولید محصول با ارائه خدمت میزان سفارشات جدید مشتریان سرعت انجام و تحویل سفارش موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده و میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی است که روندی نزولی نشان می دهد.

شاخص مقدار تولید محصول یا ارائه خدمات در دی ماه معادل ۴۴,۳ محاسبه شده است که با شدت بیشتری نسبت به ماه قبل کاهش داشته است و کمترین مقدار ۵ ماهه خود را به ثبت رسانده است و برای بیست و دومین ماه متوالی کمتر از محدوده ی خنثی (۵۰) باقی مانده است. در این ماه جهش شدید نرخ ارز و مشکل در تأمین نهاده ها به همراه تداوم محدودیت منابع مالی از مهمترین عوامل افت فعالیت کسب و کارها بوده است.

• شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد و بخش صنعت کشور در دی ماه سال جاری روندی کاهشی دارند و وضعیت رکودی را با شدت زیاد نشان می دهند.

• شاخص مقدار تولید محصولات بخش صنعت در دی ماه کمترین مقدار هفت ماهه خود را به ثبت رسانده است و دهمین کاهش خود را طی یکسال گذشته ثبت کرده است.

• شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در دی ماه کمترین مقدار ۷ ماهه خود را از فروردین ماه سال ۱۳۹۹ به ثبت رسانده است و رکود تورمی وارد شرایط بحرانی تر شده است.

• شاخص قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده به بالاترین سطح خود در ۴۴ ماهه اخیر از خرداد ماه سال ۱۴۰۱ رسیده است.

• مطابق انتظار با انتقال تورم مواد اولیه به بخش تولید شاخص قیمت محصولات تولید شده بالاترین سطح خود را از ابتدای شروع طرح در مهرماه سال ۱۳۹۷ تاکنون به ثبت رسانده است.

• شاخص میزان فروش محصولات نیز در دی ماه کمترین مقدار هفت ماهه خود را به ثبت رسانده است که ناشی از کاهش در صادرات و سفارشات داخلی است.

• شاخص انتظارات تولید در ماه آینده در دی ماه در بخش صنعت کمترین میزان خود را طی ۸۸ دوره اجرای طرح تاکنون به ثبت رسانده است. که نشان دهنده افزایش انتظارات بدبینانه بخش تولید در ماه های پیش رو است.

• بی ثباتی در حوزه اقتصادی و محدودیت تأمین منابع مالی و ارزی مشکلات واحدهای اقتصادی و تجاری را تشدید نموده است و این موضوع از نگاه مدیران و کارآفرینان در ماه اخیر محرز شده است. تأمین سرمایه در گردش میتواند بخشی از مشکلات را مرتفع نموده و نادیده انگاشتن سایر موارد ائتلاف منابع محسوب شود.

شامخ کل اقتصاد

تعدیل فصلی نشده: ۳۹,۴

تعدیل فصلی شده: ۴۳,۴

• شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در دی ماه برابر با ۴۳,۴ برآورد شده و کمترین میزان ۷ ماهه خود را از خرداد ماه به ثبت رسانده است و حاکی از آن است که وضعیت کل کسب و کارهای کشور در این ماه برای بیست و دومین ماه متوالی روندی رکودی و کاهشی داشته است.

• شاخص مقدار تولید محصول یا ارائه خدمات در دی ماه کمترین مقدار ۵ ماهه خود را به ثبت رسانده است و برای بیست و دومین ماه متوالی کمتر از محدوده ی خنثی (۵۰) باقی مانده است.

• شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در دی ماه کمترین مقدار ۷ ماهه خود را از فروردین ماه سال ۱۳۹۹ به ثبت رسانده است.

• شاخص میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی کمترین مقدار ۳ ماهه خود را به ثبت رسانده است و برای هشتمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی (۵۰) قرار گرفته است.

• شاخص قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده به بالاترین سطح خود در ۴۴ ماهه اخیر از خردادماه سال ۱۴۰۱ رسیده است.
• شاخص قیمت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده

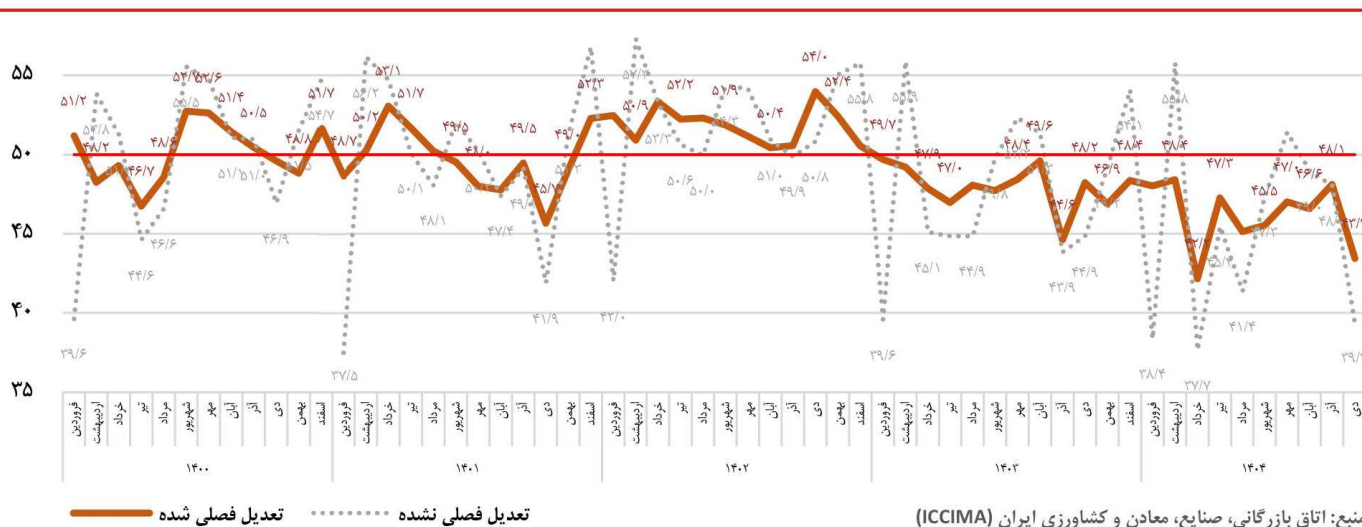
ای و نقدینگی محدود علی رغم تقاضای محدود مشتریان شرکت ها برای جبران جهش قیمت نهاده ها قیمت فروش را افزایش داده اند بطوری که شاخص قیمت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده بیشترین مقدار ۳۳ ماهه از اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ را به ثبت رسانده است.

در بخش تجارت خارجی نیز شاخص میزان صادرات کالا و خدمات به عنوان عاملی تأثیرگذار در شاخص سفارشات جدید مشتریان در دی ماه همچنان برای پانزدهمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی بوده است و کمترین مقدار هشت ماهه خود را به ثبت رسانده است. قطعی اینترنت در نیمه دوم دی ماه مشکلات بسیاری در کسب و کارهایی که تجارت خارجی داشته اند ایجاد کرده است. بر همین اساس شاخص میزان فروش کالاها یا خدمات کمترین میزان هفت ماهه خود را به ثبت رسانده است. علاوه بر کاهش شدید قدرت خرید و تقاضای ضعیف مشتریان داخلی اختلال در صادرات و ارتباط با مشتریان خارجی به دلیل قطعی اینترنت و همچنین با اطمینانهای موجود، باعث کاهش بیشتر در فروش شده است. شاخص انتظارات در مورد میزان فعالیتهای اقتصادی در ماه آینده در دی ماه کمترین میزان سه ماهه خود را به ثبت رسانده است و در مقایسه بادی ما در سالهای گذشته علی رغم نزدیک شدن به پایان سال و انتظارات مثبت طبق روال سالهای گذشته در افزایش فعالیتها) کمترین مقدار خود را به ثبت رسانده است. به دنبال افزایش شدید نرخ ارز و بی ثباتی قیمت ها در شرایطی که نقدینگی شرکت ها بسیار محدود است و رکود تورمی در فضای کسب و کار شدت گرفته است بسیاری از کسب و کارها با شرایط بحرانی و احتمال تعطیلی روبرو هستند که در نتیجه انتظارات بدبینانه را افزایش داده است که نیازمند تدابیر جدید از سوی دولت است.

شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در دی ماه معادل ۳۶٫۵ محاسبه شده است. این شاخص با نرخ کاهش شدیدی نسبت به ماه قبل روبرو شده است به طوری که کمترین مقدار ۷۰ ماهه خود از فروردین ماه سال (۱۳۹۹) را به ثبت رسانده است. در این شرایط تداوم افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مشتریان نااطمینانی اقتصادی و بی ثباتی نرخ ارز سمت تقاضا را در سطوح بسیار ضعیف تر خود وارد کرده است. و رکود تورمی وارد شرایط بحرانی تر شده است.

شاخص میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی کمترین مقدار ۳ ماهه خود را به ثبت رسانده است و برای هشتمین ماه متوالی کمتر از محدوده خنثی (۵۰) قرار گرفته است. در شرایطی که بنگاه ها به دلیل جهش قیمتها و تقاضای ضعیف به شدت با کمبود نقدینگی روبرو هستند از طریق تعدیل نیروی انسانی سعی در کاهش هزینه ها داشته اند و با توجه به شرایط کنونی پیش بینی می شود این وضعیت طی ماه های آتی بدتر نیز خواهد شد. شاخص موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده در دی ماه نرخ کاهش بیشتری نسبت به ماه قبل داشته و برای چهاردهمین ماه متوالی از آذر ماه سال (۱۴۰۳) کاهش داشته است تداوم کاهش در موجودی نهاده ها طی ماههای متوالی به دلایلی از جمله افزایش قیمت ها انحصار و کمبود نقدینگی شرکتها باعث تعمیق بحران زنجیره تأمین مواد اولیه شده است. در همین حال بنگاه هایی که دریافت کننده ارز برای تأمین مواد اولیه بوده اند (علی رغم وعده مبنی بر تک نرخ شدن ارز برای بازپرداخت ارز تخصیص داده شده در مدت زمان کوتاهی با جهش ناگهانی قیمت ها روبرو شده اند که باعث شده تا در بازپرداخت تعهدات خود با مشکل روبرو شوند. به دنبال جهش نرخ ارز شاخص قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده به بالاترین سطح خود در ۴۴ ماهه اخیر از خرداد ماه سال

نمودار ۱: شاخص مدیران خرید (سامخ) کل اقتصاد



منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (ICCIMA)

۱۴۰۱ رسیده است. در چنین شرایطی با توجه به فشار زیاد هزینه

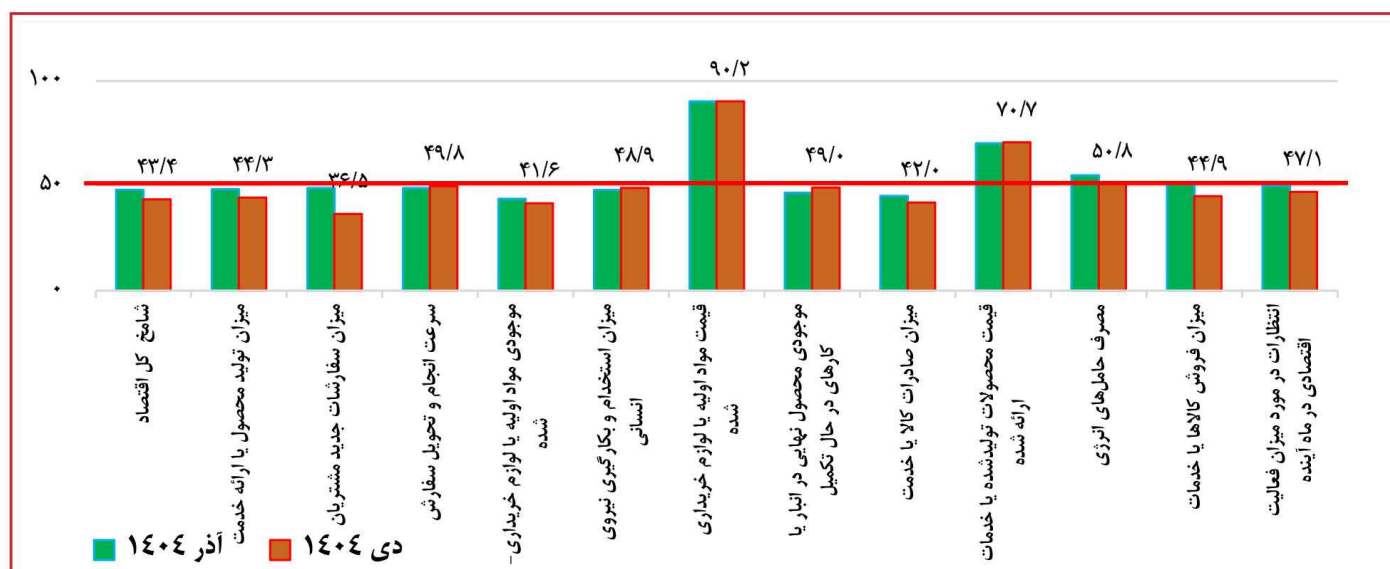
جدول ۱: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در دو ماه منتهی به دی ۱۴۰۴

تعدیل فصلی شده		تعدیل فصلی نشده		شاخص
دی ۱۴۰۴	آذر ۱۴۰۴	دی ۱۴۰۴	آذر ۱۴۰۴	
۴۳/۴	۴۸/۱	۳۹/۴	۴۸/۰	شامخ کل اقتصاد
۴۴/۳	۴۸/۴	۳۷/۶	۴۷/۵	میزان تولید محصول یا ارائه خدمت
۳۶/۵	۴۸/۹	۳۳/۱	۵۱/۸	میزان سفارشات جدید مشتریان
۴۹/۸	۴۹/۰	۴۷/۶	۴۶/۸	سرعت انجام و تحویل سفارش
۴۱/۶	۴۳/۸	۳۷/۷	۴۱/۵	موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری شده
۴۸/۹	۴۸/۰	۴۵/۹	۴۷/۴	میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی
۹۰/۲	۹۰/۱	۹۰/۲	۹۰/۱	قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری شده
۴۹/۰	۴۶/۷	۴۸/۱	۴۴/۴	موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل
۴۲/۰	۴۵/۱	۳۹/۹	۴۳/۶	میزان صادرات کالا یا خدمات
۷۰/۷	۷۰/۳	۷۰/۷	۷۰/۳	قیمت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده
۵۰/۸	۵۵/۰	۵۷/۶	۶۲/۷	مصرف حامل‌های انرژی
۴۴/۹	۵۱/۲	۳۹/۸	۵۱/۹	میزان فروش کالاها یا خدمات
۴۷/۱	۵۰/۱	۴۸/۴	۴۶/۶	انتظارات در مورد میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده

مولفه‌های اصلی

مولفه‌های کمکی

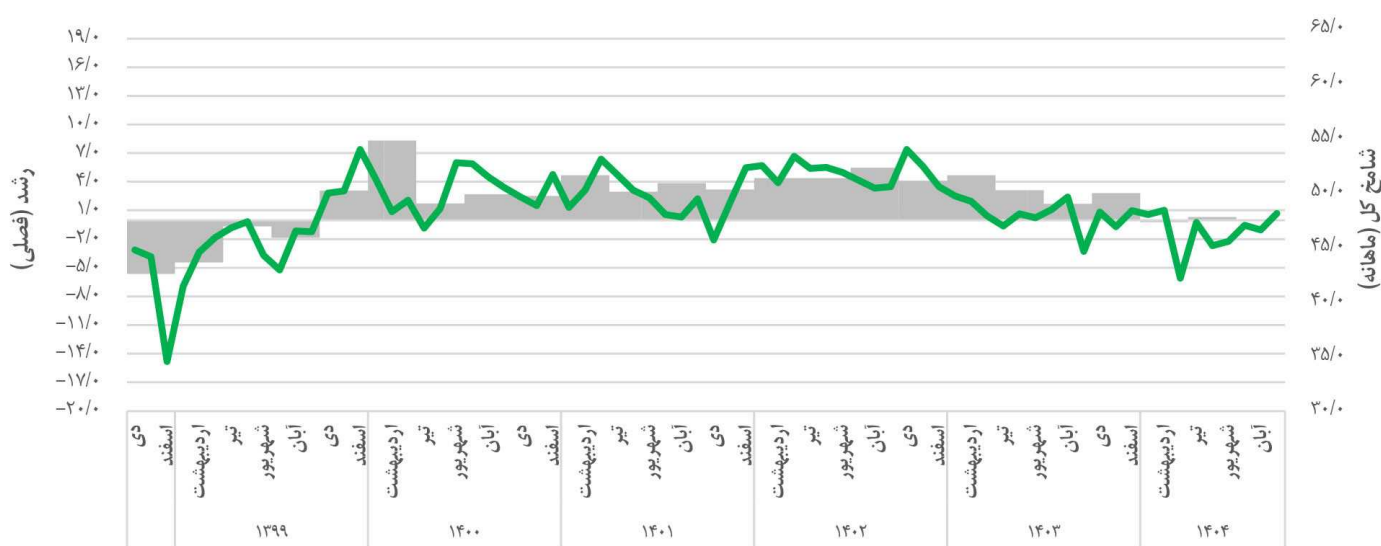
نمودار ۲: شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در دو ماه منتهی به دی ۱۴۰۴، تعدیل فصلی شده



انطباق شاخص مدیران خرید کل اقتصاد با تغییرات تولید اقتصاد

شاخص مدیران خرید کل اقتصاد با تغییرات تولید اقتصاد در ایران طی سالهای اخیر انطباق نسبی دارد. رشد و پایش شاخص مدیران خرید کل اقتصاد و انطباق آن با سایر شاخصها و آمارهای رسمی کشور با هدف ارزیابی صحت سنجی آن با واقعیت های داده های واقعی کشور است. در این میان انطباق شامخ با شاخص رشد اقتصادی کشور به عنوان تغییرات تولید و تغییرات کسب و کار، مهم و قابل توجه است. به دلیل محدودیت آمارهای رسمی در تولید داده ماهانه توسط مرکز آمار ایران و بانک مرکزی ایران از محصول تولید ناخالص داخلی فصلی این دو نهاد آماری استفاده شده است. نکته قابل توجه همراستایی نسبی روند فصلی شامخ کل اقتصاد با روند رشد محصول ناخالص داخلی (مرکز آمار ایران و روند رشد تولید ناخالص داخلی بانک مرکزی ایران طی فصلهای مربوطه در سالهای اخیر است و این روند در آمارهای مرکز آمار ایران بیشتر محسوس است. بنابراین این هم راستایی میتواند برای سیاست گذاری و تصمیم گیری های اقتصادی کشور کمک موثری نماید.

نمودار ۳: روند شامخ کل اقتصاد با رشد محصول ناخالص داخلی (مرکز آمار ایران) طی سالهای اخیر



شاخص کل - تعدیل فصلی شده (خط سبز) / رشد محصول ناخالص داخلی (به قیمت پایه) - مرکز آمار ایران (مناطق خاکستری)

ماه به دلیل کمبود مواد اولیه جهش نرخ ارز و کمبود نقدینگی بسیاری از صنایع کمتر از ۵ه ثبت شده اند. این شاخص دهمین کاهش خود را طی یکسال گذشته ثبت کرده است. شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان در دی ماه کاهش قابل توجهی داشته و کمترین میزان هفت ماهه خود از خرداد ماه و جنگ ۱۲ روزه و دومین کمترین مقدار از فروردین ماه سال ۱۳۹۹ پس از کرونا را ثبت کرده است. در بخش تقاضای خارجی نیز شاخص میزان صادرات کالا کمترین مقدار هفت ماهه خود را به ثبت رسانده است. این شاخص که برای پانزدهمین ماه متوالی کاهش داشته است با قطعی اینترنت در نیمه دوم دی ماه به دلیل قطع ارتباط با مشتریان خارجی با کاهش بیشتری همراه بوده است. در دی ماه شاخص میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی همچنان در روند نزولی طولانی مدت قرار دارد و برای پانزدهمین ماه متوالی از آبان ماه سال (۱۴۰۳) کاهشی است. اما در حالی که شرکتها با تقاضای ضعیف مشتریان و محدودیت منابع مالی روبرو هستند. افزایش نرخ ارز باعث افزایش هزینه ها و کمبود مواد اولیه و کاهش تولید شده است در نتیجه شرکتها در تامین مالی

شاخص مدیران خرید بخش صنعت

شاخص مدیران خرید بخش صنایع کارخانه ای و تولیدی کشور نمایی بهتر و بارزتر برای سنجش وضعیت کسب و کار و روند تغییرات تولید و فروش است. بر اساس داده های حاصل از نظر سنجی میدانی به دست آمده از بنگاههای بخش صنعت شاخص مدیران خرید صنعت ایران (تعدیل شده) در دی ماه کمترین مقدار هفت ماهه خود را از زمان جنگ ۱۲ روزه در خرداد ماه و دومین کمترین مقدار از فروردین ۱۳۹۹ پس از کرونا به ثبت رسانده است که نگرانی از تعطیلی در صنعت را افزایش داده است. در این ماه کاهش در همه صنایع به غیر از صنایع چوب کاغذ و مبلمان و صنایع کانی غیر فلزی رخ داده است. قابل ذکر است در این ماه کاهش مقدار شاخص صنعت تحت تأثیر کاهش در هر پنج مؤلفه اصلی خود مقدار تولید محصولات میزان سفارشات جدید سرعت انجام و تحویل سفارش موجودی مواد اولیه خریداری شده، میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی قرار گرفته است. شاخص مقدار تولید محصولات بخش صنعت در دی ماه کمترین مقدار هفت ماهه خود را از خرداد ماه به ثبت رسانده است. در دی

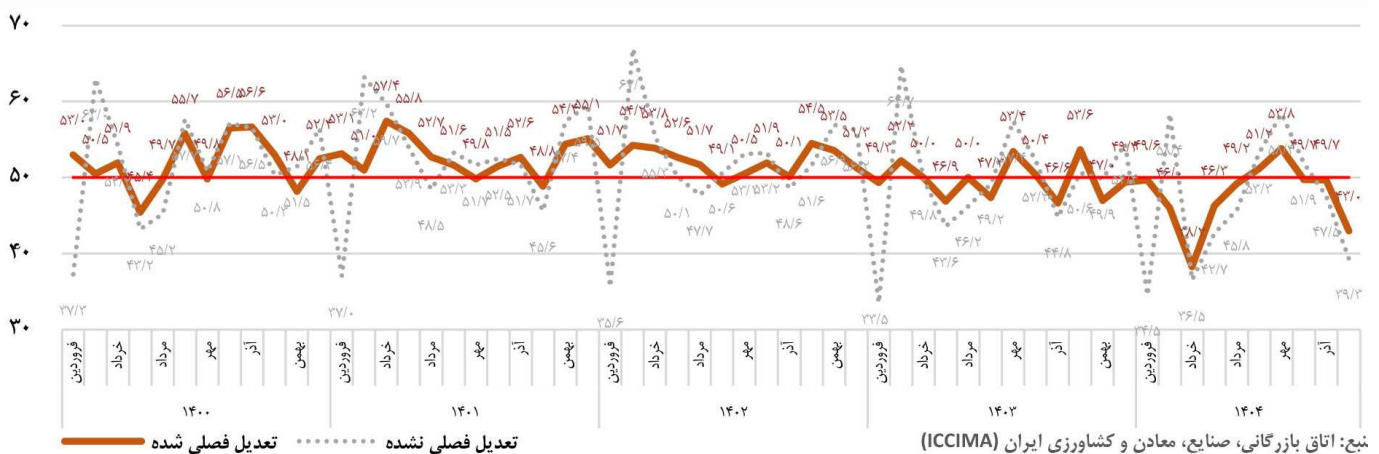
طوری که قیمت فروش محصولات بالاترین سطح خود را طی ۸۸ دوره از ابتدای شروع طرح در مهرماه سال ۱۳۹۷ تاکنون را به ثبت رسانده است. آخرین گزارش مرکز آمار ایران نیز از شاخص قیمت مصرف کننده موید همین افزایش بی سابقه در قیمت ها است. این شاخص در دی ماه سال جاری به عدد ۴۶۹,۴ رسیده است که نسبت به ماه قبل ۷,۹ درصد افزایش داشته است.

در شرایطی که شرکتها با کاهش تقاضای داخلی روبرو بوده اند در بخش فروش خارجی نیز به دلیل قطعی اینترنت در دی ماه و تداوم مشکلات رفع تعهد ارزی ریسکها و بی ثباتی بازار کاهش قابل توجهی در میزان صادرات داشته اند شاخص میزان فروش محصولات نیز در دی ماه کمترین مقدار هفت ماهه خود را به ثبت رسانده است.

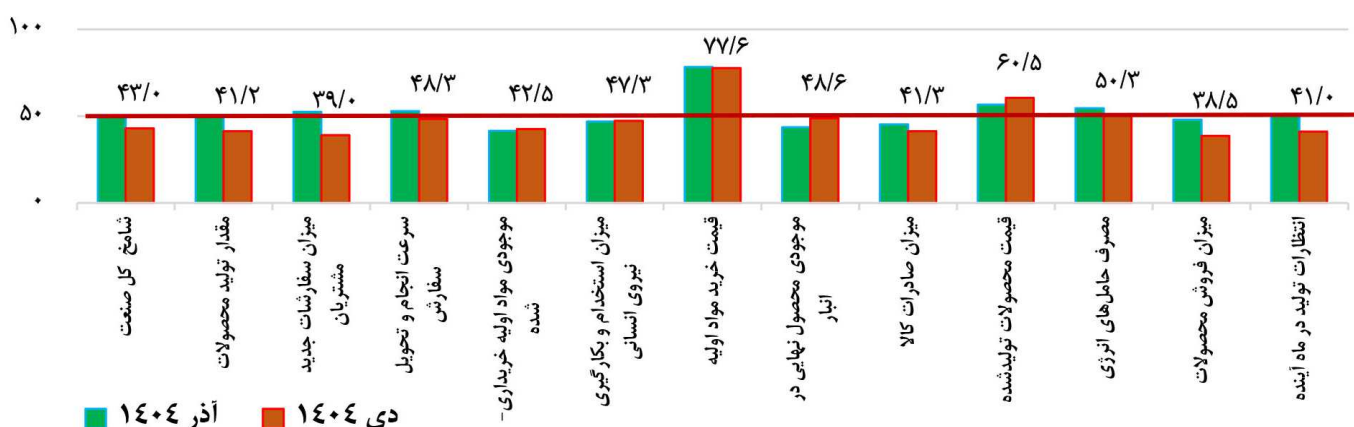
شاخص انتظارات تولید در ماه آینده در بخش صنعت نشان دهنده افزایش انتظارات بدبینانه بخش تولید به ماههای پیش رو است. به طوری که این شاخص کمترین میزان خود را طی ۸۸ دوره اجرای طرح را به ثبت رسانده است و همه صنایع به جز صنایع نساجی و کانی غیر فلزی شرایط را برای ماه آینده بدتر پیش بینی کرده اند.

نیروی انسانی به شدت با کمبود نقدینگی مواجه هستند. شاخص موجودی مواد اولیه خریداری شده در دی ماه همچنان با شدت زیادی کاهش یافته است در شرایطی که نرخ ارز با بی ثباتی و افزایش شدید روبرو بوده است و شرکتها که به دلیل تقاضای ضعیف مشتریان و افزایش قیمتها با نقدینگی بسیار محدود روبرو هستند. در زنجیره تأمین مواد اولیه با چالشهای زیادی روبرو شده اند. تأمین مواد اولیه در بسیاری از کالاها انحصاری شده و بسیاری از تولید کنندگان به دلیل جهش ناگهانی نرخ ارز در بازپرداخت ارز تخصیصی با بحران منابع مالی و تأمین هزینه ها روبرو هستند. در همین حال نتایج در دی ماه نشان میدهد افزایش شدید نرخ ارز طی ماههای اخیر به خصوص در ماه های آذرودی باعث افزایش شدید شاخص قیمت خرید مواد اولیه شده است و این افزایش قیمتها باعث اختلال در زنجیره تأمین مواد اولیه شده است. همانطور که در ماه گذشته پیش بینی شده بود این افزایش قیمت با اندکی وقفه بر قیمت محصولات تولیدی تأثیر گذاشته است و تولید کنندگان برای جبران بخشی از هزینه های تولید ناچار به افزایش شاخص قیمت محصولات تولید شده شده اند به

نمودار ۴: شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت



نمودار ۵: شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت در دو ماه منتهی به دی ۱۴۰۴، تعدیل فصلی شده



جدول ۲: شاخص مدیران خرید (شامخ) بخش صنعت در دو ماه منتهی به دی ۱۴۰۴

تعدیل فصلی شده		تعدیل فصلی نشده		شاخص
دی ۱۴۰۴	آذر ۱۴۰۴	دی ۱۴۰۴	آذر ۱۴۰۴	
۴۳/۰	۴۹/۷	۳۹/۳	۴۷/۵	شامخ کل صنعت
۴۱/۲	۵۰/۱	۳۶/۵	۴۸/۸	مقدار تولید محصولات
۳۹/۰	۵۲/۴	۳۴/۴	۵۰/۶	میزان سفارشات جدید مشتریان
۴۸/۳	۵۲/۸	۴۶/۰	۵۱/۷	سرعت انجام و تحویل سفارش
۴۲/۵	۴۱/۴	۳۹/۲	۳۵/۳	موجودی مواد اولیه خریداری شده
۴۷/۳	۴۶/۸	۴۵/۳	۴۴/۳	میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی
۷۷/۶	۷۸/۳	۹۰/۸	۹۱/۱	قیمت خرید مواد اولیه
۴۸/۶	۴۳/۵	۴۹/۲	۴۴/۵	موجودی محصول نهایی در انبار
۴۱/۳	۴۵/۲	۳۹/۸	۴۴/۷	میزان صادرات کالا
۶۰/۵	۵۶/۶	۷۶/۰	۶۸/۴	قیمت محصولات تولید شده
۵۰/۳	۵۴/۵	۵۱/۶	۵۸/۳	مصرف حامل‌های انرژی
۳۸/۵	۴۷/۹	۳۳/۴	۴۶/۴	میزان فروش محصولات
۴۱/۰	۵۰/۴	۴۲/۰	۴۷/۸	انتظارات تولید در ماه آینده

مولفه‌های اصلی

مولفه‌های کمکی

• به دلیل قطعی اینترنت و به تبع آن اختلال در ارتباط و مکاتبات خارجی امکان برقراری ارتباط برای خرید مواد اولیه و ثبت سفارش خارجی و مشتریان برای صادرات وجود نداشت و با تداوم بحرانها طی ماهها احتمال تعطیلی برای بسیاری از بنگاه‌ها وجود دارد. شرکت‌هایی که مرادوات خارجی داشته‌اند در واردات مواد اولیه یا صادرات بیشتر تحت تأثیر شوک قطعی اینترنت بوده‌اند.

• کمبود و افزایش شدید قیمت مواد اولیه و نهاده‌های تولید به دلیل افزایش قیمت‌ها و اختلال در زنجیره تأمین مواد اولیه شرکت‌ها فقط با اندک مواد اولیه باقی مانده تولید را سرپا نگه داشته‌اند. بنابراین با توجه به کمبود مواد اولیه در بازار طی ماههای آتی تعدیل نیرو سنگین خواهد بود. تأمین سرمایه در گردش میتواند بخشی از مشکلات را مرتفع نماید و در نبود سایر سازوکارها ممکن است این میزان تأمین سرمایه در گردش و نادیده انگاشتن سایر موارد اتلاف منابع محسوب شود.

• عرضه مواد اولیه در بسیاری از کالاها به صورت انحصاری و مافیایی در بازار انجام میشود و موانعی از سوی وزارت صمت و گمرک در ثبت سفارش برای واردات مواد اولیه وجود دارد.

• ارز تک نرخی برای شرکتهای صادراتی شرایط بهتری را بوجود آورده بود که به خصوص در بلند مدت تأثیرات خودش را نشان میداد، اما نوسان شدید و دو نرخی شدن مجدد نرخ ارز شرایط را برای کسب و کارها مبهم و غیر قابل برنامه ریزی میکند. بر همین اساس شرکت‌هایی که تخصیص ارز داشتند و با نرخ پایین تری خریداری کرده‌اند با جهش چندباره ارز با شرایط غیر قابل پیش بینی مواجه شده‌اند

انطباق شاخص مدیران خرید صنعت با تغییرات تولید صنعتی

در کنار انطباق شاخص مدیران خرید کل اقتصاد با هدف ارزیابی صحت سنجی آن با واقعیت‌های داده‌های رسمی و واقعی کشور، تطبیق روند شاخص مدیران خرید صنعت با تغییرات تولید صنعتی نیز مهم است. در این میان انطباق شامخ با رشد ارزش افزوده بخش صنعت کشور به عنوان تغییرات تولید صنعت و تغییرات کسب و کار حوزه صنایع کارخانه‌ای قابل توجه است. به دلیل محدودیت آمارهای رسمی در تولید داده ماهانه مرکز آمار ایران و بانک مرکزی ایران از آمار ارزش افزوده بخش صنعت قیمت ثابت بانک مرکزی ایران استفاده شده است. همان‌طور که ملاحظه میشود روند شامخ صنعت کشور به‌طور نسبی هم راستا با روند رشد ارزش افزوده بخش صنعت بانک مرکزی ایران طی فصل‌های مربوطه در سالهای اخیر است. این موضوع در سیاست‌گذاری کشور به خصوص در حوزه‌های شاخصهای پیشرو میتواند کمک اساسی نماید.

چالش‌ها و رهیافتهای دید برخی از فعالان اقتصادی در دی ۱۴۰۴

• نوسانات شدید و بی‌ثباتی نرخ ارز: به دلیل نوسانات شدید افزایشی نرخ ارز و شرایط قیمتی بی‌ثبات عملاً برنامه ریزی برای خرید نهاده‌های مورد نیاز به بحران جدی تبدیل شده است و اعتبار بین‌المللی شرکتهایی که سالها با شرکتهای خارجی تجارت داشته‌اند، لطمه خورده است و نیازمند تدابیر جدید و موثر است.

جدول ۳: شاخص مدیران خرید (شامخ) زیربخش‌های صنعت، تعدیل فصلی نشده، دی ۱۴۰۴

شاخص	صنایع غذایی	صنایع نساجی	پوشاک و چرم	چوب، کاغذ و میلمان	صنایع فراورده‌های نفت و گاز	صنایع شیمیایی	صنایع لاستیک و پلاستیک	صنایع کانی غیر فلزی	صنایع فلزی	ماشین‌سازی و لوازم خانگی	وسایل نقلیه و قطعات وابسته	سایر صنایع
شامخ کل فعالیت	۳۵/۴	۴۲/۷	۲۳/۵	۵۴/۸	۴۳/۸	۳۲/۷	۳۸/۵	۵۲/۱	۳۴/۷	۳۵/۷	۴۹/۰	۳۵/۴
مقدار تولید محصولات	۳۰/۴	۵۳/۶	۱۷/۶	۶۴/۳	۴۳/۳	۲۵/۶	۳۳/۳	۴۱/۷	۳۳/۳	۳۵/۳	۴۶/۶	۲۵/۰
میزان سفارشات جدید	۲۵/۰	۳۹/۳	۱۴/۷	۴۶/۴	۴۰/۰	۲۷/۹	۲۹/۲	۵۴/۲	۲۸/۲	۳۲/۴	۵۳/۴	۴۱/۷
سرعت انجام و تحویل سفارش	۵۰/۰	۴۲/۹	۲۹/۴	۶۰/۷	۵۳/۳	۴۵/۳	۴۵/۸	۵۸/۳	۴۱/۰	۲۶/۵	۵۰/۰	۳۳/۳
موجودی مواد اولیه	۴۲/۹	۲۵/۰	۲۰/۶	۶۴/۳	۳۶/۷	۳۰/۲	۴۵/۸	۵۰/۰	۳۵/۹	۳۲/۴	۳۷/۹	۳۳/۳
میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۴۲/۹	۴۲/۹	۴۱/۲	۴۶/۴	۴۶/۷	۴۰/۷	۵۰/۰	۵۸/۳	۴۱/۰	۵۰/۰	۵۰/۰	۴۱/۷
قیمت خرید مواد اولیه	۸۹/۳	۱۰۰/۰	۹۴/۱	۹۶/۴	۹۰/۰	۹۰/۷	۸۳/۳	۸۷/۵	۹۱/۰	۹۴/۱	۸۹/۷	۷۵/۰
موجودی محصول (انبار)	۴۶/۴	۶۷/۹	۵۰/۰	۵۰/۰	۴۶/۷	۴۷/۷	۵۰/۰	۵۰/۰	۴۸/۷	۵۲/۹	۴۱/۴	۵۰/۰
میزان صادرات کالا	۴۱/۱	۳۲/۱	۳۲/۴	۵۰/۰	۳۰/۰	۳۴/۹	۳۳/۳	۴۱/۷	۳۹/۷	۴۱/۲	۴۴/۸	۴۱/۷
قیمت محصولات تولیدشده	۸۳/۹	۸۹/۳	۸۵/۳	۸۲/۱	۸۶/۷	۷۳/۳	۸۷/۵	۷۰/۸	۶۹/۲	۷۶/۵	۶۹/۰	۵۰/۰
مصرف حامل‌های انرژی	۴۸/۲	۵۷/۱	۴۴/۱	۶۰/۷	۵۶/۷	۴۵/۳	۵۰/۰	۵۴/۲	۴۶/۲	۵۸/۸	۵۸/۶	۷۵/۰
میزان فروش محصولات	۲۵/۰	۳۵/۷	۱۴/۷	۵۷/۱	۴۰/۰	۲۴/۴	۲۹/۲	۶۲/۵	۲۴/۴	۲۶/۵	۳۹/۷	۵۰/۰
انتظارات تولید در ماه آینده	۳۵/۷	۵۰/۰	۲۹/۴	۴۲/۹	۴۰/۰	۴۵/۳	۴۵/۸	۵۸/۳	۳۴/۶	۳۸/۲	۵۱/۷	۴۱/۷

ای و کاهش شدید اعتماد کسب و کارها مشخص میشود. شاخص مدیران خرید کل اقتصاد به ۴۳.۴ و شاخص مدیران خرید صنعت به رقم ۴۳۰ کاهش یافته است در حالی که سفارشات جدید مشتریان به ۳۶.۵ کاهش یافته که پایین ترین سطح آن در ۷ ماه گذشته است و نشان دهنده کاهش تقاضای داخلی در بحبوحه تورم بالا کاهش ارزش پول و افزایش عدم قطعیت اقتصادی است. سطح تولید (۴۴.۳) و اشتغال همچنان در حال کاهش است و تأیید میکند که رکود اکنون در سراسر بخش‌ها ریشه دوانده است. کاهش شدید ارزش ریال همراه با تورم مداوم بالا، قدرت خرید خانوارها را به سطوح بحرانی رسانده مصرف را سرکوب کرده و نارضایتی عمومی را تشدید کرده است و قیام نیمه دوم دی ماه و اعتراضات اصناف و بازاریان منعکس کننده این فشارها هستند، در حالی که اختلال بعدی در دسترسی به اینترنت با قطع ارتباطات کسب و کارها تاخیر در پرداختها ثبت سفارشان و تضعیف فرآیند

و بازپرداخت ارز تخصیصی را با قیمتهای جهش یافته بایستی انجام دهند که با توجه به شرایط کنونی متضرر خواهند شد. • بی ثباتی، مقررات خلق الساعه و فرسایش اعتماد فعالان اقتصادی مدتها بی ثباتی و ارائه قوانین خلق الساعه پی در پی و به دنبال آن تداوم بی ثباتی و رکود تورمی باعث شده حتی شرکتهایی که سالها بدون دریافت تسهیلات و با تلاش کارخانه خود را سرپا نگه داشته بودند اینک برای تامین هزینه های جاری خود و حتی پرداخت حقوق و دستمزد نیز با کمبود نقدینگی مواجه باشند و آنها را در آستانه ورشکستگی قرار داده است که به تعطیلی ناخواسته واحدهای تولیدی منجر خواهد شد.

جمع بندی کلی

داده های شاخص مدیران خرید در دی ماه ۱۴۰۴ نشان میدهد که اقتصاد ایران به مرحله شدیدتر و ناپایداری از رکود تورمی وارد شده است که با کاهش شدید تقاضا افزایش فشارهای هزینه

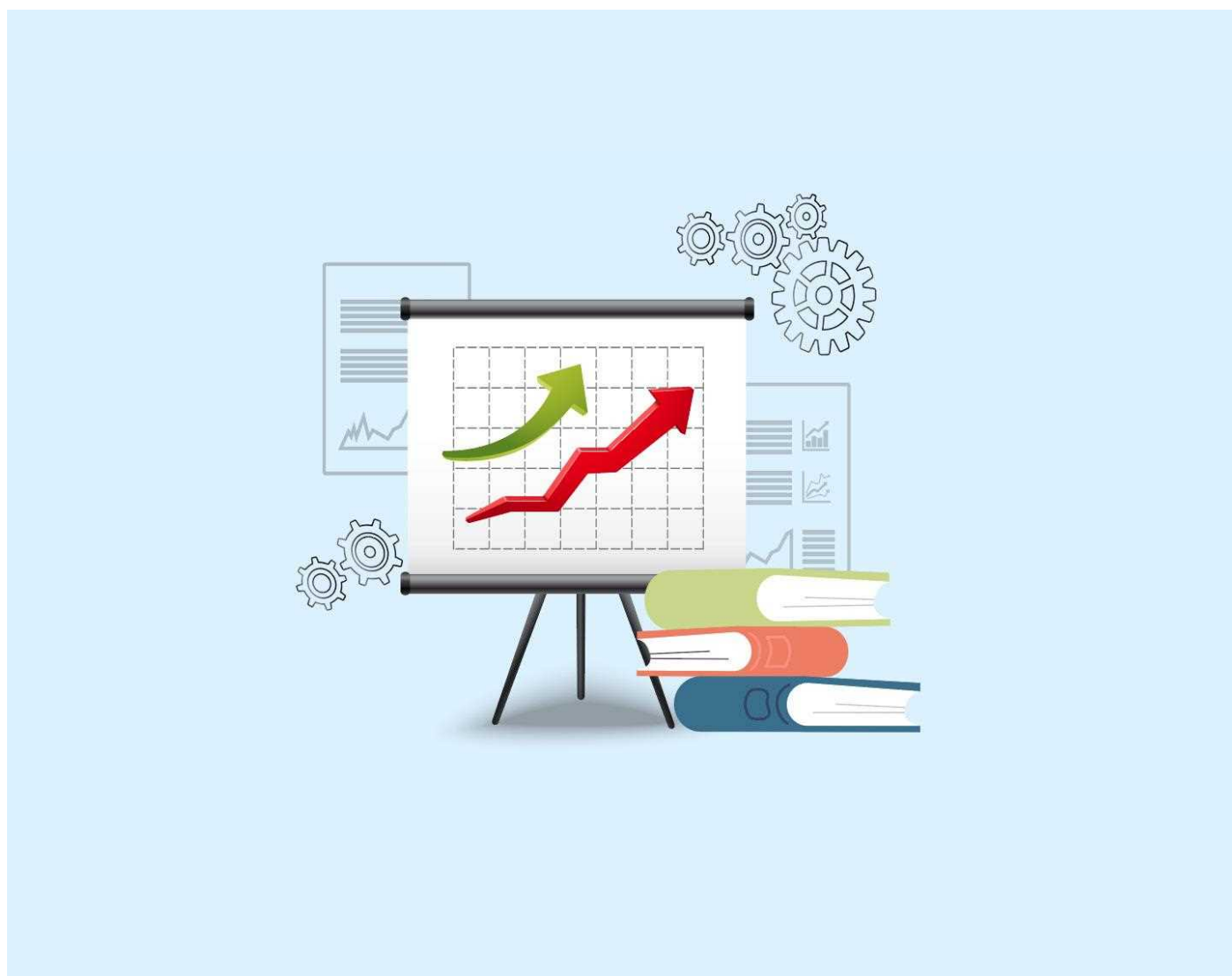
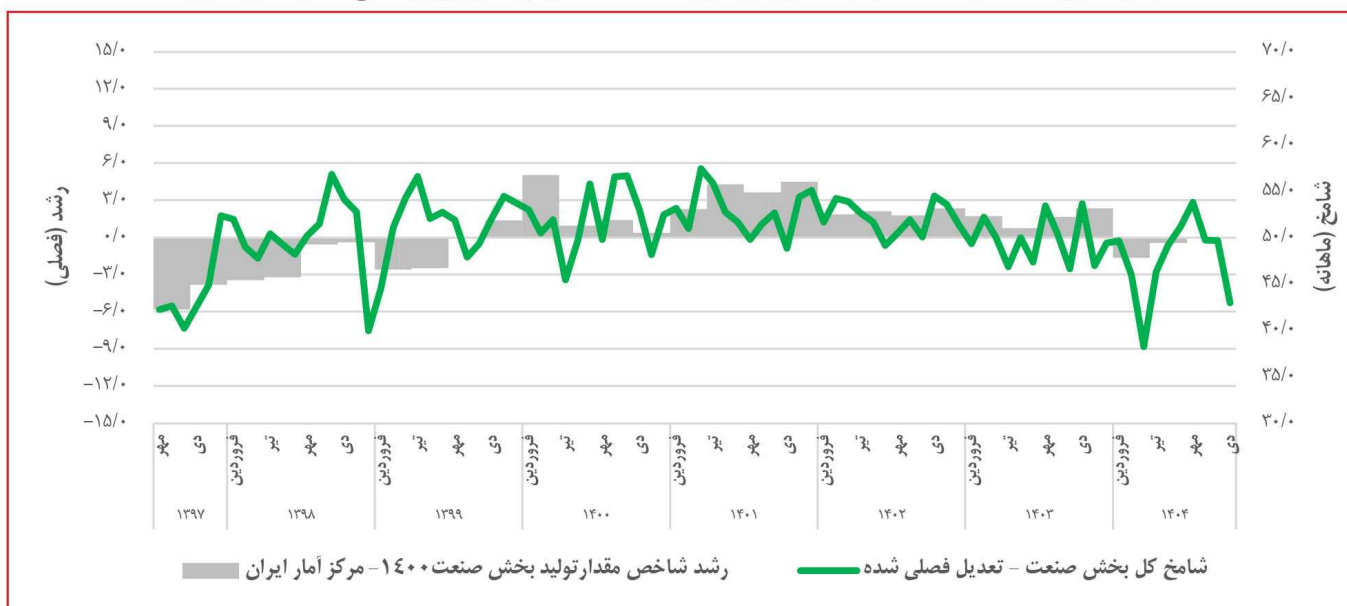
جدول ۴: شاخص مدیران خرید (شامخ) زیربخش های صنعت، تعدیل فصلی شده، دی ۱۴۰۴

شاخص	صنایع غذایی	صنایع نساجی	پوشاک و چرم	چوب، کاغذ و مبلمان	صنایع فراورده های نفت و گاز	صنایع شیمیایی	صنایع لاستیک و پلاستیک	صنایع کانی غیر فلزی	صنایع فلزی	ماشین سازی و لوازم خانگی	وسایل نقلیه و قطعات وابسته	سایر صنایع
شامخ کل فعالیت	۴۲٫۵	۴۴٫۷	۳۰٫۴	۵۶٫۱	۴۵٫۹	۳۷٫۱	۳۹٫۵	۵۴٫۷	۳۶٫۶	۴۲٫۵	۴۶٫۹	۳۷٫۱
مقدار تولید محصولات	۳۶٫۸	۵۰٫۲	۲۹٫۴	۶۶٫۸	۴۶٫۱	۳۱٫۱	۳۶٫۹	۵۰٫۸	۳۶٫۴	۴۰٫۶	۴۳٫۹	۲۵٫۵
میزان سفارشات جدید	۳۵٫۲	۴۵٫۷	۲۰٫۱	۵۰٫۴	۴۴٫۳	۳۳٫۷	۳۰٫۸	۵۴٫۲	۳۱٫۱	۳۷٫۵	۵۰٫۷	۴۵٫۲
سرعت انجام و تحویل سفارش	۵۰٫۶	۴۳٫۹	۴۴٫۱	۵۸٫۵	۵۲٫۵	۴۷٫۵	۴۵٫۸	۶۰٫۵	۴۲٫۴	۴۳٫۹	۴۶٫۶	۳۶٫۵
موجودی مواد اولیه	۴۶٫۴	۲۵٫۰	۲۰٫۶	۵۶٫۸	۳۶٫۷	۳۴٫۴	۴۱٫۳	۵۰٫۰	۳۷٫۸	۴۰٫۱	۳۶٫۸	۳۳٫۳
میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۵۲٫۴	۴۶٫۷	۴۱٫۶	۴۹٫۳	۴۷٫۵	۴۳٫۳	۵۰٫۰	۵۸٫۳	۴۰٫۱	۵۲٫۴	۵۰٫۰	۴۱٫۷
قیمت خرید مواد اولیه	۷۹٫۸	۱۰۰٫۰	۹۴٫۱	۹۶٫۴	۹۰٫۰	۷۹٫۸	۸۳٫۳	۸۷٫۵	۷۵٫۲	۷۷٫۷	۸۹٫۷	۷۵٫۰
موجودی محصول نهایی در انبار	۴۵٫۶	۶۷٫۹	۵۰٫۰	۵۰٫۰	۴۶٫۷	۴۷٫۷	۵۰٫۰	۵۰٫۰	۴۸٫۰	۵۱٫۴	۴۱٫۴	۵۰٫۰
میزان صادرات کالا	۴۲٫۱	۴۱٫۹	۲۸٫۹	۴۸٫۱	۳۸٫۸	۴۵٫۱	۴۵٫۶	۴۷٫۱	۴۱٫۱	۴۴٫۸	۴۶٫۵	۴۱٫۷
قیمت محصولات تولید شده	۸۲٫۴	۸۹٫۳	۸۵٫۳	۸۲٫۱	۸۶٫۷	۷۳٫۳	۸۷٫۵	۷۳٫۸	۶۲٫۱	۷۶٫۵	۶۹٫۰	۴۴٫۹
مصرف حامل های انرژی	۴۹٫۶	۴۶٫۲	۳۵٫۳	۶۴٫۴	۵۷٫۲	۴۳٫۵	۴۸٫۰	۵۱٫۸	۴۵٫۰	۵۶٫۴	۵۳٫۴	۷۵٫۰
میزان فروش محصولات	۳۳٫۵	۳۸٫۶	۲۴٫۹	۵۷٫۸	۴۳٫۸	۳۰٫۳	۳۴٫۵	۶۳٫۵	۲۹٫۲	۳۴٫۴	۴۱٫۳	۴۶٫۴
انتظارات تولید در ماه آینده	۴۷٫۳	۵۵٫۵	۱۹٫۹	۴۰٫۷	۳۷٫۴	۴۴٫۷	۴۸٫۱	۶۰٫۳	۳۴٫۸	۳۹٫۰	۴۶٫۸	۳۷٫۸

زمانی نظر سنجی رسیده است که نشان می دهد شرکتها پیش بینی میکنند شرایط در ماههای آینده بدتر شود و خطرات تعطیلی، تعدیل نیروی بالا و آسیب بلند مدت به ظرفیت تولید افزایش یابد. طبق ادبیات شاخص مدیران خرید جهانی S&P چنین افت شدیدی در انتظارات اغلب قبل از رکودهای طولانی مدت رخ می دهد مگر اینکه مداخله قاطع سیاستی اعتماد را بازگرداند. بدون اقدام فوری و معتبر سیاسی از جمله ثبات در نرخ ارز دسترسی مؤثر به ارز خارجی حمایت هدفمند از نقدینگی برای تولید کنندگان پیش بینی پذیری بیشتر اقتصاد خطر تبدیل رکود فعلی به یک رکود ساختاری طولانی مدت با پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قابل توجه وجود دارد. بازسازی اعتماد در میان سمت تقاضا و کسب و کارها به پیش نیاز اصلی برای تثبیت فعالیت ها و جلوگیری از و خامت بیشتر تبدیل شده است.

صادراتی، آسیبهای اقتصادی را تشدید کرده است. در نتیجه صادرات و کل فروش هر دو به پایین ترین سطح هفت ماهه خود رسیدند و شرایط تامین مالی را برای شرکت ها سخت تر کردند. سقوط همزمان سفارشات جدید تولید اشتغال و موجودی کالا در کنار قیمتهای بالای نهاده ها و محصولات بیشتر به یک شوک سیستماتیک اشاره دارد تا یک رکود چرخه ای در بخش تولید شرکتها به طور فزاینده ای بین تقاضای ضعیف و افزایش هزینه ها گرفتار شده اند. قیمت نهاده ها به بالاترین حد خود در ۴۴ ماه گذشته رسیده در حالی که قیمتهای فروش به بالاترین سطح خود در کل سری شاخص های مدیران خرید رسیده که نشان دهنده انتقال بخشی از هزینه های تولید در یک محیط به شدت نور می است. موجودی مواد اولیه برای چهاردهمین ماه متوالی به کاهش خود ادامه داد و خطر توقف تولید را افزایش داد. انتظارات خوشبینانه کسب و کارها به شدت رو به خامت گذاشته است. شاخص انتظارات تولید به پایین ترین سطح خود در کل سری

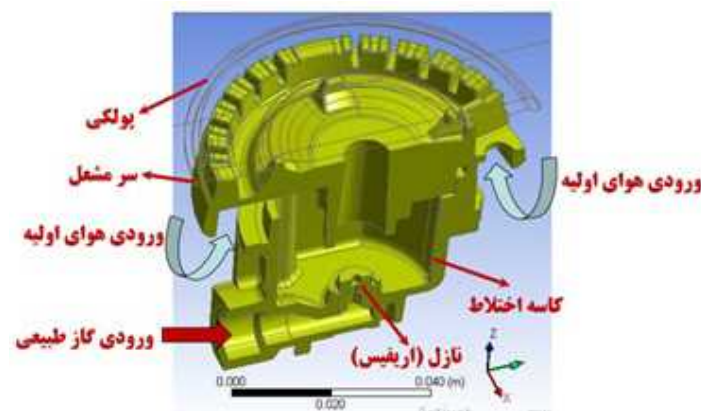
نمودار ۶: روند شامخ صنعت با رشد ارزش افزوده صنعت (مرکز آمار ایران) طی سال های اخیر



اولین گام در هر تحلیل CFD تعریف و ایجاد هندسه ناحیه جریان یا دامنه محاسباتی است. به عبارت دیگر در این مرحله دامنه فیزیکی به دامنه محاسباتی تبدیل می‌شود. سپس در گام دوم، دامنه محاسباتی به مجموعه‌ای از سلول‌ها (حجم‌های کنترل یا المان‌ها) تقسیم‌بندی می‌شود. به طوری که این حجم کنترل ضمن پوشش دادن کل دامنه‌ی مورد نظر هم‌پوشانی با یکدیگر نداشته باشند. به این مرحله تولید شبکه گفته می‌شود. مراحل بعدی تحلیل CFD شامل انتخاب فیزیک و خواص سیال، تعیین شرایط مرزی، حل عددی توسط نرم‌افزار و در نهایت گزارش نتایج و تصویرسازی است.

معرفی مشعل اجاق گاز حاضر

مشعل اجاق گاز مورد بررسی مطابق شکل ۱ دارای اجزایی شامل: نازل کالیبره شده (اریفیس) از نوع نازل ثابت، کاسه‌ی اختلاط یا مخلوط کننده، سر مشعل مجهز به درگاه‌هایی برای خروج مخلوط گاز و هوا و پولکی یا سرپوش فلزی برای هدایت مخلوط از بین درگاه‌ها می‌باشد. این نوع مشعل از نوع مشعل‌هایی با هوای اولیه است که در آن قسمتی از هوای احتراق که «هوای اولیه» خوانده می‌شود پیش از خروج از مشعل با گاز مخلوط می‌شود. مابقی هوا که «هوای ثانویه» خوانده می‌شود پس از خروج گاز از سر مشعل با آن مخلوط می‌شود. سوخت در ورود به کاسه اختلاط از یک نازل کالیبره شده عبور می‌کند. افت فشار ایجاد شده در جریان گاز نیروی لازم برای مکش هوای اولیه به داخل کاسه‌ی اختلاط را فراهم می‌کند. هوای اولیه از فاصله بین سر مشعل و صفحه‌ی اجاق گاز به داخل کاسه‌ی اختلاط کشیده شده و با سوخت مخلوط می‌شود. این مخلوط وارد سرشعله شده و از فاصله بین سرپوش فلزی و سر مشعل به سمت درگاه‌های تعبیه شده بر روی سر مشعل هدایت می‌شود.



شکل ۱: تصویر برش خورده از مشعل به همراه مسیرهای ورودی سوخت و هوای اولیه

اهمیت شبیه‌سازی عددی در طراحی مشعل‌های اجاق گاز خانگی

نویسندگان

مهندس حمیدرضا میراحمدی (گروه صنعتی هومکو)

مهندس احسان میراحمدی (گروه صنعتی هومکو)

دکتر احسان امامی کوبائی

دکتر علیرضا شیرنشان

۱- کارشناس گروه صنعتی هومکو- شهرک صنعتی بزرگ اصفهان-

ایران INFO@HOMECO.IR

۲- کارشناس گروه صنعتی هومکو- شهرک صنعت بزرگ اصفهان-

ایران ENG@HOMECO.IR

۳- استادیار گروه مهندسی مکانیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد

نجف آباد

۴- دانشیار گروه مهندسی مکانیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف

آباد

از آنجایی که افزایش بازده حرارتی مشعل‌های اجاق گاز منجر به کاهش هزینه‌های انرژی و همچنین کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود، برنامه‌های تحقیقاتی مختلفی در راستای توسعه مشعل‌های اجاق گاز با بازده بالا و انتشار کم آلاینده در چند دهه‌ی اخیر در دست انجام قرار گرفته است. طبیعت به شدت سه‌بعدی و پیچیده‌ی شعله در مشعل‌های اجاق گاز خانگی، مطالعات آزمایشگاهی در این حیطه را با چالش مواجه کرده است؛ از این‌رو علاقه‌ی محققان به استفاده از شبیه‌سازی‌های عددی روندی رو به رشد به خود گرفته است.

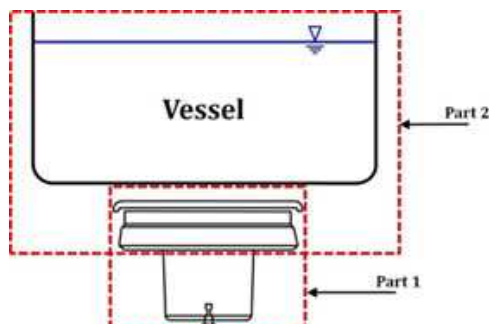
مقدمه

در گذشته، مهندسان برای طراحی و تحلیل تجهیزات جدید، ضمن صرف هزینه و زمان به نسبت زیاد برای ساخت نمونه اولیه مجبور به راه‌اندازی ستاپ‌های آزمایشگاهی مجهز جهت بررسی عملکرد تجهیز مورد نظر به صورت تجربی بودند که این موضوع نیز بر میزان هزینه‌ها می‌افزود. اما، امروزه به مدد توسعه مدل‌های عددی و توان رایانه‌ای، پیش از ساخت هر تجهیز ابتدا عملکرد آن به نحو کامل شبیه‌سازی شده و هر گونه تغییری بر عملکرد تجهیز قابل بررسی و پیش‌بینی است. شبیه‌سازی با استفاده از روش‌های مرسوم عددی نظیر دینامیک سیالات محاسباتی (CFD) به یافتن تصویر دقیق و اطلاعات جامع از میدان جریان احتراقی در مشعل‌ها و بررسی عملکرد آن‌ها کمک می‌کند.

دینامیک سیالات محاسباتی به مجموعه‌ای از روش‌ها اطلاق می‌شود که به کمک رایانه امکان شبیه‌سازی عددی جریان سیال را فراهم می‌کند. در شبیه‌سازی عددی، از رایانه به منظور حل قوانین حاکم بر جریان سیال در یک هندسه مشخص (که هندسه‌ی آن نیز بر روی رایانه مدل می‌شود) استفاده می‌شود.

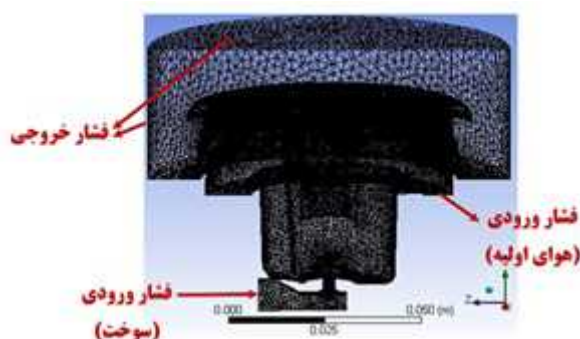
دامنه محاسباتی و تولید شبکه

پس از ایجاد هندسه نوبت به تعریف دامنه محاسباتی در نرم افزار می‌رسد. به علت پیچیدگی هندسه مشعل، دامنه محاسباتی مطابق شکل ۲ به دو قسمت تقسیم شده است. قسمت اول مدلی برای شبیه‌سازی پدیده اختلاط بین گاز طبیعی و هوای اولیه در غیاب احتراق (شبیه‌سازی جریان سرد) و قسمت دوم مدلی برای شبیه‌سازی جریان احتراقی و محاسبه شار حرارتی وارد بر ظرف آب است.



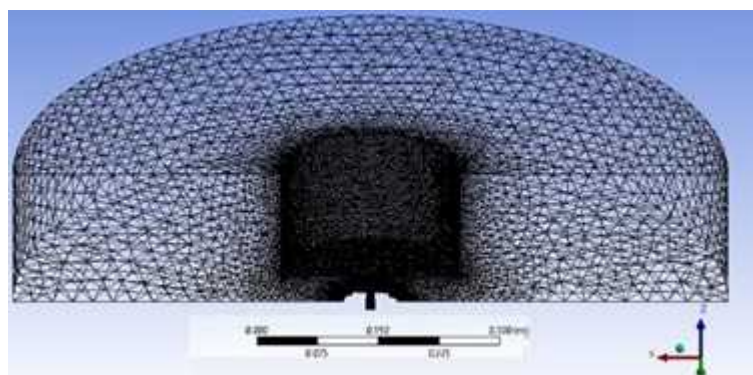
شکل ۱: تصویر برش خورده از مشعل به همراه مسیرهای ورودی سوخت و هوای اولیه

در قسمت اول مدلی با اندازه واقعی مشعل در نظر گرفته شده و به علت پیچیدگی هندسی زیاد سر مشعل توسط شبکه مثلثی گسسته شده است. همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود با توجه به تقارن هندسه و جریان و به منظور کاهش هزینه محاسباتی نیمی از میدان حل شبکه‌بندی شده و از شرط تقارن برای نیمه‌ی دیگر استفاده شده است. لازم به ذکر است هدف از شبیه‌سازی جریان سرد، محاسبه دبی جرمی سوخت، دبی جرمی هوای اولیه و تعیین میزان هوادهی اولیه (نسبت بین حجم هوای اولیه و حجم هوای نظری) می‌باشد.



شکل ۳: شبکه محاسباتی تولید شده برای شبیه‌سازی جریان سرد به همراه شرایط مرزی اعمالی

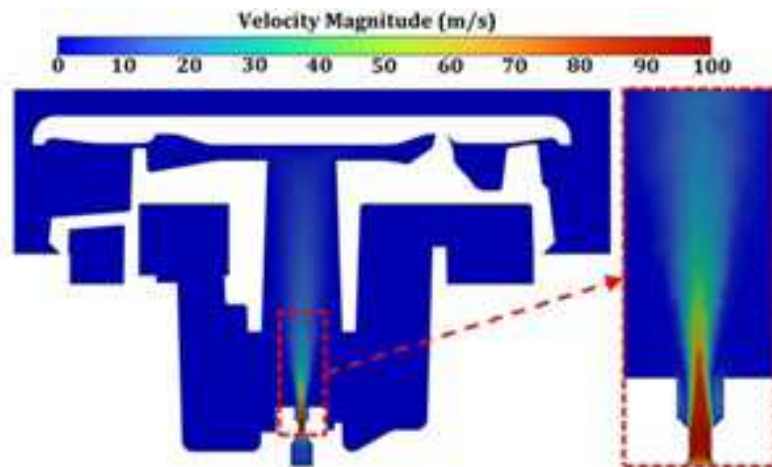
در قسمت دوم شبیه‌سازی عددی، مدل‌های احتراقی و انتقال حرارتی نیز فعال می‌شوند. مطابق شکل ۴ در این قسمت دامنه هندسی مسئله باز تعریف شده و دامنه محاسباتی از قسمت بالائی مشعل تا نواحی اطراف سطوح ظرف امتداد پیدا می‌کند. به منظور دستیابی به نتایج پر دقت، قطر دامنه محاسباتی تا چهار برابر قطر ظرف آب افزایش می‌یابد. دامنه محاسباتی توسط المان‌های سه وجهی شبکه‌بندی می‌شود.



شکل ۴: شبکه محاسباتی تولید شده برای شبیه‌سازی جریان احتراقی

حل جریان سرد

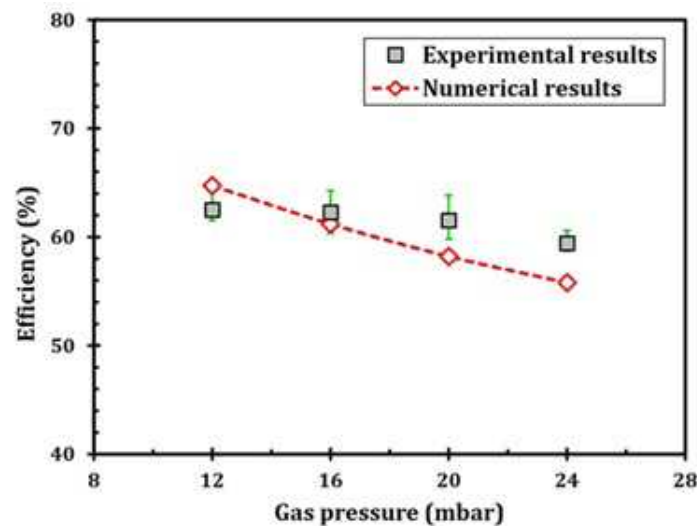
همان‌طور که اشاره شد شبیه‌سازی عددی حاضر در دو بخش جریان سرد و گرم انجام می‌شود. در شبیه‌سازی جریان سرد، هدف بررسی اختلاط سوخت و هوای اولیه و به‌دست آوردن دبی مخلوط سوخت و هوا و ترکیب شیمیائی این مخلوط به عنوان شرط مرزی ورودی در بخش شبیه‌سازی گرم است. شکل ۵ کانتور سرعت جریان خروجی از نازل مشعل و ورودی به کاسه اختلاط را برای فشار گاز ۲۰ MBAR نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود به هنگام عبور جریان از گلوگاه نازل سرعت جریان تا حدود ۱۰۰ M/S افزایش یافته است. این افزایش شدید سرعت کاهش فشار قابل توجهی را به همراه داشته که سبب مکش هوای اولیه از محیط بیرون به داخل کاسه اختلاط می‌شود.



شکل ۵: میدان سرعت به هنگام عبور گاز از نازل و تخلیه آن در کاسه اختلاط

اعتبارسنجی

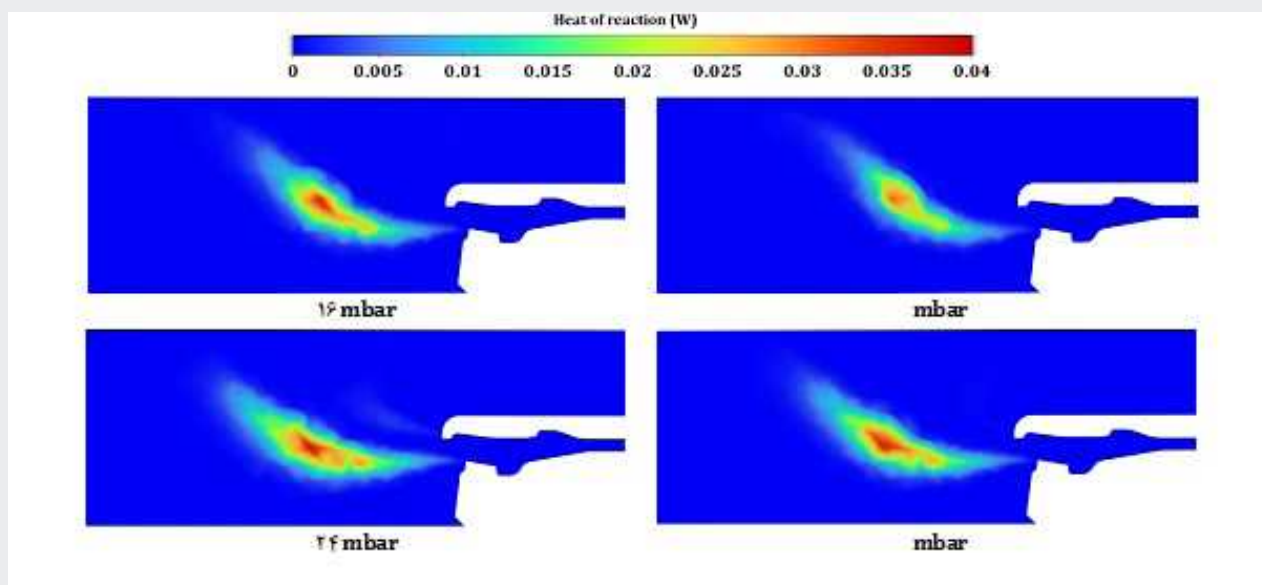
به عنوان یک اصل کلی، نتایج شبیه‌سازی‌های عددی هنگامی معتبر است که نتایج به‌دست آمده هم‌خوانی مطلوبی با نتایج آزمایشگاهی داشته باشند. به همین علت بازده حرارتی به‌دست آمده از مطالعات آزمایشگاهی و عددی حاضر در شکل ۶ مورد مقایسه قرار گرفته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود نتایج عددی برای تمامی فشارها از دقت به‌نسبت قابل قبولی برخوردار است. مطابق شکل با کاهش فشار گاز طبیعی بازده حرارتی مشعل افزایش یافته است.



شکل ۶: مقایسه نتایج عددی و تجربی برای بازده حرارتی بر حسب فشار گاز ورودی

بررسی تاثیر فشار گاز بر شکل شعله

میدان جریان احتراقی در مشعل‌های اجاق گاز خانگی نقش اساسی در ساختار و شکل شعله، توزیع دما و در نتیجه بازده حرارتی و میزان انتشار آلاینده‌ها ایفا می‌کند. به‌منظور فهم بهتر میدان جریان احتراقی، در شکل ۷ کانتورهای گرمای واکنش برای شبیه‌سازی با فشارهای مختلف ترسیم شده است. به علت اثرات شناوری ناشی از افزایش دمای محصولات احتراق، شعله‌ی شکل گرفته بر روی سر مشعل به سمت ظرف آب (مرز بالائی) متمایل شده است. مطابق شکل با کاهش فشار از طول شعله کاسته شده و شعله با طی مسافت کمتری به ظرف آب می‌رسد. با افزایش فشار ضمن کشیده‌تر شدن طول شعله، زاویه آن بازتر می‌شود.



شکل ۷: کانتور گرمای واکنش برای جریان واکنشی در فشارهای مختلف

جمع بندی

استفاده از دینامیک سیالات محاسباتی، CFD، در تحلیل جریان و انتقال حرارت در مشعل‌های اجاق گاز خانگی موضوعی نسبتاً نوپا است. یکی از عوامل مهم این موضوع پیچیدگی هندسی بسیار زیاد سر مشعل بوده که تولید شبکه مناسب را دشوار می‌نماید. به هر حال فهم بهتر جریان و انتقال حرارت و تاثیر آن بر شکل شعله و در نتیجه اثر آن بر بازده حرارتی و میزان انتشار آلاینده‌ها در صورت دستیابی به یک مدل عددی معتبر آسان‌تر می‌نماید. به کمک CFD اثر پارامترهای بسیاری از جمله ارتفاع ظرف از مشعل، قطر سرپوش، شکل درگاه‌های (پورت) خروج گاز از مشعل، اندازه درگاه‌ها، فاصله درگاه‌ها از یکدیگر، زاویه خروج گاز از درگاه، میزان هوادهی اولیه، قطر نازل پاشش سوخت، اندازه ظرف و فشار جریان سوخت بر بازده حرارتی، توان مشعل و انتشار آلاینده‌ها را می‌توان با هزینه کمتری مطالعه کرد.

که از اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت و تا امروز مبنای بخش بزرگی از تحلیل‌های اقتصادی باقی مانده است. در این رویکرد، واحد تحلیل اصلی، عامل اقتصادی عقلانی است، عاملی که با هدف حداکثرسازی مطلوبیت یا سود، در چارچوب محدودیت‌های موجود تصمیم‌گیری می‌کند. بازار در این مکتب، سازوکاری تلقی می‌شود که از طریق قیمت‌ها، اطلاعات لازم برای هماهنگی تصمیمات تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را فراهم می‌سازد.

در نگاه نئوکلاسیک، بنگاه اقتصادی نقش محوری در فرآیند رشد و توسعه دارد. بنگاه‌ها با انتخاب بهینه ترکیب نهاده‌ها، سرمایه‌گذاری در فناوری، افزایش بهره‌وری و پاسخ‌گویی به سیگنال‌های قیمتی، موتور اصلی تولید و رشد اقتصادی محسوب می‌شوند. رقابت در بازار، بنگاه‌های ناکارآمد را حذف کرده و بنگاه‌های کارا تر را تقویت می‌کند؛ فرآیندی که در نهایت به تخصیص بهینه منابع منجر می‌شود.

دولت در چارچوب نئوکلاسیک، نقشی محدود اما مهم دارد. وظیفه اصلی دولت، فراهم کردن بستر فعالیت بازار از طریق تضمین حقوق مالکیت، اجرای قراردادها، حفظ ثبات اقتصاد کلان و جلوگیری از شکست‌های بازار است. هرگونه مداخله گسترده و مستمر دولت در قیمت‌گذاری، تخصیص منابع یا فعالیت بنگاه‌ها، از منظر نئوکلاسیک می‌تواند موجب اختلال در سیگنال‌های بازار و کاهش کارایی اقتصادی شود.

این مکتب در تحلیل عملکرد بنگاه‌ها و صنایع بسیار قدرتمند است و ابزارهای تحلیلی دقیقی برای بررسی بهره‌وری، ساختار هزینه، رقابت و نوآوری ارائه می‌دهد. با این حال، یکی از محدودیت‌های اصلی نئوکلاسیک، فرض ثبات و کارآمدی نهادهاست. در بسیاری از تحلیل‌های نئوکلاسیکی، نهادها یا مفروض گرفته می‌شوند یا نقش آن‌ها در حاشیه قرار می‌گیرد. فرضی که در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، به ندرت با واقعیت سازگار است.

مکتب نهادگرایی: قواعد بازی، نهادها و هزینه مبادله

نهادگرایان بر این باورند که عملکرد اقتصادی را نمی‌توان صرفاً با بررسی رفتار بنگاه‌ها و بازارها توضیح داد، بلکه باید به نهادها، یعنی مجموعه قواعد رسمی و غیررسمی حاکم بر رفتار اقتصادی، توجه کرد. نهادها شامل قوانین، مقررات، رویه‌های اجرایی، ساختارهای حکمرانی، هنجارهای اجتماعی و حتی انتظارات رفتاری هستند که تصمیم‌گیری اقتصادی را شکل می‌دهند.

در این چارچوب، نقش دولت بسیار پررنگ‌تر از نگاه نئوکلاسیک است. دولت نه فقط به عنوان تنظیم‌گر بازار، بلکه به عنوان طراح و مجری قواعد بازی شناخته می‌شود. کیفیت سیاست‌گذاری، ثبات مقررات، هماهنگی نهادی و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات دولتی، همگی مستقیماً بر رفتار بنگاه‌ها و عملکرد صنایع اثر می‌گذارند. از منظر نهادگرایی، حتی بهترین سیاست‌های اقتصادی، اگر در بستر نهادی ضعیف اجرا شوند، به نتایج مطلوب منجر نخواهند شد.

یکی از مفاهیم کلیدی در نهادگرایی، هزینه مبادله است. هزینه مبادله به کلیه هزینه‌هایی اشاره دارد که فراتر از هزینه تولید، برای انجام یک فعالیت اقتصادی تحمیل می‌شود، از جمله هزینه کسب اطلاعات، مذاکره، عقد قرارداد، اجرای مقررات، تطبیق با تغییرات

نئوکلاسیک و نهادگرایی؛ دو روایت از توسعه

فاطمه علیشاهی، کارشناس اقتصادی

چکیده

تجربه توسعه صنعتی در ایران نشان می‌دهد که فاصله‌ای معنادار میان ظرفیت‌های بالقوه تولید و عملکرد واقعی صنایع وجود دارد. این شکاف، صرفاً با ارجاع به ضعف بنگاه‌ها یا کمبود منابع قابل توضیح نیست. نوشتار حاضر با تکیه بر دو چارچوب نظری نئوکلاسیک و نهادگرایی، به تحلیل ریشه‌های ساختاری این وضعیت می‌پردازد. ابتدا منطق رفتاری هر دو مکتب معرفی می‌شود، سپس اقتصاد ایران و صنایع تولیدی در چارچوب این دو رویکرد تحلیل می‌گردد. این مختصر تلاش می‌کند که نشان دهد ناکارآمدی توسعه صنعتی در ایران، بیش از آنکه ناشی از خطاهای مدیریتی بنگاه‌ها باشد، نتیجه ناپایداری نهادی، بی‌ثباتی سیاست‌گذاری و تحمیل هزینه‌های مبادله بالاست. در پایان، مسیر واقع بینانه‌ای برای بهره‌گیری هم‌زمان از منطق بازار و اصلاح نهادی در جهت رشد صنایع پیشنهاد می‌شود.

مقدمه: مسئله توسعه، فراتر از بنگاه و فراتر از سیاست

در سال‌های اخیر، فضای اقتصادی و اجتماعی ایران چنان دستخوش تغییر شده است که امروزه تقریباً همه فعالان اقتصادی، از مدیران صنایع بزرگ گرفته تا کارآفرینان کوچک، با پرسشی مشترک روبه‌رو هستند: چرا با وجود همه تلاش‌ها، تجربه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، مسیر توسعه همچنان دشوار، پرنوسان و گاه غیرقابل پیش‌بینی باقی مانده است؟

این پرسش تنها یک دغدغه صنعتی یا تولیدی نیست؛ بلکه ریشه در واقعیت‌های گسترده‌تر اقتصاد کشور دارد. اقتصاد ایران در دو دهه گذشته با شرایط کم سابقه‌ای مواجه بوده است: نوسان‌های پی‌درپی، تغییرات سریع در سیاست‌گذاری، محدودیت‌های تجاری، رشد نامتوازن فناوری، تحولات شدید جمعیتی و رفتاری و افزایش سطح آگاهی و مطالبه‌گری جامعه. در کنار این عوامل، صنایع کشور - از فولاد و پتروشیمی گرفته تا غذا، دارو، ماشین‌سازی و لوازم خانگی - در فضایی فعالیت می‌کنند که بیش از هر زمان دیگر، نیازمند تحلیل دقیق‌تری از «قواعد بازی اقتصادی» است. تحلیل‌های رایج معمولاً یا انگشت اتهام را به سوی بنگاه‌ها می‌گیرند، یا تمام مسئولیت را متوجه سیاست‌های کلان می‌دانند. هر دو نگاه، بخشی از واقعیت را می‌بینند، اما تصویر کامل را نه. توسعه اقتصادی، پدیده‌ای بازاری - نهادی است. بنگاه بدون بازار کارا رشد نمی‌کند، و بازار بدون نهادهای پایدار شکل نمی‌گیرد. از این رو، فهم وضعیت امروز صنایع ایران نیازمند چارچوبی است که هم رفتار اقتصادی بنگاه‌ها را توضیح دهد و هم کیفیت قواعد بازی حاکم بر آن رفتارها را. مکتب نئوکلاسیک و مکتب نهادگرایی دقیقاً چنین امکان تحلیلی‌ای را فراهم می‌کنند.

مکتب نئوکلاسیک: عقلانیت اقتصادی، بازار و نقش بنگاه

مکتب نئوکلاسیک یکی از جریان‌های اصلی اقتصاد مدرن است

شود. این رویکرد، زمینه مناسبی برای تحلیل وضعیت اقتصاد ایران فراهم می‌کند، اقتصادی که در آن بی‌ثباتی نهادی و هزینه‌های مبادله بالا، نقش تعیین کننده‌ای در عملکرد صنایع ایفا کرده‌اند.

مقایسه مکتب نئوکلاسیک و نهادگرایی در تبیین توسعه

ابتدا در جدول زیر تفاوت کلی دو دیدگاه نئوکلاسیک و نهادگرایی نشان داده می‌شود و سپس مقایسه تحلیلی دو مکتب در تبیین توسعه بیان می‌شود.

قانونی و مدیریت عدم اطمینان. نهادگرایان معتقدند هرچه نهادها ناکارآمدتر، ناپایدارتر و غیرشفاف‌تر باشند، هزینه مبادله افزایش می‌یابد و انگیزه فعالیت مولد کاهش پیدا می‌کند.

نهادگرایی به‌ویژه در تحلیل اقتصادهای در حال توسعه اهمیت دارد؛ زیرا در این کشورها، نهادها اغلب در حال گذار، ناپایدار یا ناکارآمد هستند. در چنین شرایطی، تمرکز صرف بر اصلاح بنگاه‌ها یا افزایش بهره‌وری، بدون اصلاح نهادها، نمی‌تواند به توسعه پایدار منجر

ویژگی	مکتب نئوکلاسیک (حریف اصلی)	مکتب نهادگرا
کانون تحلیل تحلیل	فرد (فرد عقلایی به حداکثرکننده مطلوبیت)	نهادها (قواعد بازی در جامعه)
روش تحلیل	مدل سازی ریاضی، انتزاعی و قیاسی (از کل به جزء)	تاریخی-تطبیقی، موردکاوی، توصیفی و استقرایی (از جزء به کل)
ماهیت انسان	HOMO ECONOMICUS (انسان اقتصادی عقلایی با ترجیحات ثابت)	انسان تحت تأثیر عادات، هنجارها و فرهنگ (ترجیحات متغیر)
دیدگاه به بازار	بازارها ذاتاً کارا هستند و اگر رقابت کامل باشد به تعادل می‌رسند	بازارها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند؛ محصول نهادها هستند و ممکن است ذاتاً ناکارا باشند
نقش دولت	حداقلی (برای رفع شکست بازار)	گسترده و ضروری برای طراحی، اصلاح و نظارت بر نهادها
جهان شمولی	به دنبال قوانین جهان شمول اقتصادی	بر ویژگی‌های خاص هر کشور و مسیرهای تکاملی منحصر به فرد تأکید دارد

سیاست‌های اقتصادی با منطق نئوکلاسیکی و بدون توجه به بستر نهادی اجرا شده‌اند و به همین دلیل به نتایج محدود یا ناموفق انجامیده‌اند.

تطبیق دو مکتب با اقتصاد ایران، چرا نتایج با پیش‌بینی‌ها همخوان نیست؟

اقتصاد ایران دارای ظرفیت بالقوه بالا، بازار داخلی گسترده و منابع انسانی و طبیعی کافی است. اما نرخ پایین سرمایه‌گذاری بلندمدت، بهره‌وری محدود و نوسانات تولید نشان می‌دهد که متغیرهای نئوکلاسیکی به تنهایی توضیح کافی ارائه نمی‌دهند. از منظر نهادگرایی، ناپایداری مقررات، تغییرات مکرر سیاست‌ها، عدم هماهنگی میان نهادها و ضعف پیش‌بینی‌پذیری، هزینه‌های مبادله را افزایش داده و انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش داده‌اند. حتی اصلاحات نئوکلاسیکی بدون توجه به نهادها ممکن است نتیجه معکوس داشته باشند.

از این منظر، می‌توان گفت بسیاری از ناکامی‌های سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران نه ناشی از «اشتباه بودن سیاست‌ها» به معنای نظری، بلکه ناشی از اجرای آن‌ها در بستر نهادی نامناسب بوده است. نهادگرایی دقیقاً بر همین نکته تأکید دارد: سیاست خوب در نهاد بد، به نتیجه خوب منجر نمی‌شود.

مقایسه تحلیلی دو مکتب در تبیین توسعه

• نئوکلاسیک فرض می‌کند نهادها به طور نسبی کارآمد و پایدارند و به همین دلیل تمرکز خود را بر رفتار بنگاه‌ها، سازوکار بازار، نقش قیمت‌ها و تخصیص منابع می‌گذارد، در حالی که نهادگرایی این فرض را رد می‌کند و کیفیت نهادها و قواعد بازی را شرط اصلی کارایی بازار می‌داند.

• در رویکرد نئوکلاسیک، اگر بازار رقابتی باشد و دولت حداقل مداخله را داشته باشد، نیروهای بازار به طور طبیعی به سمت رشد و کارایی حرکت می‌کنند، اما نهادگرایی معتقد است حتی در صورت عقلانیت بنگاه‌ها، نهادهای ناپایدار سیگنال‌های قیمتی را مخدوش کرده و مانع تخصیص بهینه منابع می‌شوند.

• نئوکلاسیک تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها را ناشی از تفاوت در سرمایه، فناوری، نیروی انسانی و بهره‌وری می‌داند، در حالی که نهادگرایی ریشه این تفاوت‌ها را در کیفیت نهادها، ثبات مقررات و سطح هزینه‌های مبادله جست‌وجو می‌کند.

• در نگاه نئوکلاسیک، دولت نقش تنظیم‌گر محدود دارد و باید از مداخله مستقیم در قیمت‌گذاری و تولید پرهیز کند، اما در نهادگرایی، دولت معمار قواعد بازی اقتصادی است و کیفیت سیاست‌گذاری آن مستقیماً بر رفتار بنگاه‌ها اثر می‌گذارد.

• اهمیت این تمایز برای اقتصاد ایران در آن است که بسیاری از

نوسان ارز، تغییرات تعرفه‌های و رقابت با برندهای خارجی توانسته خود را سرپا نگه دارد و سهم قابل توجهی از بازار داخلی را حفظ کند. با این حال، عملکرد آن به ندرت توانسته است به رشد پایدار و قابل پیش‌بینی منجر شود. موانع نهادی بر سر راه آن عبارتند از: - ناپایداری سیاست‌گذاری: سیاست‌های تجاری، ارزی، مالیاتی و استانداردی به طور مکرر تغییر می‌کنند. یک شرکت نمی‌تواند برای مدت ۵ سال آینده برنامه‌ریزی کند وقتی نمی‌داند شش ماه دیگر تعرفه واردات یا استاندارد انرژی چه خواهد بود.

- تعدد و تداخل دستگاه‌های تصمیم‌گیر: چند صدایی نهادی چالشی اساسی است. در صنعت، این تعدد بازیگران از وزارتخانه‌ها تا سازمان‌ها و نهادهای مختلف باعث شده تصمیم‌ها گاهی ناقص، متناقض یا غیر هم‌افزا باشند.

- عدم ثبات استانداردها و رویه‌های نظارتی: استانداردها در یک بازه کوتاه چند بار اصلاح می‌شوند یا بدون سنجش دقیق پیامدها، تغییر می‌کنند. برای یک صنعت مبتنی بر تولید انبوه، تغییر مداوم استاندارد یعنی هزینه قطعات جدید، ابزار جدید، خط تولید جدید و تست‌های جدید.

- بی‌ثباتی ارزی و تجاری: نه فقط قیمت مواد اولیه، بلکه زمان، مسیر و امکان دسترسی به آن‌ها نیز ناپایدار است. شرکتی که امروز مواد اولیه را با یک قیمت تأمین می‌کند، یک ماه بعد با قیمت دیگر مواجه می‌شود، آن هم بدون امکان پیش‌بینی.

- ضعف رقابت سالم: ورود کالاهای بی‌کیفیت یا قاچاق، نبود شفافیت در اصالت محصول، و تفاوت در سطح نظارت، رقابت را از مسیر طبیعی خارج می‌کند. شرکتی که کیفیت را رعایت می‌کند، هم‌تراز با شرکتی قرار می‌گیرد که این هزینه را ندارد.

- هزینه مبادله غیرضروری: از زمان تخصیص ارز تا گرفتن مجوز و تمدید استاندارد، بسیاری از فرآیندها به‌جای دیجیتال، ساده و قابل پیش‌بینی بودن؛ پیچیده، زمان‌بر و گاه سلیقه‌ای است. این همان چیزی است که در نهادگرایی به عنوان «هزینه مبادله اضافی» شناخته می‌شود.

در چنین شرایطی، منطق نئوکلاسیکی بنگاه، یعنی تمرکز بر بهره‌وری، نوآوری و توسعه بازار، به تدریج جای خود را به منطق بقا می‌دهد. این تغییر رفتار، نه ناشی از ضعف مدیریت، بلکه واکنشی عقلانی به محیطی است که در آن افق تصمیم‌گیری کوتاه شده و ریسک‌های غیرقابل کنترل بر تصمیمات اقتصادی سایه انداخته‌اند. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که تحلیل نهادی، توضیح دهنده چرایی انحراف صنایع از مسیر توسعه می‌شود.

نهادهای میانی و نقش انجمن‌های صنفی

در ادبیات نهادگرایی، نقش نهادها صرفاً به دولت و قوانین رسمی محدود نمی‌شود. یکی از مؤلفه‌های کلیدی در کارکرد صحیح اقتصاد، وجود نهادهای میانی است. نهادهایی که میان دولت و بنگاه قرار می‌گیرند و وظیفه آن‌ها کاهش هزینه مبادله، افزایش هماهنگی و انتقال منافع جمعی صنعت است. در این میان، انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، جایگاهی تعیین‌کننده دارند.

در شرایطی که نهادهای رسمی با بی‌ثباتی، ناهماهنگی و تغییرات مکرر مواجه‌اند، نهادهای میانی می‌توانند نقش «لنگر نهادی» را

رفتار دولت در اقتصاد ایران از منظر مکتب نئوکلاسیک

از منظر مکتب نئوکلاسیک، دولت زمانی نقش مؤثر و مثبت ایفا می‌کند که چارچوبی پایدار برای فعالیت بازار فراهم آورد و از مداخله گسترده در سازوکارهای قیمتی و تصمیم‌گیری بنگاه‌ها پرهیز کند. در این رویکرد، وظیفه دولت تضمین حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای، حفظ ثبات اقتصاد کلان و اصلاح شکست‌های مشخص بازار است. خروج از این نقش محدود، به اختلال در سیگنال‌های قیمتی و کاهش کارایی بازار منجر می‌شود. با این معیار، رفتار دولت در اقتصاد ایران فاصله معناداری با منطق نئوکلاسیکی دارد، به ویژه از طریق قیمت‌گذاری دستوری در بازارهایی مانند انرژی و کالاهای صنعتی که موجب تضعیف نقش اطلاعاتی قیمت‌ها و دشوار شدن تصمیم‌گیری عقلایی بنگاه‌ها شده است. گسترش نقش دولت به عنوان بازیگر مستقیم اقتصادی، از تولید و توزیع و قیمت‌گذاری، رقابت را مخدوش کرده و زمینه رفتارهای رانتی و ناکارآمد را فراهم ساخته است. در مجموع، نئوکلاسیک‌ها بخش مهمی از چالش‌های اقتصاد ایران را ناشی از بیش‌فعالی دولت در حوزه‌هایی می‌دانند که بازار می‌توانست کارآمدتر عمل نماید، بیش‌فعالی‌ای که به تضعیف مکانیزم قیمت، کاهش رقابت و افزایش ناکارایی انجامیده است.

رفتار دولت از منظر نهادگرایی: وقتی بی‌ثباتی، هزینه تولید می‌شود

نهادگرایی نقدی ساختاری‌تر از رویکرد نئوکلاسیک به رفتار دولت در اقتصاد ایران ارائه می‌دهد و تمرکز آن نه بر میزان مداخله، بلکه بر کیفیت، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌گذاری است. از این منظر، مسئله اصلی ضعف حکمرانی اقتصادی و ناپایداری قواعد بازی است. حتی مداخلات حمایتی دولت، اگر با طراحی و اجرای ناپایدار همراه باشند، بنگاه‌ها را ناچار می‌کنند بخش قابل توجهی از منابع خود را صرف تطبیق با تغییرات سیاستی و مدیریت ریسک‌های نهادی کنند، هزینه‌هایی پنهان که انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت را تضعیف می‌کند و بنگاه‌ها را به رفتارهای محافظه‌کارانه سوق می‌دهد.

چالش‌های نهادی، سبب انحراف رفتار بنگاه‌ها از فعالیت‌های مولد به فعالیت‌های تطبیقی و دفاعی است، به طوری که منابع به جای نوآوری و بهره‌وری، صرف مدیریت ریسک‌های نهادی می‌شوند. نهادگرایی در نهایت نشان می‌دهد که ناکامی توسعه صنعتی در ایران بیش از هر چیز ناشی از ضعف حکمرانی اقتصادی و طراحی نامناسب نهادهاست و بدون اصلاح این بستر نهادی، حتی بهترین سیاست‌های صنعتی به نتایج پایدار نخواهد رسید.

صنایع تولیدی و لوازم خانگی؛ از توسعه‌گرایی تا مدیریت بقا

صنایع تولیدی ایران، و به طور مشخص صنعت لوازم خانگی، در سال‌های اخیر در شرایطی فعالیت کرده‌اند که فاصله میان تصمیم‌گیری اقتصادی و واقعیت بازار به طور مستمر افزایش یافته است. این صنعت از نظر نئوکلاسیکی، واجد بسیاری از پیش‌شرط‌های رشد است: بازار داخلی گسترده، پیوندهای پسین و پیشین قوی، امکان صرفه‌های مقیاس و ظرفیت ارتقای فناوری. همچنین طی سال‌های گذشته با وجود تحریم‌ها، محدودیت‌های واردات،

به سطوح تصمیم‌گیری منتقل کند.

جمع بندی و نتیجه گیری نهایی

تلاش حاضر با اتکا به دو چارچوب نظری نئوکلاسیک و نهادگرایی، تلاش نموده تا تصویری ساختاری از وضعیت اقتصاد ایران و به طور خاص صنعت لوازم خانگی ارائه دهد. تصویری که در آن ناکامی‌های توسعه صنعتی نه صرفاً به ضعف بنگاه‌ها نسبت داده می‌شود و نه به یک سیاست یا متغیر مقطعی خاص. تحلیل انجام شده نشان داد که بخش مهمی از چالش‌های موجود، ریشه در ناپایداری نهادی، بی‌ثباتی سیاست‌گذاری و افزایش هزینه‌های مبادله دارد. عواملی که رفتار عقلانی بنگاه‌ها را به سوی تصمیمات کوتاه‌مدت و بقاگرایانه سوق داده است.

از منظر نئوکلاسیک، تضعیف سیگنال‌های قیمتی، مداخلات گسترده و نوسانات شدید متغیرهای کلیدی، کارایی بازار را کاهش داده و انگیزه سرمایه‌گذاری را تضعیف کرده است. از منظر نهادگرایی، مسئله عمیق‌تر از حجم مداخله است و به کیفیت حکمرانی اقتصادی، ثبات قواعد بازی و پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات باز می‌گردد. تجربه صنعت لوازم خانگی به خوبی نشان می‌دهد که حتی بنگاه‌های توانمند نیز در غیاب یک بستر نهادی با ثبات، قادر به برنامه‌ریزی بلندمدت و حرکت در مسیر توسعه پایدار نیستند. در این میان، تلاش شده است که بر نقش مغفول مانده نهادهای میانی تأکید شود. انجمن‌های صنفی و به طور خاص انجمن صنایع لوازم خانگی، می‌توانند به عنوان حلقه واسطه میان بنگاه‌ها و نهادهای سیاستگذار، بخشی از خلأ نهادی موجود را پر کنند. تقویت این نهادها، از طریق هم‌افزایی اعضا، کنش جمعی و شکل‌دهی به هنجارهای مشترک صنعتی، می‌تواند هزینه‌های ناشی از نااطمینانی را کاهش داده و قدرت اثرگذاری صنعت را در فرآیند سیاست‌گذاری افزایش دهد.

نتیجه نهایی آن است که مسیر واقع‌بینانه توسعه صنعتی در ایران نه در اتکای صرف به اصلاحات بازار محور و نه در تمرکز یک‌جانبه بر مداخلات دولتی خلاصه می‌شود. این مسیر، در ترکیب عقلانیت بازار، اصلاح نهادی پایدار و تقویت نهادهای میانی شکل می‌گیرد. در چنین چارچوبی، دولت مسئول ایجاد ثبات و انسجام نهادی است، بنگاه‌ها مسئول ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری‌اند و انجمن‌های صنفی نقش کلیدی در هم‌راستا کردن منافع فردی و جمعی صنعت ایفا می‌کنند.

اگر این سه سطح یعنی دولت، بنگاه و نهاد صنفی، به صورت مکمل و هماهنگ عمل کنند، صنعت لوازم خانگی می‌تواند از وضعیت واکنشی و بقاگرایانه فاصله گرفته و به سمت توسعه‌ای پایدار، پیش‌بینی‌پذیر و رقابت‌پذیر حرکت کند. این مسیر، دشوار اما دست‌یافتنی است و بیش از هر چیز، به بازسازی اعتماد نهادی و کنش جمعی آگاهانه نیاز دارد.

ایفا کنند. انجمن‌های صنفی، اگر به درستی تقویت شوند، قادرند بخشی از نااطمینانی محیط را برای بنگاه‌ها کاهش دهند. از طریق تجمیع مطالبات، انتقال منسجم دغدغه‌های صنعت و ایجاد چارچوب‌های رفتاری مشترک میان اعضا.

صنعت لوازم خانگی ایران، بیش از بسیاری از صنایع دیگر، به چنین نهاد میانی قدرتمندی نیاز دارد. پراکندگی تصمیمات، رقابت‌های فرسایشی، واکنش‌های منفرد به سیاست‌های ناپایدار و نبود صدای واحد در تعامل با نهادهای سیاست‌گذار، هزینه‌های قابل توجهی را به این صنعت تحمیل کرده است. در چنین فضایی، حتی بنگاه‌های بزرگ و توانمند نیز به تنهایی قادر به اثرگذاری پایدار بر محیط نهادی نیستند.

از منظر نهادگرایی، هم‌افزایی میان اعضا صنعت نه یک انتخاب اختیاری، بلکه یک ضرورت عقلانی است. کنش جمعی از طریق انجمن صنفی می‌تواند به کاهش عدم اطمینان، بهبود کیفیت گفتگو با سیاستگذار و افزایش قدرت چانه‌زنی صنعت منجر شود. این کنش جمعی، همچنین امکان شکل‌گیری هنجارهای مشترک، انتقال تجربه و کاهش رفتارهای کوتاه‌مدت و مخرب درون صنعت را فراهم می‌کند.

نکته مهم آن است که تقویت انجمن، صرفاً به معنای افزایش فعالیت‌های اداری یا رسانه‌ای نیست. انجمن زمانی به یک نهاد مؤثر تبدیل می‌شود که اعضای آن، منافع بلندمدت صنعت را بر منافع کوتاه‌مدت فردی ترجیح دهند و از طریق مشارکت فعال، به شکل‌دهی قواعد غیررسمی اما پایدار کمک کنند. این همان نقطه‌ای است که نهادگرایی، مسئولیت را نه تنها متوجه دولت، بلکه متوجه خود بنگاه‌ها نیز می‌داند.

در نهایت، اگر قرار است صنعت لوازم خانگی در محیطی نهادی پایدار دوام بیاورد و مسیر توسعه را بازسازی کند، تقویت نهادهای میانی و انجمن صنفی یکی از معدود ابزارهای در دسترس و واقع‌بینانه است. این مسیر، نه جایگزین اصلاح نهادی در سطح کلان، بلکه مکمل آن است. مسیری که می‌توان هزینه‌های ناشی از بی‌ثباتی را کاهش داده و صدای صنعت را به شکلی منسجم و مؤثر





شرکت تابناک توسعه فیدار
Tabnak Tose e Fidar Co.

Tabnak Tose e Fidar Co.



- برگزاری نمایشگاه های داخلی و بین المللی
- اعزام هیأت تجاری
- پاویون اختصاصی در نمایشگاه های بین المللی
- برگزاری همایش ها و رویدادهای داخلی بین المللی

مخاطب‌گرایی

روابط عمومی انجمن صنایع لوازم خانگی ایران در نظر دارد، نظر به قدمت چهل ساله انتشار و توزیع نشریه داخلی انجمن صنایع لوازم خانگی موسوم به پیک شورا و نیز عطف به ارتقاء آن به ماهنامه سراسری تخصصی انجمن با عنوان آینده‌سازان صنایع لوازم خانگی در میان طیف مخاطبان خود شامل: اعضای انجمن و مدیران و مسئولان کلیه دستگاه‌ها و سازمان‌های ذریبط صنعت پیشران لوازم خانگی کشور و نیز در راستای ارتقاء کمی و کیفی و ابعاد محتوایی این رسانه مکتوب دیدگاه‌های ارزشمند شما مخاطبان گرامی را دریافت و بهره‌برداری نماید. در این راستا مزید امتنان است در مسیر ارتقاء جایگاه این نشریه، پیشنهادات و نقطه نظرات سازنده خود را به روابط عمومی انجمن منعکس فرمایید.

لطفاً پیش از پاسخ دادن به سؤالات زیر گزینه مربوط به خود را انتخاب نمایید:

اعضای انجمن:

محبصول سازان
غیر اعضای انجمن:
قطعه سازان

۱- ارزیابی شما از انتشار اخبار و گزارشات خبری و تصویری، مصاحبه‌های اختصاصی و اخبار پوشش داده شده صنعت لوازم خانگی در این شماره نشریه آینده‌سازان صنایع لوازم خانگی چگونه است؟

عالی خوب متوسط ضعیف

۲- میزان رضایت شما از محتوای مطالب و مقالات داخلی و خارجی ترجمه شده از منابع مختلف معتبر چقدر است؟

عالی خوب متوسط ضعیف

۳- تا چه میزان نشریه آینده‌سازان صنایع لوازم خانگی را در انعکاس توانمندی‌ها و معرفی ظرفیت‌های اعضای انجمن به دیگر اعضا و مخاطبان این نشریه، مفید و اثربخش می‌دانید؟

عالی خوب متوسط ضعیف

۴- طراحی هنری و صفحه‌آرایی نشریه آینده‌سازان صنایع لوازم خانگی را جهت ارائه مطلوب محتوای نشریه، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عالی خوب متوسط ضعیف

۵- ارزیابی کلی شما از سطح کمی و کیفی این شماره از نشریه آینده‌سازان صنایع لوازم خانگی چیست؟

عالی خوب متوسط ضعیف

چنانچه پیشنهادی جهت ارتقاء هر چه بیشتر سطح کمی و کیفی نشریه آینده‌سازان صنایع لوازم خانگی دارید مرقوم فرمایید.



۰۹۱۲-۵۱۶۴۷۴۵

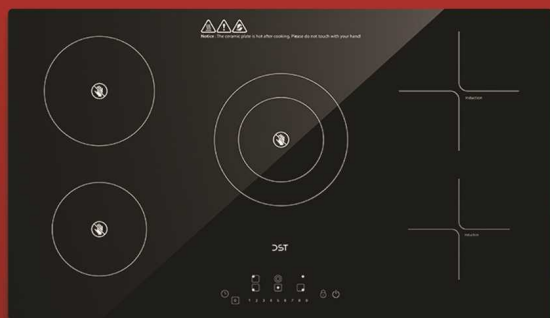
DST
ONE MEAL, ONE CHANCE



اجاق القایی

اجاق المنتی

تولید کننده تخصصی
اجاق برقی در ایران



ارائه کننده ۱۸ نوع اجاق برقی در ابعاد مختلف
خدمات پس از فروش گسترده در سراسر ایران

آدرس:

ارومیه، شهرک صنعتی فاز دو، خیابان صنعتگران ۴، خیابان ۳۱

 www.dst-shop.ir

 [dst_home](https://www.instagram.com/dst_home)

۰۴۴۴۱۱۰۰-۰۹۰۰۲۴۰۲۲۳۳ 

هیجان منتظر توست

تلویزیون های سری گیمینگ جی پلاس



Gplus



Gaming
TV

PLAY YOUR POWER

نرخ بروزرسانی از ۱۲۰ تا ۱۴۴ هرتز

همه سال با آبسال



تهران، خیابان هنگام، خیابان دانشگاه علم و صنعت، شماره ۳
فروش: ۰۲۱)۷۷۴۵۵۰۹۵ - خدمات: ۰۲۱)۹۱۰۰۹۰۰۷

